

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فارسی و نگارش (۱)

شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش

راهنمای معلم

پایه دهم  
دوره دوم متوسطه

۱۳۹۶



## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:

راهنمای معلم فارسی و نگارش (۱) - ۲۱۰۷۵۱

پدیدآورنده:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

محی الدین بهرام محمدیان، عباسعلی وفا، محمدرضا سنگری، رضا مراد صحرانی، مریم عاملی رضائی، غلامرضا عمرانی، مریم دانشگر، حجت کجانی حصاری، نادر یوسفی و محمد نوریان (اعضای شورای برنامه‌ریزی)

تألیف:

حسین قاسم‌پورمقدم، معصومه نجفی یازکی، مرجان سجودی و علیرضا چنگیزی (اعضای گروه تألیف) - حسین داوودی (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری:

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی:

لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - الهه یعقوبی‌نیا (صفحه‌آرا) - سورووش سعادت‌مندی، الهام جعفرآبادی، زهرا رشیدی مقدم، سپیده ملک ایزدی، راحله زادفتح‌اله و فاطمه رئیس‌یان فیروز آباد (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان:

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبگاه: [www.irtextbook.ir](http://www.irtextbook.ir) و [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

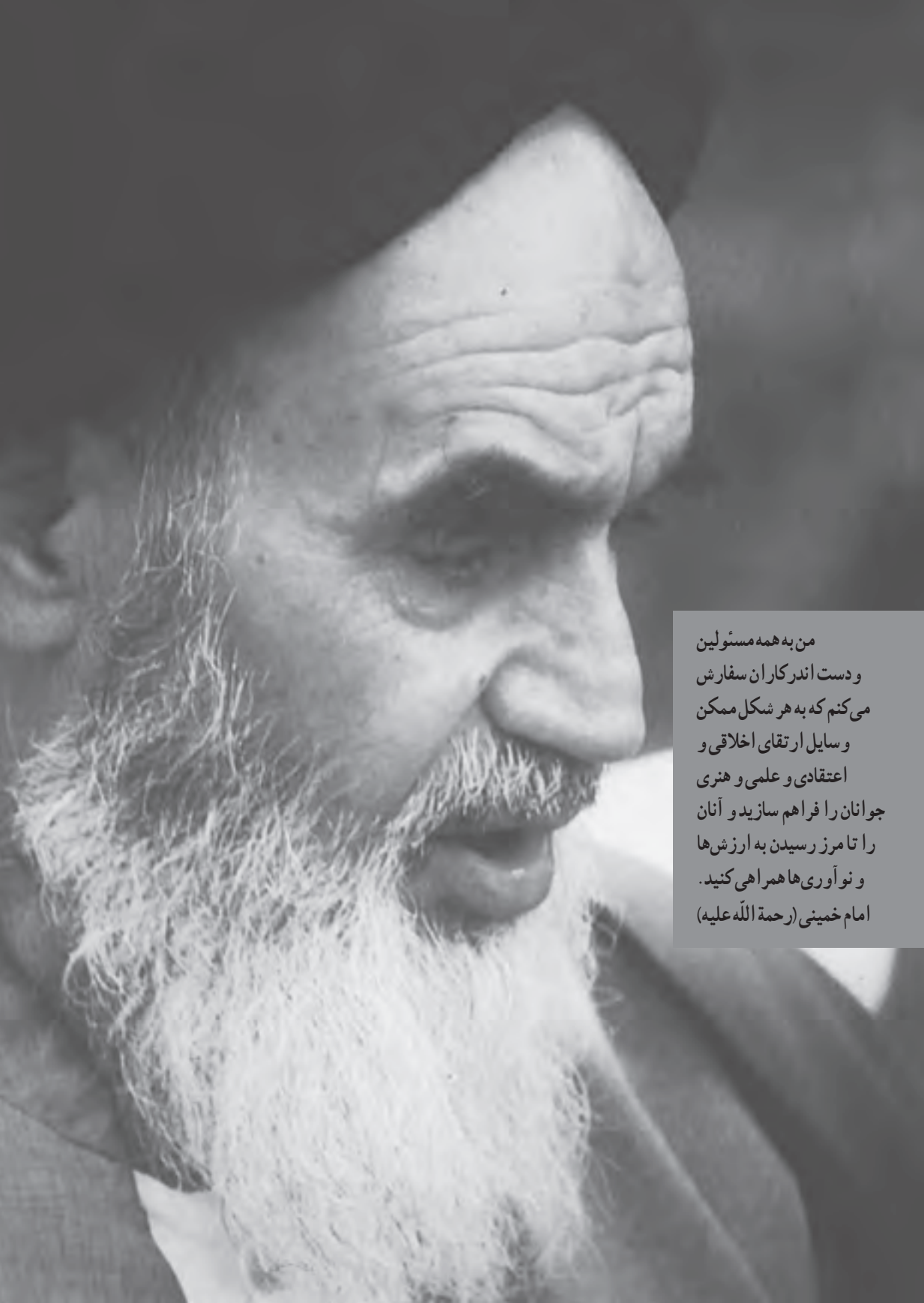
سال انتشار و نوبت چاپ:

چاپ اول ۱۳۹۶

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۴۵-۰

ISBN: 978-964-05-2745-0



من به همه مسئولین  
و دست اندرکاران سفارش  
می‌کنم که به هر شکل ممکن  
وسایل ارتقای اخلاقی و  
اعتقادی و علمی و هنری  
جوانان را فراهم سازید و آنان  
را تا مرز رسیدن به ارزش‌ها  
و نوآوری‌ها همراهی کنید.  
امام خمینی (رحمة الله علیه)

# فهرست

پیشگفتار : سخنی با دبیران ارجمند ..... ۱

## بخش اول : کلیات

مبانی برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی دوره دوم متوسطه .....	۶
رویکردهای حاکم بر برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات دوره دوم متوسطه .....	۹
اصول برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی در دوره دوم متوسطه .....	۱۲
اهداف کلی برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی دوره دوم متوسطه .....	۱۸
اهداف برنامه درسی فارسی و نگارش .....	۲۲
ساختار کتاب فارسی و نگارش ۱ .....	۲۴
الف) بررسی ساختار بخش فارسی .....	۲۴
کلیاتی مربوط به خوانش و لحن متن .....	۲۶
ب) بررسی ساختار بخش نگارش .....	۳۷
روش های یاددهی - یادگیری .....	۴۰
الف) بخش فارسی .....	۴۰
ب) بخش نگارش .....	۴۵
ارزشیابی .....	۵۲
الف) فارسی .....	۵۲
ب) نگارش .....	۵۷

## بخش دوم : بررسی درس ها

ستایش و تحمیدیه .....	۶۲
درس اول : از آموختن ننگ مدار .....	۶۵

۶۶.....	درنگی در کارگاه درس پژوهی.....
۶۸ .....	گنج حکمت : خلاصه دانش ها.....
۷۱.....	درس دوم : پرورش موضوع.....
۷۹.....	کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی اول.....
۸۰.....	مثل نویسی .....
۸۱.....	درس سوم : خسرو.....
۸۳.....	درنگی در کارگاه درس پژوهی.....
۸۳.....	گنج حکمت : روزی ده و روزی.....
۸۴.....	درس چهارم : عینک نوشتن.....
۹۰.....	کارگاه نوشتن.....
۹۳.....	درس پنجم : مهر و وفا.....
۹۴.....	درنگی در کارگاه درس پژوهی.....
۹۶.....	درس ششم : عینی نوشتن.....
۹۶.....	کارگاه نگارش.....
۱۰۱ .....	مثل نویسی .....
۱۰۳.....	درس هفتم : رستخیز عظیم.....
۱۰۴ .....	درنگی در کارگاه درس پژوهی.....
۱۰۶.....	گنج حکمت : حیات بخش دل ها.....
۱۰۷.....	درس هشتم : نوشته های گزارش گونه.....
۱۰۷.....	کارگاه نگارش.....
۱۰۹.....	مثل نویسی : بار کج به منزل نمی رسد.....
۱۱۰ .....	درس نهم : دریا دلان.....

درنگی در کارگاه درس پژوهی.....	۱۱۱
گنج حکمت : آنچه گویی، هوش دار.....	۱۱۲
درس دهم : نوشته ذهنی (۱) جانشین سازی.....	۱۱۳
کارگاه نگارش.....	۱۱۳
مثل نویسی : سحرخیز باش تا کامروا باشی.....	۱۱۸
درس یازدهم : رستم و اشکبوس.....	۱۱۹
جستاری در متن.....	۱۲۰
گنج حکمت : عاقبت مردم آزاری.....	۱۳۴
درس دوازدهم : نوشته ذهنی (۲)، سنجش و مقایسه.....	۱۳۵
کارگاه نگارش.....	۱۳۵
درس سیزدهم : خیر و شر.....	۱۳۹
درنگی در کارگاه درس پژوهی.....	۱۴۱
درس چهاردهم : نوشته ذهنی (۳)، ناسازی معنایی.....	۱۴۴
کارگاه نگارش.....	۱۴۴
درس پانزدهم : نشانی از خدا.....	۱۴۸
کارگاه درس پژوهی.....	۱۴۹
گنج حکمت : درشتی و نرمی.....	۱۵۰
درس شانزدهم : نوشته های داستان گونه.....	۱۵۱
کارگاه نگارش.....	۱۵۱
نیایش : ای خدا.....	۱۶۱
منابع.....	۱۶۳

ای نام تو بهترین سرآغاز      بی نام تو نامه کی کنم باز

زبان فارسی، حافظ وحدت قوم ایرانی و به تعبیر دقیق و زیبایی مقام رهبری، «رمز هویت ملی ماست». زبان فارسی یکی از چند زبان فاخری است که از گذشته‌های دور، آثار ارزشمندی از آن برجای مانده است. این زبان که دربردارنده ارزش‌های والای انسانی است، قرن‌های متوالی، زبان رسمی و فرهنگی بخش وسیعی از جهان، از آسیای صغیر و بین‌النهرین و تمام شبه قاره هندوستان بوده است. نه تنها ایرانیان علاقه‌مند که بسیاری از غیر ایرانیان این زبان را فرا گرفته، بدان شعر سروده و کتاب نوشته‌اند.

آثار ادبی ایران، آئینه اندیشه‌ها، باورها، هنرمندی‌ها و عظمت روحی و معنوی ملتی است که بالنده و شکوفا از گذرگاه حادثه‌ها و خطرگاه‌ها گذشته و به امروز رسیده است. برگ برگ ادب و فرهنگ ایران زمین، جلوه‌گاه آثار منظوم و منثور فرهیختگان اندیشه‌وری است که با بهره‌گیری از زلال فرهنگ اسلامی، آثاری ماندگار و پرمایه را به یادگار نهاده‌اند. مطالعه دقیق و عمیق این آثار، جان را طراوت می‌بخشد، روح را به افق‌های شفاف و روشن پرواز می‌دهد و ذهن و ضمیر را شکوفا و بارور می‌سازد. برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران اسلامی، جایگاهی ارزشمند دارد، چرا که از یک سو حافظ میراث فرهنگی و از سوی دیگر مؤثرترین ابزار انتقال علوم، معارف، ارزش‌های اعتقادی، فرهنگی و ملی است.

در جهان امروز، نوشتن یکی از مهارت‌های بهتر زیستن است؛ توانایی بیان مقصود در قالب نوشته، نیاز اولیه زندگی اجتماعی و مؤثرترین راه ارتباطی در فضای رسانه‌های نوپدید است. هر کتاب، درحقیقت، تجربه‌ای از نوشتن را به همراه دارد. خواندن دقیق کتاب‌های مناسب، می‌تواند سرمشق درست‌اندیشی و آسان‌نویسی باشد. کتاب‌خوانی، یکی از شیوه‌های مناسب برای رشد اندیشه و افزودن بر توانایی‌های ذهن و زبان است. نویسنده نیز با خواندن، اندیشیدن و نوشتن، به آفرینش نوباوه فکری خود دست می‌یابد. به بیان دیگر، نوشتن، فرزند خواندن است. هرچه بیشتر بخوانیم، توانایی‌های ذهن ما بیشتر نیرو می‌گیرد و کار نوشتن برای ما آسان‌تر می‌شود.

کتاب فارسی و نگارش پایه دهم، بر بنیاد رویکرد عام «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، یعنی شکوفایی فطرت الهی، استوار است و با توجه به عناصر پنجگانه (علم، تفکر، ایمان، اخلاق، عمل) و جلوه‌های آن در چهار بهانه (خود، خلق، خلقت و خالق) و بر پایه اهداف «برنامه درسی فارسی»، در شانزده درس سازماندهی و تألیف شده است. برای اجرای بهتر این برنامه و اثربخشی فرایند آموزش، توجه همکاران ارجمند را به نکات زیر، جلب می‌کنیم:

### الف) فارسی :

رویکرد خاص برنامه فارسی آموزی، رویکرد مهارتی است؛ یعنی بر آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و

فرا زبانی و ادبی تأکید دارد و ادامهٔ منطقی کتاب‌های فارسی دورهٔ ابتدایی و دوره متوسطه اول است؛ به همین روی، لازم است همکاران گرامی از ساختار و محتوای کتاب‌های پیشین، آگاهی داشته باشند.

رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت‌بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین، طراحی و به کارگیری شیوه‌های آموزشی متنوع و روش‌های همیاری و گفت‌وگو توصیه می‌شود. حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی – یادگیری، کلاس را سرزنده، بانشاط و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد.

در بخش مهارت‌های خوانداری، بایسته است ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی همچون لحن، تکیه، آهنگ و دیگر خرده مهارت‌ها به طور مناسب، مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به رویکرد مهارتی، آنچه در بخش بررسی متن اهمیت دارد، کالبد شکافی عملی متون است؛ یعنی فرصتی خواهیم داشت تا متن‌ها را پس از خوانش، بررسی کنیم. این کار، سطح درک و فهم ما را نسبت به محتوای اثر، فراتر خواهد برد. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های بررسی، کالبد شکافی و تحلیل هر اثر، این است که متن در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی و فکری.

در آموزش، به ویژه در قلمرو زبانی و ادبی از بیان مطالب اضافی که به انباشت دانش و فرسایش ذهنی دانش‌آموزان، منجر می‌شود، پرهیز گردد.

در بخش «گنج حکمت» حکایات با هدف پرورش مهارت‌های خوانداری، ایجاد نشاط و طراوت ذهنی، آشنایی با متون مختلف و مهم‌تر از همه، پرورش فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی، در ساختار فارسی گنجانده شده‌اند تا زمینه رشد و تقویت سواد خواندن، توانایی درک و فهم، پرورش روحیهٔ نقد و تحلیل متون، فراهم گردد.

تقویت توانایی فهم و درک متن، یکی از برجسته‌ترین اهداف آموزشی این درس است. ایجاد فرصت برای تأمل در لایه‌های محتوا و همفکری گروه‌های دانش‌آموزی، به پرورش قدرت معناسازی ذهن زبان‌آموزان کمک می‌کند.

## ب) نگارش:

یکی از ویژگی‌های این کتاب در بخش نگارش، آوردن نمونه‌های فراوان از نویسندگان است. این کار، افزون بر آشنایی خوانندگان با نویسندگان و آثارشان، آنها را به طور عملی با شیوه‌های گوناگون نوشتن نیز آشنا می‌سازد. این نمونه‌های برگزیده از بی‌شمار آثار، گلچینی رنگارنگ از سرمشق مهارت نوشتن هستند. البته باید خاطر نشان ساخت که نمونه متن‌هایی که بی‌نشان هستند، از قلم مؤلفان این کتاب، تراویده‌اند.

در ساختار هر درس، بعد از متن آموزشی، تمرین‌های نوشتنی با عنوان «کارگاه نگارش»، در بخش‌های



«تولید متن»، «ارزیابی نوشته» و «مَثَل نویسی» سازماندهی شده است.

فعالیت‌های «کارگاه نگارش» با نظامی علمی و آموزشی به دنبال هم آمده‌اند؛ شماره یک با هدف تقویت توانایی بازشناسی، تشخیص، تقویت توانایی نوشتن و تولید متن و شماره دو با هدف تقویت داوری و توانایی بررسی، تحلیل و نقدنویسی طراحی شده است. «مَثَل نویسی»، تمرینی برای بازآفرینی و گسترش مثل است. در مثل نویسی، دانش‌آموزان با افزودن شاخ و برگ به اصل مثل، نوشته جدیدی را خلق می‌کنند. «مثل» در بارورسازی ذهن و زبان و پرورش حافظه و تقویت خوب سخن گفتن و زیبا نوشتن، بسیار مؤثر است.

به کارگیری روش‌هایی چون: زایش و برخورد اندیشه‌ها (روشن‌سازی طرز تلقی)، بارش فکری، نوآفرینی (بدیعه پردازی) و حل مسئله، در آموزش مفاهیم این کتاب، اثربخش و کارا خواهد بود.

بنیاد نوشتن و تولید متن، فعالیتی فردی است؛ اما مراحل پیش از نوشتن و پس از نوشتن، بهتر است جمعی و گروهی باشد. بنابراین، فرایندی سه مرحله‌ای پیش رو خواهیم داشت:

الف) پیش از نوشتن      ب) نوشتن      پ) پس از نوشتن

مرحله نخست، فرصتی برای هم‌اندیشی، بارش فکری و توانایی تشخیص آموخته‌ها در نمونه‌های ارائه شده است. گفت‌وگو درباره موضوع، تبادل اطلاعات، طراحی نقشه ذهنی و ... همه در این مرحله انجام می‌گیرد. مرحله دوم، زمان تولید نوشته است. هرکس به سراغ دفتر و قلم خود می‌رود و با توجه به خوانده‌ها و اندوخته‌های پیشین و نقشه ذهنی طراحی شده، نوشتن را آغاز می‌کند. مرحله سوم، هنگام بازبینی و ویرایش است. این کار هم می‌تواند با مشارکت گروهی و با همفکری انجام گیرد.

برای کسب مهارت نوشتن، ضروری است، فرایند آموزش، زایش و بارش فکری، سازماندهی ذهنی، تولید، تمرین و تکرار طی شود. بدین سبب، این درس، کاملاً ورزیدنی و عملی است و در ارزشیابی از آن، جایی برای طرح پرسش‌های شناختی و حفظ کردنی نیست. یکی از اصلی‌ترین دلایل کم بودن حجم و تعداد درس‌ها همین است؛ کمتر حرف بزنیم و بیشتر به نوشتن، فرصت بدهیم. در هر درس، سنجه‌ها و معیارهایی را برشمرده‌ایم که لازم است در نوشته‌های دانش‌آموزان و ارزیابی از آنها مورد توجه قرار گیرد.

امیدواریم آموزش این کتاب، به رشد و شکوفایی زبان و ادب فارسی و پرورش شایستگی‌های زبانی در نسل جوان، یاری رساند و به گشایش کرانه‌های امید و روشنایی، فراروی آینده‌سازان ایران عزیز بینجامد.

گروه زبان و ادب فارسی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری



بخش اوّل

کلیّات

## مبانی برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات — فارسی دوره دوم متوسطه

زبان و ادبیات فارسی، بیانگر اندیشه‌ها، باورها و شکوه فکر فرهیخته فرهنگ ایرانی است و چونان میراث ارزشمند نسل‌ها و سده‌ها از گذشته به امروز، راه یافته است. برگ برگ فرهنگ و ادب فارسی را آثار منثور و منظومی سامان داده که بیانگر غنای فکری و بینشوری ایرانیان است. توجه به این موضوع حیاتی، وظیفه حساس و خطیر برنامه‌ریزان درسی به ویژه در قلمرو تعلیم و تربیت به شمار می‌رود تا از طریق ایجاد فضاهای مناسب برای دانش‌آموزان، امکان آشنایی آنان با این آبخورهای فرهنگی فراهم آید و تجارب شایسته برای رسیدن به مراتبی از حیات طیبه و نیکوتر زیستن، کسب شود.

زبان و ادب فارسی به دلیل رابطه نزدیک و ناگسستنی با تفکر انسان، می‌تواند نقشی مهم در تقویت خلاقیت و کاربرد درست مهارت‌های زبانی و ادبی داشته باشد. بنابراین، با طراحی و تدوین برنامه درسی مناسب، می‌توان دانش‌آموزان را با این حوزه، آشنا ساخت و آنان را نسبت به پاسداری از این میراث فرهنگی برانگیخت و توانایی به کارگیری آموخته‌ها را پرورش داد و آنان را برای حل دشواری‌ها در محیط زندگی تربیت کرد.

**ضرورت برنامه‌ریزی و تألیف جدید در دوره دوم متوسطه:** در پی تدوین و تصویب اسناد فرادستی و نوپدید همچون «سند تحول» و «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، زمینه بازاندیشی و بازنگری در برنامه‌ها و بازتألیف آنها فراهم گشت. به همین سبب، راهنمای برنامه درسی زبان آموزی دوره ابتدایی که تولید اولیه آن مربوط به سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ بود و اصلاح نهایی آن تا سال ۱۳۸۵ به طول انجامید، دگریار می‌بایست خود را با اسناد تحولی جدید همسو می‌ساخت، از این رو، کار همسوسازی این برنامه با برنامه درسی ملی، تقریباً از سال ۱۳۸۸ آغاز گردید و در سال ۱۳۹۰ به فرجام رسید و پس از آن، تألیف کتاب‌های فارسی ابتدایی از سر گرفته شد.

به دنبال تغییرات ایجاد شده در ساختار نظام آموزشی (تبدیل ۵-۳-۴ به ۶-۳-۳) که نتیجه اجرایی شدن برنامه درسی ملی بود، تغییر و تحول از برنامه دوره ابتدایی به برنامه دوره دوم آموزشی نیز راه یافت و عنوان دوره تحصیلی از راهنمایی (پایه‌های اول، دوم و سوم) به دوره اول متوسطه (پایه‌های هفتم، هشتم و نهم) تغییر نام داد و بدین سان فرایند تغییر و تحول از سال ۱۳۹۰ به دوره اول متوسطه رسید. نخست راهنمای برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی این دوره، بازنگری، اصلاح و بهسازی شد و در پی آن، بازتألیف کتاب‌های درسی فارسی ضروری و اجتناب‌ناپذیر گردید. تألیف کتاب‌های این دوره (فارسی، آموزش مهارت‌های نوشتاری) بر اساس اسناد جدید تا سال ۱۳۹۳-۹۴ تداوم یافت.

برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی در دوره اول متوسطه یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین برنامه‌های درسی است که از یک سو با دوره ابتدایی و از سوی دیگر با برنامه‌های درسی این دوره،

ارتباط معناداری دارد، به گونه‌ای که ذهن و زبان دانش‌آموز را نسبت به دنیای یاددهی - یادگیری علوم، پویاتر و گویاتر می‌کند و آنان را از برزخ بلوغ می‌رهاند و برای ورود به دنیای متوسطه دوم و پیوند واقعی با زندگی و محیط اجتماعی آماده می‌سازد.

برنامه‌ریزی برای تغییر در متوسطه دوم، از سال ۱۳۹۲ هم‌زمان با تألیف در دوره اول متوسطه، آغاز گردید. نخست با تشکیل کارگروه ویژه و پس از نشست‌های فراوان، «راهنمای برنامه درسی متوسطه دوم (دبیرستان)»، تدوین شد. با تدوین برنامه و مشخص شدن چهارچوب اصلی فضای پیش‌رو، جلسات متعددی برای چگونگی سازماندهی محتوایی و جهت‌گیری‌ها برگزار گردید. در پی آن، از تیرماه سال ۱۳۹۴ کارگروه‌های انتخاب محتوا شکل گرفت و خُردک خُردک، درس‌نامه‌های دوره دوم متوسطه، پیکره‌ای بسامان پیدا کردند.

با تصویب جدول عناوین دروس و زمان آموزش برای هر یک از موضوع‌ها، از سوی شورای عالی آ.پ، هویت، ساختار و محتوای آموزشی کتاب‌ها با عناوین: علوم و فنون ادبی، فارسی و نگارش، شکل گرفت و بدین‌سان کتاب‌های جدید دوره دوم متوسطه، پس از گذشت حدود بیست سال، از مهر ماه ۱۳۹۵ به چرخه رسمی آموزش عمومی کشور وارد شد.

## دلایل تغییر برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی

۱- تغییر رویکردهای آموزشی زبان فارسی در ابتدایی و لزوم تداوم آنها در دوره اول و دوم متوسطه: در برنامه‌های جدید آموزش زبان فارسی، محتوای دروس، فعالیت‌ها و تمرین‌ها و حتی نحوه مدیریت کلاس و درس، مبتنی بر همیاری، مشارکت و فعال بودن دانش‌آموزان است. در تمرین‌هایی چون «به دوستان بگو»، «با هم بخوانیم» و ...، کارهای گروهی در کلاس‌ها صورت می‌گیرد و انتظار می‌رود در امتداد و استمرار برنامه آموزش زبان فارسی دوره ابتدایی، این نگرش در دوره متوسطه نیز در قالب گفت‌وگو، بررسی، نقد، تجزیه و تحلیل، کالبدشناسی و کالبدشکافی متون، تحقق یابد.

۲- تغییر در سیاست‌ها و نگرش‌های آموزشی و برنامه‌ریزی: نظام آموزشی باید دانش‌آموزان را به خودباوری و خودشکوفایی برساند و دانش‌آموزان، توانمندی‌های خود را کشف و استخراج کنند تا در آینده در مقابل چالش‌های پیش‌رو بتوانند، موفق شوند. از این گذشته، ظرفیت‌های علمی و توانایی‌های منطقه‌ای در نظام آموزشی ما، معمولاً فرصت، جایگاه و امکان بروز نمی‌یابند. توضیح اینکه معرفی زبان و فرهنگ و ادبیات مناطق به طور دقیق و سنجیده، به دلیل ظرفیت اندک کتاب درسی تاکنون مجال طرح نیافته است. در کتاب‌های فارسی ابتدایی و دوره اول متوسطه به این موضوع به خوبی توجه شده است و درس‌های آزاد، مجال

و فرصتی فراهم آورده‌اند تا دانش‌آموزان بتوانند ناگفته‌های کتاب درسی، را که دوست داشتند در کتاب درسی بیابند، از حوزه ادبیات بومی خود (با هدایت معلم) تهیه و تولید کنند.

این دیدگاه آموزشی می‌باید در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه استمرار یابد و کتاب‌ها آینه‌ای باشند که دانش‌آموزان خود را در آن بیابند. توجه بیشتر به مبانی دینی، هویت ملی، فرهنگ بومی و قومی ایران، و تأمل و درنگ دانش‌آموزان در زبان فارسی و ادبیات منطقه‌ای، خود از دستاوردهای این دیدگاه نوین خواهد بود.

**۳- ترویج فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و پژوهش:** در برنامه جدید زبان‌آموزی ابتدایی و دوره اول متوسطه به کتاب‌خوانی توجه ویژه شده است و بخشی از محتوای برنامه هفتگی آموزش فارسی به کتاب‌خوانی اختصاص دارد. معلم متناسب با هر درس، می‌تواند منابع مفید را در کلاس معرفی کند و بخش‌هایی از آنها را بخواند و بقیه در فرصت‌های دیگر توسط دانش‌آموز خوانده می‌شود. این نیاز باید در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه نیز برآورده شود و فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و پژوهش در متن برنامه، مورد توجه قرار گیرد.

**۴- ادامه منطقی ساختار و محتوای کتاب‌های فارسی ابتدایی در دوره اول و دوم متوسطه:** هر چند محتوا و ساختار کتاب‌های فارسی در دوره دوم متوسطه متفاوت با دوره ابتدایی است اما لازم است ادامه دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه باشد تا از این طریق، امکان تسلسل و جامعیت طرح مباحث و مفاهیم آموزش زبان و ادبیات فارسی برای برنامه‌ریزان درسی و معلمان فراهم شود و دانش‌آموزان بتوانند بدون سردرگمی و تکرار بیهوده، به طور منطقی، مطالب را دریافت کنند.

مجموعه این دلایل و تفاوت ساختار و محتوای کتاب‌های فارسی ابتدایی با کتاب‌های فارسی متوسطه و لزوم تداوم و استمرار برنامه آموزشی فارسی ابتدایی در دوره‌های متوسطه ایجاب می‌کند که فارسی متوسطه در قالب برنامه‌ای جدید طراحی و تدوین شود.

**۵- توجه به نیازهای مخاطبان و انتظار زمانه:** نیازسنجی و همسویی با نیازهای مخاطبان هر دوره تحصیلی، گام بنیادی در طراحی و تدوین برنامه است که باید هم با نیازهای جوانان و آینده‌زندی و شغلی آنان در پیوند باشد و هم ذائقه و افق انتظار زمانه را رعایت کند. از این رو، توجه به افق انتظار اهل روزگار و همسوسازی برنامه و محتوا با شرایط روحی و روانی و علاقه‌های هر گروه سنی، ایجاب می‌کند که برنامه‌ها و محتوا هر چند سال یکبار، نوزایی را تجربه کنند و خود را با سامانه روان‌شناختی و پسند زمانه، همراه سازند تا منجر به شکاف‌های فرهنگی- اجتماعی نشود.

## رویکردهای حاکم بر برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات دوره دوم متوسطه

رویکرد، جهت‌گیری اساسی نسبت به یاددهی و یادگیری و ابعاد گوناگون آن در حوزه برنامه‌ریزی درسی است. رویکرد عام این برنامه، بر بنیاد «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، یعنی شکوفایی فطرت الهی، استوار است و تألیف و سازماندهی کتاب با توجه به عناصر پنجگانه (علم، تفکر، ایمان، اخلاق، عمل) و جلوه‌های آن در چهار پهنه (خود، خلق، خلقت و خالق) انجام گرفته است.

در این برنامه درسی، برای آموزش مهارت‌های خوانداری یک رویکرد اصلی و چند رویکرد فرعی مورد توجه بوده است که عبارت‌اند از:

**رویکرد اصلی رویکرد مهارتی:** رویکرد اصلی برنامه در تألیف و سازماندهی محتوای آموزشی این دوره، «رویکرد مهارتی» است؛ یعنی توانایی‌های خوانداری زبان، مهارت‌هایی هستند که در پی آموزش، تمرین، تکرار، کار و گفتار، کسب می‌شوند. توانایی خواندن یک هنر زبانی نیست، بلکه مهارتی اکتسابی است. از این رو، این درس، کاملاً ورزیدنی و عملی است. از کشاندن آموزش کتاب به سمت مباحث دانشی و حفظ کردنی باید پرهیز شود. دانش‌آموزان می‌بایست در کلاس، فرصت تمرین خوانش مناسب و بازخوانی و نقد گفته‌های همدیگر را تجربه کنند. مناسب‌ترین راه، همین است؛ یعنی کار عملی در کلاس. پس، کمتر حرف بزنیم و بیشتر به دانش‌آموزان برای کار و گفت‌وگو، فرصت بدهیم.

با توجه به انتخاب این رویکرد که در حقیقت جهت‌گیری کل برنامه را نشان می‌دهد، از نگرش حافظه‌بنیاد، آگاهانه پرهیز شده است. در این درس، تأکید اصلی ما، «متن‌پژوهی» است. آنچه در بخش بررسی متن، اهمیت دارد، کالبدشناسی و سپس کالبدشکافی عملی متون است؛ یعنی فرصتی خواهیم داشت تا متن‌ها را پس از خوانش در سه قلمرو (زبانی، ادبی و فکری) بررسی کنیم؛ این کار سطح درک و فهم ما را نسبت به محتوای اثر فراتر خواهد برد و دانش‌آموزان را در نقد عملی به مهارت خواهد رساند.

نمایه رویکردهای فرعی برنامه درسی

رویکرد ارتباطی

رویکرد جزء به کل

رویکرد ساختاری

رویکرد فعالیت محوری

رویکرد تلفیقی

## رویکردهای فرعی در تدوین و سازماندهی محتوا :

■ **رویکرد پیکره نگر (کلی):** بر اساس این رویکرد (مبتنی بر روان‌شناسی گشتالت)، انسان هنگام برخورد با امور و پدیده‌ها، ابتدا به پیکره یا کل آنها توجه می‌کند و پس از آن، به اجزای سازنده پیکره می‌پردازد؛ به همین جهت در برنامه‌های درسی و مراحل یاددهی - یادگیری نیز باید نخست، صورت‌های کلی را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، سپس با استفاده از شیوه تجزیه کل به عناصر سازنده، عناصر سازه‌ای با اجزای آن را معرفی کنیم؛ مثلاً به جای آنکه دانش‌آموز شعری را بیت بیت حفظ کند، باید کل شعر را چند بار بخواند و پس از دریافت مفهوم و پیام کلی آن، شعر را حفظ کند. سپس آن را از منظرهای مختلف زبانی، ادبی و فکری، بررسی و تحلیل کند.

■ **رویکرد فعالیت محوری:** با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از ماهیت زبان و ادبیات فارسی، مهارتی است و از طریق این رفتارها و مهارت‌ها به جنبه‌های درونی و برونی فرد پرداخته می‌شود، سعی شده است به طور متعادل در طراحی برنامه درسی فارسی متوسطه به جنبه‌های مختلف دانش‌آموز دوره متوسطه، توجه کافی شود و متناسب با آن، عناصر محتوا و فعالیت‌های یادگیری سازماندهی گردد.

■ **رویکرد تلفیقی:** درس زبان و ادبیات فارسی، ماهیتاً تلفیقی و درهم تنیده است، به همین سبب، کوشیده‌ایم برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی به نحوی تلفیق و ارائه گردد که در نهایت، توانایی‌های ذهنی، درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب و بازسازی، نقد و داوری، برقراری ارتباط با دیگران، ابراز وجود و بیان احساسات، افزایش قدرت خلاقیت و ... تقویت شود. این رویکرد در حوزه‌های زیر، انعکاس خواهد داشت :

- ۱ تلفیق مهارت‌های زبانی؛
- ۲ تلفیق مهارت‌های ادبیات فارسی؛
- ۳ تلفیق اطلاعات و دانش‌های زبانی و ادبی و فکری متون؛
- ۴ تلفیق مفاهیم فرهنگی، اجتماعی، دینی و ملی در محتوا؛
- ۵ تلفیق زبان و ادبیات فارسی با سایر دروس؛
- ۶ تلفیق آموخته‌ها با پیش‌داشت‌ها برای بهره‌گیری از آنها در موقعیت‌های زندگی.

## ■ رویکرد ساختاری

زبان و ادبیات، نظامی از عناصر و مؤلفه‌های مرتبط به هم است که برای رمزگردانی معانی به کار می‌رود. هدف از یاددهی و یادگیری، تسلط پیدا کردن بر سازه‌ها و عناصر این پیکره نظام‌مند است که معمولاً در



حوزه‌های آواشناسی، واحدهای دستوری و واژگانی قرار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، برنامه زبان و ادبیات باید به گونه‌ای باشد که در نهایت، دانش‌آموز نسبت به ساختارهای تشکیل‌دهندهٔ زبانی و ادبی آگاهی پیدا کند و از طریق مهارت در شناخت جنبه‌های توصیفی زبان، به معانی موجود در آن پی ببرد.

■ **رویکرد نقش‌گرایی:** در این رویکرد، زبان و ادبیات وسیله و ابزاری برای بیان معانی است. به جای توجه ویژه به عناصر زبانی، به جنبه کاربردی و تولیدی زبان و ادبیات تأکید می‌شود. از عناصر زبان و ادبیات فقط در حدی سود جسته می‌شود که معنا و کاربرد زبان، تسهیل‌یابد و محتوای برنامه بر اساس معنا سازماندهی شود. بر اساس این رویکرد صورت و ساخت ظاهری زبان، اصل نیست بلکه نقش و معنای زبان، مهم است.

■ **رویکرد ارتباطی:** در این رویکرد، زبان، وسیله‌ای برای ایجاد روابط، انتقال و درک پیام متقابل و تعامل سازنده میان افراد در شرایط واقعی اجتماعی، تلقی می‌گردد. به همین دلیل، به جای توانش زبانی و ادبی به توانش ارتباطی اهمیت داده می‌شود. درک مطلب، بیشتر از تولید زبان و ادبیات مورد توجه قرار می‌گیرد و در نتیجه، امکان تماس دانش‌آموز با زبان و ادبیات واقعی، بیشتر می‌شود و امکان تعامل بین افراد و گروه‌ها افزایش می‌یابد. مهم‌ترین نکته در این رویکرد، این است که هم رویکرد ساختاری و هم رویکرد نقش‌گرایی را در بر می‌گیرد. بنابراین می‌توان رویکرد ارتباطی را به عنوان یک رویکرد کاملاً تلفیقی در حوزه زبان و ادبیات، به شمار آورد.

■ **رویکردهای حاکم بر برنامه درسی نگارش:** رویکرد، جهت‌گیری اساسی نسبت به فرایند یاددهی – یادگیری و ابعاد گوناگون آن در حوزه برنامه‌ریزی درسی است. در یک نگاه کلی، از دو منظر (برنامه درسی ملی و برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی) می‌توان به رویکرد، نگریست.

**رویکرد عام:** بر بنیاد «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، یعنی شکوفایی فطرت الهی، استوار است و تألیف و سازماندهی کتاب با توجه به عناصر پنجگانه (علم، تفکر، ایمان، اخلاق، عمل) و جلوه‌های آن در چهار پهنه (خود، خلق، خلقت و خالق) انجام گرفته است.

■ **رویکرد ویژه:** در برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی، رویکرد ویژه یا خاص برای آموزش مهارت‌های نوشتاری، رویکرد مهارتی است.

## اصول برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات — فارسی در دوره دوم متوسطه

اصل ۱- در برنامه این دوره، باید اصل بر جنبه‌های کاربردی و مهارتی زبان و ادبیات، استوار باشد.  
راهکارها:

- تدوین محتوا بر اساس روش فعالیت محوری؛
- تقویت همسو و هم‌زمان مهارت‌های شفاهی و کتبی زبان و ادبیات فارسی؛
- در نظر گرفتن تمرین‌ها و فعالیت‌های عملی و کاربردی؛
- در نظر گرفتن فعالیت‌های اضافی در کتاب روش تدریس؛
- آموزش مهارت‌های زبانی و مهارت‌های تفکر و نقد به صورت موازی و هماهنگ؛
- ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس چهار مهارت زبانی و دو مهارت تفکر و نقد.

اصل ۲- برنامه باید بتواند توانایی اندیشیدن و تفکر انتقادی در جوانان را تقویت کند.  
راهکارها:

- پیش‌بینی و سازماندهی داستان‌هایی با پیام‌های غیرمستقیم؛
- پیش‌بینی فعالیت‌ها و تمرین‌های آشناسازی دانش‌آموزان با مراحل تفکر منطقی؛ دسته‌بندی، مرتب کردن و ...؛

- آموزش غیرمستقیم توانایی‌های ذهنی مثل مقایسه، نقد و تحلیل و ترکیب از طریق فعالیت‌ها؛
- پیش‌بینی تمرین‌هایی به منظور توانایی اظهارنظر، پیشنهاد و ارائه راه‌حل به دانش‌آموزان؛
- در نظر گرفتن فعالیت‌هایی برای تقویت درک سمعی و توانایی برداشت مناسب از مفاهیم؛
- پیش‌بینی تمرین‌ها و آزمون‌های خلاق و فعال در ارزشیابی.

اصل ۳- لازم است از جدیدترین دستاوردهای علمی و پژوهش‌های حوزه زبان و ادبیات جوانان در تدوین برنامه استفاده شود:

راهکارها:

- بهره‌گیری از پژوهش‌های مراکز دانشگاهی و نهادهای داخلی و خارجی در حوزه زبان و ادبیات؛
- کاربست یافته‌های پژوهشی در حوزه زبان و ادبیات؛
- پیش‌بینی ساختار و محتوای برنامه بر اساس یافته‌های پژوهشی زبان و ادبیات.

اصل ۴- سیر برنامه‌ریزی محتوایی زبان و ادبیات فارسی باید از «ساده» به «تکامل» یافته، باشد.

#### راهکارها

- تسلسل منطقی برنامه از زبان به ادبیات به تناسب پایه‌ها؛
- ادامه منطقی مباحث زبانی، ادبی، نگارشی و املائی دوره‌های قبل؛
- آموزش نکته‌های زبانی، دستوری، املائی، نگارشی و ادبی بر اساس بسامد، تکرار و ضرورت توسعه و گسترش مفاهیم.

اصل ۵- فرایند سازماندهی برنامه باید از زبان طبیعی به زبان معیار باشد.

#### راهکارها

- ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌های تبدیل زبان گفتار به زبان نوشتار؛
- طراحی و تدوین تمرین‌ها و فعالیت‌های یادگیری از مهارت‌های شفاهی به مهارت‌های کتبی؛
- بهره‌گیری از ویژگی‌های زبان و فرهنگ مردم برای ساده‌نویسی؛
- انتخاب متون مناسب زبانی و ادبی با رعایت حرکت از محتوای ساده به پیچیده.

اصل ۶- زبان انتخابی باید ساده و صمیمی و متناسب با ذهن و زبان دانش‌آموزان باشد.

#### راهکارها

- بهره‌گیری از زبان متناسب با نیاز مخاطبان در نوشتن متن‌ها؛
- استفاده از اصول و مبانی ساده‌نویسی در نوشتن متن‌ها؛
- تهیه متن‌های متنوع زبانی و ادبی با توجه به سبک‌ها و گونه‌های مختلف نوشتاری.

اصل ۷- باید به گسترش حوزه‌های زبان فارسی (آواشناسی، معناشناسی و دستور) توجه کافی شود.

#### راهکارها

- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه آواشناسی (آواشناسی مقدماتی) و پاره مهارت‌های آوایی؛
- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه معناشناسی؛
- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه سطوح آوایی و معنایی؛
- پیش‌بینی فعالیت‌هایی برای پاره مهارت‌های آوایی؛
- پیش‌بینی فعالیت‌هایی برای ساخت واژه و صرف و نحو.

اصل ۸- برنامه باید بر اساس آخرین یافته‌ها و نظریه‌های حوزه زبان‌شناسی و ادبیات باشد.

### راهکارها

- توجه به تمامی مهارت‌های زبانی و فرا زبانی؛
- رعایت رویکردهای نوین در تمامی مراحل برنامه‌ریزی؛
- بهره‌گیری از اصول یادگیری نظریه‌های شناختی و فراشناختی؛
- توجه به جنبه توصیفی و کاربردی دستور زبان.

اصل ۹- رسم الخط باید بر اساس آخرین مصوبات شیوه نامه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باشد.

### راهکارها

- نظارت گروه ویرایش بر رسم الخط مصوب؛
- هماهنگ کردن رسم الخط کتاب‌های فارسی با مصوبه فرهنگستان زبان و ادب فارسی (دستور خط فارسی)؛
- ایجاد هماهنگی در رعایت و تعمیم این رسم الخط در سایر کتاب‌های درسی، مجلات رشد و کتاب‌های کمک آموزشی.

اصل ۱۰- برنامه باید زمینه‌ساز تقویت مهارت‌های زندگی در جوانان باشد.

### راهکارها

- آشنا کردن دانش‌آموز با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی؛
- گستردن و به کار بردن نمونه‌های اساسی مهارت‌های زندگی در سراسر کتاب؛
- بهره‌گیری از متون زبانی و ادبی در جهت پرورش و تقویت مهارت‌های زندگی.

اصل ۱۱- برنامه باید زمینه‌ساز تقویت روحیه مطالعه و کتاب‌خوانی باشد.

### راهکارها

- پیش‌بینی بخش کتاب‌خوانی؛
- طرح مباحث شیوه‌های مطالعه مطلوب؛
- پیش‌بینی ساعت مطالعه و کتاب‌خوانی؛
- تجهیز کتابخانه مدارس متناسب با اهداف برنامه؛
- جذب و جلب مشارکت نهادهای فرهنگی برای تحقق اهداف مطالعه و کتاب‌خوانی.

اصل ۱۲- آموزش نکات زبانی، اخلاقی، ارزشی و شناختی باید غیرمستقیم باشد.

#### راهکارها

- آموزش مفاهیم و نکات از طریق روش‌های فعال؛
- انتخاب قالب قصه، افسانه، داستان و شعر برای آموزش؛
- بهره‌گیری از فیلم، نوار صوتی، لوح فشرده و سایر فناوری‌های آموزشی، رایانه و دیگر کارافزارها؛
- استفاده از مواد کمک آموزشی (مجله، روزنامه، کتاب کمک درسی و ...).

اصل ۱۳- برنامه باید زمینه‌ساز تقویت و پرورش خلاقیت و ذوق هنری و ادبی جوان باشد.

#### راهکارها

- پیش‌بینی محتوا بر اساس الگوهای خلاق و فعال؛
- پیش‌بینی تمرین‌هایی در کتاب به منظور تقویت قوه خلاقیت و ذوق هنری؛
- طراحی تمرین‌هایی جهت تقویت روح جست‌وجوگری و کشف و حل مسئله؛
- بهره‌گیری از گونه‌های متنوع هنری و ادبی با تأکید بر جنبه‌های زیباشناسی، حسی و عاطفی؛
- استفاده از شعرخوانی، قصه‌خوانی، قصه‌گویی، نقالی، قصه‌سازی، نمایش خلاق؛
- بهره‌گیری از شیوه‌های خلاق نوشتن و سرودن.

اصل ۱۴- برنامه باید زمینه‌ساز رفتارهای اخلاقی، اجتماعی و تربیتی مناسب در جوانان باشد.

#### راهکارها:

- طرح الگوهای متعالی دینی، ملی و جهانی؛
- مقاوم‌سازی جوانان در برابر آسیب‌های اجتماعی از طریق پیش‌بینی متون و فعالیت‌های مناسب؛
- توزیع مفاهیمی مثل مشارکت و همیاری، آینده‌نگری، خودشکوفایی، انتقادپذیری، دوست‌یابی، همدردی با دیگران، کمک به هم‌نوع، اعتماد به نفس، گذشت و فداکاری، خودباوری، مسئولیت‌پذیری و واقع‌بینی در محتوای برنامه.

اصل ۱۵- به نقش سازنده زن و مرد به طور متناسب توجه شود.

#### راهکارها

- معرفی چهره‌های بزرگ با توجه به تناسب و توازن میان جنسیت در محتوای برنامه؛

- بهره‌گیری از آثار چهره‌های بزرگ زن و مرد؛
- بهره‌گیری از نویسندگان، شاعران و معلمان زن و مرد در تهیه برنامه.

اصل ۱۶- موضوعات و مطالب نباید به یک محدوده جغرافیایی منحصر شود.

#### راهکارها

- استفاده از زبان فارسی معیار؛
- ارائه تمرین‌هایی برای آشناسازی دانش‌آموزان با زبان و ادبیات و فرهنگ منطقه‌ای و محلی؛
- توجه به فرهنگ عمومی و ملی در کنار فرهنگ منطقه‌ای و بومی.

اصل ۱۷- در برنامه لازم است از دانش‌های بشری به منظور ارتباط و تعامل با زبان و ادبیات استفاده شود.

#### راهکارها

- در نظر گرفتن مباحثی پیرامون دانش‌های بشری و دانشمندان مرتبط با دانش ادبی؛
- ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌هایی در این زمینه؛
- بهره‌گیری از فناوری آموزشی در جهت تقویت و تعمیق مفاهیم این اصل؛
- بهره‌گیری از نمونه‌های نشان‌دهنده تعامل دانش و ادبیات.

اصل ۱۸- باید به تقویت و تعمیق حافظه دیداری و شنیداری توجه کافی شود.

#### راهکارها

- بهره‌گیری از تمرین‌های مناسب برای تقویت حافظه دیداری و شنیداری (مقایسه، شعرخوانی، حفظ شعر مورد علاقه و...)
- تولید مواد کمک آموزشی مناسب برای تقویت سواد دیداری و شنیداری.

اصل ۱۹- برنامه باید زمینه‌ساز ابراز وجود، بیان احساس و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان باشد.

#### راهکارها

- پیش‌بینی درس‌هایی از زبان دانش‌آموز جهت طرح دیدگاه‌ها، عقاید، عواطف و احساسات آنها؛
- پیش‌بینی فعالیت‌هایی مانند بازی، نمایش، کار گروهی، روزنامه دیواری برای تحقق این هدف؛
- پیش‌بینی تمرین‌هایی برای نقد و اظهار نظر درباره فیلم و ...

اصل ۲۰- مواد برنامه باید با علایق، سلیقه‌ها و نیازهای دانش‌آموز هم‌سویی داشته باشد.

### راهکارها

- انتخاب متون و داستان‌های جذاب و پرکشش؛
- توجه کافی و لازم به دنیای جوانان در کتاب درسی و مواد کمک آموزشی؛
- توجه به هماهنگی تصاویر با دنیای ذهنی جوانان؛
- بهره‌گیری از الگوها، قهرمانان، اسطوره‌ها و شخصیت‌های مورد علاقه جوانان؛
- توجه به اصول روان‌شناسی جوانان در طراحی و سازماندهی برنامه.

اصل ۲۱- عناصر و مؤلفه‌های برنامه در عین بنیادین بودن، باید انعطاف‌پذیر باشند.

### راهکارها

- تدوین اهداف برنامه بر اساس ساختار رشته و نیازهای جامعه و دانش‌آموز؛
- انتخاب سرفصل‌ها و مفاهیم متناسب با اهداف برنامه؛
- فصل‌بندی محتوا برای تنوع بخشی به برنامه و گنجاندن بخش‌های کوتاه و متنوع در درس؛
- بهره‌گیری از تمرین‌های متنوع زبانی، نگارشی، نقد و تحلیل و ...؛
- پیشنهاد روش‌های تدریس مناسب با چهارچوب برنامه؛
- استفاده از تمامی امکانات فنی و هنری، فناوری آموزشی و کمک آموزشی؛
- ارائه فعالیت‌های گوناگون و آزاد برای استفاده در کلاس، کتاب معلم و روش تدریس و ...؛
- ارزشیابی بر اساس مصوبات و یافته‌های حوزه سنجش و اندازه‌گیری.

## اهداف کلی برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی در دوره دوم متوسطه

اهداف	پایه‌ها		
	دوازدهم	یازدهم	دهم
۱- تفکر و تعقل			
استدلال منطقی در مهارت‌های خوانداری	★	★	★
استدلال منطقی در مهارت‌های نوشتاری	★	★	★
توانایی درک معنای متون زبانی و ادبی	★	★	★
شناخت تضادها، شباهت‌ها، تفاوت‌ها	★	★	★
مقایسه نوشته‌ها، استخراج پیام‌ها و نکات کلیدی	★	★	★
تفکر در مورد شنیده‌ها، خوانده‌ها و نوشته‌ها	★	★	★
نقد و تحلیل مطالب و موضوع‌های متنی	★	★	★
آفرینش تصاویر ذهنی و خیالی درباره امور و پدیده‌های زبانی و ادبی	★	★	★
توانایی تعمیم یافته‌های علمی و ادبی متون فارسی	★	★	★
۲- ایمان، باور و علایق			
ارتقای باور و ایمان به مفاهیم دینی، تربیتی، اخلاقی و فرهنگی	★	★	★
ارتقای نگرش مثبت به ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی	★	★	★
علاقه به تحقیق، پژوهش و مطالعه در آثار نظم و نثر ایران و جهان	★	★	★
توجه به جنبه‌های زیبایی شناختی آثار نظم و نثر فارسی	★	★	★
علاقه به زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی	★	★	★
تقویت روحیه زیبا شناختی و تلطیف احساسات	★	★	★



۳- علم			
★	★	★	آشنایی با مفاهیم و موضوعات دینی، ارزشی، انقلابی و اخلاقی
★	★	★	شناخت نمونه‌هایی از نظم و نثر جهان و چهره‌های بزرگ ادبی و فرهنگی معاصر ایران و جهان
★	★	★	شناخت نمونه‌هایی از نظم و نثر چهره‌های ادبی بومی و محلی
★	★	★	آشنایی بیشتر با واژگان متون زبانی و ادبی دوره معاصر
★	★	★	شناخت دقیق‌تر ساختارهای نحوی زبان فارسی معیار
★	★	★	آشنایی با شیوه‌ها و ابزارهای آفرینش زیبایی سخن
★	★	★	آشنایی با قالب‌های مختلف نوشتاری
★	★	★	آشنایی با کارکردهای مختلف زبان (دستور زبان، ارتباط و...)
★	★	★	آشنایی با مراحل تحقیق، مطالعه و پژوهش
۴- عمل			
★	★	★	تمرکز در خوب نگاه کردن به امور و پدیده‌ها
★	★	★	تمرکز دیداری بر متون زبان و درک معانی
★	★	★	نگاه انتقادی به دیده‌ها و نوشته‌ها
مهارت گوش دادن			
★	★	★	توجه به پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی
★	★	★	دقت و تمرکز در سخن گوینده و تشخیص آهنگ کلام
★	★	★	عادت به درست گوش دادن و دریافت پیام
★	★	★	درک شنیداری انسجام متن
★	★	★	توانایی درک پیام دیگران
★	★	★	توانایی در بررسی شنیده‌ها

★	★	★	تشخیص انواع ساخت واژه در زبان فارسی
★	★	★	توانایی نقد و تحلیل گفته‌ها و شنیده‌ها
			<b>مهارت سخن گفتن</b>
★	★	★	توانایی سخن گفتن مؤثر، در برابر جمع با تأکید بر فن بیان
★	★	★	توانایی غلبه بر کم‌رویی و پیدا کردن اعتماد به نفس
★	★	★	توانایی در به کار بردن زبان فارسی معیار در گفتار
★	★	★	توانایی در طرح افکار و اندیشه‌های خود در قالب گفتار
★	★	★	رعایت باره مهارت‌های آوایی زبان فارسی معیار
			<b>مهارت‌های خواندن</b>
★	★	★	توانایی خواندن متون نظم و نثر همراه با درک معنا
★	★	★	روان خوانی گونه‌های مختلف متون زبانی و ادبی
★	★	★	به کارگیری رفتارهای مطلوب در خواندن
★	★	★	رعایت سرعت و لحن مناسب در خواندن متون
★	★	★	مشارکت فعال و گفت‌وگو با دیگران درباره باره مهارت‌های خوانداری
★	★	★	توانایی به کارگیری کارافزارهای خواندن
			<b>مهارت‌های نوشتن</b>
★	★	★	توانایی تبدیل نمادهای صوتی به نوشتاری (املا)
★	★	★	توانایی تبدیل دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌ها به نوشته (نگارش)
★	★	★	توانایی درست، خوانا و زیبانویسی
★	★	★	رعایت نشانه گذاری‌ها در متن
★	★	★	توانایی نوشتن خلاق و بدیع (انشا)
★	★	★	رعایت هنجارهای نقد و تحلیل علمی، هنگام کالبدشکافی متن

★	★	★	توانایی بررسی مکتوب متون در سه قلمرو
★	★	★	استفاده از آرایه‌های ادبی در نوشتن
۵- اخلاق			
★	★	★	توجه به ارزش‌های اخلاقی، دینی و انقلابی در مهارت‌های زبانی
★	★	★	به کارگیری الگوهای اخلاقی بزرگان دینی و ملی
★	★	★	توجه به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی
★	★	★	رعایت آداب اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی
★	★	★	رعایت اخلاق علمی و پژوهشی در حوزه زندگی فردی و اجتماعی

## اهداف برنامه درسی فارسی و نگارش

### الف) عنصر تعقل :

- تقویت تفکر و پرورش قوه قضاوت و ارزیابی منطقی.
- ایجاد فرصت‌های مناسب در برنامه برای تربیت و پرورش شهروندانی با نگرشی عقلانی.
- ایجاد فرصت‌های مناسب در برنامه برای تربیت و پرورش تفکر خلاق و انتقادی.
- تقویت توانایی تفکر و افزودن بر توانایی‌های ذهن و زبان.

### ب) عنصر ایمان :

- ایجاد علاقه به زبان، فرهنگ و ادبیات ایران اسلامی در میان دانش‌آموزان.
- بهره‌گیری از مظاهر باورشناختی و ایمانی در نوشته‌ها.
- تقویت علاقه و نگرش مثبت به مطالعه و کتاب‌خوانی.
- تقویت علاقه و نگرش مثبت به کاربرد مهارت‌های نوشتن.
- ایجاد نگرش مثبت نسبت در به کارگیری کلام بزرگان و توانایی به کارگیری آن در نوشتن.

### پ) عنصر علم :

- آشنایی با اصول و قواعد پرورش موضوع.
- تقویت توانمندی در جذب و دریافت موضوعات از محیط پیرامون.
- آشنایی با نوشته‌های عینی و ذهنی.
- آشنایی بیشتر با روش‌های مبتنی بر «پرسش‌گری» با هدف خلق نوشته.
- آشنایی با نوع نگاه، نگارش و قواعد درست‌نویسی جمله و عبارت.
- آشنایی با سازمان‌دهی ذهنی برای نوشتن یک اثر.
- آشنایی با ساختار و اجزای یک نوشته.
- شناخت نمونه‌هایی از نوشته در قالب‌های گوناگون.
- شناخت ابعاد زیبایی شناختی اشعار، مثل‌ها، حکایات و ...
- آشنایی با روش مقایسه به عنوان راهی برای گسترش فکر.
- آشنایی با شیوه جانشین‌سازی در خلق نوشته.
- آشنایی با چگونگی گزارش‌گونه و داستان‌گونه نوشتن.

### ت) عنصر عمل :

- کاربردهای زبان معیارگفتاری.
- توانایی برگرداندن زبان گفتار به زبان معیار.
- توانایی خواندن متن همراه با درک و فهم درون مایه آن.
- توانایی بازشناسی متون با توجه به ساختار و زبان نوشته.
- توانایی ارزشیابی، نقد و تحلیل نوشته خود و دیگران.
- توانایی بازآفرینی مثل ها.
- توانایی بازنویسی حکایت ها.
- توانایی بازپروری اشعار.
- مهارت نقد منصفانه براساس سنجه های معین.
- مهارت گسترش متن.
- تولید یک نوشته با بهره گیری از روش جانشینی.
- تولید یک نوشته با بهره گیری از روش جانشینی.
- تولید یک نوشته با بهره گیری از روش سنجش و مقایسه.
- رعایت علائم سجاوندی (نشانه گذاری) در نوشته.
- توجه به پاکیزه نویسی و خوش خطی و نداشتن غلط املائی در انشا.
- رعایت نظم بخشی و انسجام متن نوشته.
- طرح سؤالاتی مناسب برای نوشتن متن.
- طرح سؤالاتی مناسب برای نوشتن گزارش.
- درک ابعاد زیبایی شناختی نمونه های موجود و بهره گیری از آن در نوشته.

### ث) عنصر اخلاق :

- آشنایی با ارزش های فرهنگی، دینی، اجتماعی و اخلاقی ایران اسلامی.
- تقویت علاقه مندی به رعایت اصول اخلاقی و منصفانه در نقد آثار.
- تقویت فرهنگ نقدپذیری و تحمل سخن دیگران.
- تلطیف احساسات، عواطف و التذاذ ادبی از راه مطالعه آثار ادبی.

## ساختار کتاب فارسی و نگارش ۱

این کتاب بر پایه نظام منطقی برنامه درسی دوره ابتدایی در دو بخش فارسی (مهارت‌های خوانداری) و نگارش (مهارت‌های نوشتاری) سازماندهی و تدوین شده است.

بر اساس برنامه درسی مدون، دو بخش برای آموزش فارسی در دوره متوسطه در نظر گرفته شده است :

(الف) فارسی «مهارت‌های خوانداری» شامل مهارت‌های شفاهی و گفتاری زبان.

(ب) نگارش «مهارت‌های نوشتاری» شامل مهارت‌های نوشتاری و کتبی زبان.

هر دو بخش، ارزش آموزشی یکسان دارد. آموزش مهارت‌های زبانی و ادبی را باید به طور موازی و مساوی و با آهنگی مناسب و متناسب پیش‌برد.

این دو بخش در امتداد و استمرار کتاب‌های فارسی ابتدایی، مهارت‌های شفاهی زبان (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن) و مهارت‌های کتبی زبان (املا، انشا و نگارش) و مهارت‌های فرازبانی (تفکر و نقد) را پرورش می‌دهند.

### الف) بررسی ساختار بخش فارسی

درس‌های تدوین شده در این حوزه از چهار بخش : متن درس، تصویر، کارگاه درس پژوهی و گنج حکمت تشکیل شده‌اند.

تذکر : همه این سازه‌ها در آموزش و ارزشیابی، همسنگ هستند؛ بنابراین در آزمون‌های پایانی از همه بخش‌های کتاب، می‌توان، چیزی در کفه‌های سنجش نهاد. به دیگر سخن، هیچ پاره‌ای از کتاب، از دایره آموزش و ارزشیابی، بیرون نیست.

### ۱- متن درس

■ درس‌ها به دو روش مستقیم و غیرمستقیم ارائه شده است.

*الف) مستقیم :* ارائه اطلاعات از سوی دانای کل.

*ب) غیرمستقیم به کمک قالب‌هایی چون :* داستان، خاطره، حسب حال و ...

### ۲- تصاویر

از تصاویر زیبا، جذاب، پرکشش با رنگ‌آمیزی زنده، همخوان با درون مایه درس، در جهت تقویت فهم و درک محتوا استفاده شده است.

## ۳- کارگاه درس پژوهی

پرسش‌هایی از متن درس با دو رویکرد «همگرا و واگرا»، در سه قلمرو (زبانی، ادبی و فکری) طرح شده است اما این قلمروها از یکدیگر تفکیک نشده‌اند. جنس و جوهر قلمروها یکسان نیست. پرسش‌های دو قلمرو زبانی و ادبی، همگرا هستند ولی قلمرو فکری، ماهیتی واگرا دارد. در کارگاه درس پژوهی، طرح دانش‌های زبانی و ادبی، مجال و فرصتی برای طرح مباحث دستوری، نگارشی، ادبی و زبانی و گسترش و ژرفابخشی به آموزه‌هایی‌اند که دانش‌آموزان در کتاب‌های ابتدایی و متوسطهٔ اول، کسب کرده‌اند.

در طرح این نکته‌ها، سعی بر آن است تا دانش‌آموز علاوه بر تلاش برای رشد و تقویت مهارت‌های زبانی، نقش فرازبانی زبان را دریابد، واژه‌ها را درست تعبیر و تفسیر کند، به تشریح و تبیین عناصر زبانی بپردازد، سازمان درونی کلمه‌ها و جمله‌ها را بشناسد و بتواند جمله‌های صحیح دستوری را در گفته‌ها و نوشته‌های خود به کارگیرد. هر چند تمرین‌ها به سه قلمرو تقسیم نشده است اما نوع تمرین‌ها در برگیرندهٔ همان سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری است.

شناخت ساختمان نحوی زبان فارسی، روابط هم‌نشینی زبان در زبان فارسی معیار، از دیگر اهداف قلمرو زبانی است. در قلمرو ادبی، آشنایی با مسائل شعر و نثر، قالب‌های شعری، زیبایی‌های ادبی و آموزه‌های نگارشی برای نوشتن خلاق و آمادگی برای نویسندگی و مهارت‌های آفرینش متن زیبا صورت می‌گیرد. در قلمرو فکری، سواد ادراکی دانش‌آموزان، پرورده می‌شود. هر خواننده در این بخش می‌باید درک و دریافت خود را از خوانش متن، بتواند بگوید و بنویسد. فعالیت‌های این بخش، مجال فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان به درون دنیای متن، راه یابند.

آنچه در این بخش، باید رعایت شود :

- ۱ هنگام پاسخ به پرسش، فرصت اندیشیدن، مشورت کردن و گفت‌وگوی دانش‌آموزان فراهم شود.
- ۲ دانش‌آموزان را تشویق کنید، پاسخ‌های خود را شرح دهند. از پاسخ‌های کوتاه و گفتن «بله» و «خیر» پرهیز کنند.

- ۳ دانش‌آموزان را آموزش دهید، زمانی پاسخ بدهند که پرسش به طور کامل خوانده شده باشد.
- ۴ از دانش‌آموزان بخواهید علاوه بر پاسخ، نظر خود را دربارهٔ سؤال، بیان کنند.
- ۵ به دانش‌آموزان فرصت دهید تا پاسخ خود را در مراجعه به متن بیابند. این کار باعث مرور متن می‌شود و علاوه بر درک معنا، در املا و یافتن شکل درست واژگان مؤثر است.

۶ دانش‌آموزان در وقت پاسخ‌گویی دیگران، سکوت کنند و گوش‌دهند و احترام پاسخ و پاسخ‌گوینده را حفظ کنند.

۷ تشویق پس از دریافت پاسخ و ایجاد انگیزه برای مشارکت در پاسخ‌گویی بسیار مهم است. در آموزش فارسی، خواندن، مقدم بر نوشتن است؛ بدین معنا که دبیران گرامی از بخش خواندن آغاز می‌کنند و پایه‌های آن به بخش نوشتن می‌پردازند. خوانشی مفید و اثرگذار است که به ادراک بینجامد.

## اهداف اساسی خواندن

- ۱ درک متن‌ها و دریافت پیام اصلی آنها
- ۲ توانایی بلندخوانی، صامت‌خوانی و خواندن با لحن و آهنگ مناسب
- ۳ گسترش دایره دید در خواندن
- ۴ توانایی بحث و بررسی و نقد موضوع‌های مطرح شده در متن درس‌ها
- ۵ توانایی شناخت و به کارگیری مهارت‌های زبانی
- ۶ به کارگیری کارافزارهای مناسب خواندن (تکیه، درنگ یا مکث، گسست و کشش آوایی، فراز و فرود، لحن و آهنگ)
- ۷ تقویت و تلطیف ذوق ادبی.

در پایان هر فصل «شعرخوانی» یا «روان‌خوانی» آمده است که این شعرها و روان‌خوانی‌ها (روان‌خوانی‌ها غالباً داستان‌اند) برای تقویت مهارت خواندن و درک و به عنوان مکمل محتوا و مفاهیم فصل آمده‌اند. شعر و نثر (روان‌خوانی) یک در میان در پایان فصول قرار گرفته‌اند. حکایت‌ها (گنج حکمت) در بین درس‌ها آمده‌اند. این حکایات از متون کهن برگزیده شده‌اند تا به تعادل و توازن کتاب کمک کنند.

**کلیاتی مربوط به خوانش و لحن متن:** روان‌خوانی‌ها ساختاری داستانی دارند و برای رشد، گسترش و تقویت مهارت‌های خواندن در پایان فصل‌ها قرار گرفته‌اند.

بنیاد هر کالبدشناسی، کالبدشکافی و نقد و داوری درست، ریشه در خوانش رهوار و به هنجار متن دارد؛ خواندن صحیح و به آیین، ما را به درک درست راهنمایی می‌کند. از راه خواندن، نبض متن را شناسایی می‌کنیم.



## اهداف خواندن

۱. رشد توانایی درک خوانداری؛
۲. تقویت توانایی درک پیام متن؛
۳. توانایی بررسی محتوای یک متن از طریق خوانش؛
۴. توانایی به کارگیری شیوه‌ها و لحن‌های مناسب در خواندن؛
۵. توسعه و تقویت آداب و عادات پسندیده در خواندن؛
۶. گسترش وسعت دید در خواندن؛
۷. رشد توانایی دقت بصری و سرعت مناسب در خوانش.

یک سوی متن، گوینده یا تولید کننده (شاعر یا نویسنده) است و سوی دیگر آن شنونده یا خواننده که گیرندهٔ پیام است. در قلمرو ادبیات این پیوند از شاعر یا نویسنده آغاز می‌شود و برای تکمیل آن به خواننده‌ای معناآفرین و تصویرساز نیاز است تا با نیروی درک و تخیل و آفرینش ذهن خود، خلق هنری را به پایان برساند؛ از این روی، ارج و شأن «خواندن» در خلق آفرینش ادبی آن‌چنان برجسته است که فرایند خواندن را یکی از کارکردهای مهم و اثرگذار کنش‌های زبانی در فره‌سازی اندیشه و رشد و پرورش شخصیت فکری به شمار می‌آورند؛ زیرا «خواندن» یک اثر مکتوب، متن نوشتار را به گفتاری پویا و زنده تبدیل می‌کند که در جریان شکل‌گیری آن، عوامل دیگری نظیر فضای فکری و جهان‌نگری خواننده، زمینه، موقعیت، لحن کلام و ... سبب می‌شوند تا معانی و برداشت‌های تازه‌ای از اثر پدیدار شود.

بنابراین خواندن یک اثر، پیوندی است میان جهان متن و جهان خواننده؛ به بیان دیگر، خواندن یک عمل دوسویه و تعاملی است که بین عناصر متن و خلاقیت‌های ذهنی خواننده ایجاد می‌شود.

به همین سبب، برخی به دو گونه «خواندن» اشاره می‌کنند؛ الف) خواندن پذیرا، ب) خواندن پویا. در خواندن پذیرا، خواننده خود را تنها به درک و دریافت جمله به جملهٔ متن محدود می‌کند. در این شیوه چون خواننده، پیکرهٔ کلی متن را نمی‌بیند و به اجزا و پاره‌های نوشته، توجه می‌کند، تصویر و ادراک درستی از کلیت اثر نمی‌تواند به دست آورد.

در خواندن پویا، خواننده بر پایهٔ جریان فعال ذهنی خود و دریافت معنا و تصاویر و تخیل حاکم بر فضای کلی اثر، فرایند خواندن را پیش می‌برد و ارتباط ویژه‌ای با متن برقرار می‌سازد. در این شیوه، کنش خواندن یک فعالیت پویا و اثرگذار است. (برای اطلاعات بیشتر در زمینهٔ خواندن، ر. ک: مبانی خواندن در زبان فارسی)

**لحن در زبان فارسی :** لحن و آهنگ خواندن، مهم‌ترین فرایند هستی‌بخش به هر اثر ادبی – هنری است. خواست ما از «لحن» فضا سازی در بافتار آوایی سخن است؛ لحن، گرفتن نبض متن است. وقتی خواننده هنگام خواندن، خود را در فضای حسی – عاطفی اثر می‌یابد، در واقع با آن همراه و هم حس می‌شود. این ایجاد هم‌سوئی و هم حسی با متن، سبب می‌گردد که خواننده، هستی خود را با خوی و منش قهرمان اثر یا جریان متن، همراه و یکسان ببیند و در خود دگرگونی و تحوّل احساس کند. تبدیل به دیگری شدن در جریان خوانش یک اثر، چونان شناخت حقیقت و هویت خویشتن، با ارزش است؛ البته ناگفته نماند که کُنش خواندن، افزون بر کارکرد تعالی‌بخشی و دگرگون کننده، ممکن است به سبب آگاهی‌های نادرست و نارسای خوانندگان نه تنها قابلیت‌های زبانی، تصویری و شنیداری متن را آشکار نسازد، با خوانش سطحی و ناقص، ویژگی‌های اثرگذار نوشته را بی‌اثر گرداند. در اینجا اشاراتی کوتاه به انواع لحن را فرایش می‌نهیم. (ر.ک : «مبانی خواندن در زبان فارسی»).

**لحن حماسی :** حماسه به معنای دلاوری و شجاعت است؛ کسی که شعر حماسی را می‌خواند، باید به گونه‌ای بخواند که این دلاوری‌ها را از راه گوش به شنونده منتقل کند؛ پس لحن حماسی، لحنی کوبنده و استوار است و خواننده شعر حماسی، به ویژه شاهنامه فردوسی، با توجه به ویژگی‌های این گونه اشعار، باید لحن خود را متناسب با محتوای این اشعار کند؛ فضای عمومی این اشعار بیشتر جنگ‌ها و نبردهای پهلوانان با یکدیگر، با دشمنان و با موجوداتی چون دیو و اژدها و کارهای شگفت انگیز و خارق‌العاده است.

در هنگام خواندن شعر حماسی باید :

۱ آهنگ شعر را که مساوی با «ت تن تن، ت تن تن، ت تن» (فعولن فعولن فعولن فعل) است حفظ کنند؛ مانند شعر زیر :

به مغز پشنگ اندر آمد شتاب	چو دید آن سهی قد افراسیاب
بر و بازوی شیر و هم زور پیل	وز او، سایه گسترده بر چند میل
زبانش به کردار برّنده تیغ	چو دریا دل و، کف چو بارنده میغ

۲ کشیدن آخرین هجای کلمه پایانی هر مصراع (ایجاد کشش آوایی).

در بیت‌های زیر از فردوسی، آخرین بخش «شتاب» و «افراسیاب»، «آب» است؛ همچنین آخرین بخش «جای» و «رهنمای» «آی» است که خواننده باید به هنگام خواندن، آن را بیشتر از کلمه‌های هر مصراع بکشد؛

«به مغز پشنگ اندر آمد شتاب      چو دید آن سهی قد افراسیاب»  
 «خداوند نام و خداوند جای      خداوند روزی ده رهنمای» (همان: ۲۴)

۳ آشکار ساختن درست و کامل تشدیدها در خوانش.

۴ خواننده می‌تواند در حین خواندن متن‌های حماسی با استفاده از حرکات دست و بدن و حتی حالت‌های صورت، آن را ادا کند به گونه‌ای که مخاطب صحنه‌هایی را که می‌شنود، بتواند تجسم کند و با آن همسو شود؛ مانند کاری که شاهنامه‌خوانان (نقّالان) در گذشته در بسیاری از قهوه‌خانه‌ها هنگام نقل داستان‌های شاهنامه انجام می‌دادند.

۵ حماسه‌ها معمولاً داستان‌های بلندی هستند که به فراخور پیشرفت رویدادها، بر شمار شخصیت‌ها نیز افزوده می‌شود؛ لحن و آهنگ خوانش متن لازم است با تغییر شخصیت‌ها، هماهنگ شود. به همین سبب، این گونه متن‌های بلند، تنوع لحنی هم دارند و انواع لحن را در خود جای می‌دهند؛ تعلیمی، غنایی، ستایشی، مدحی، وصفی، گفت و گویی و ...، خواننده باید با توجه به همه شرایط موجود در متن، به کار خود پردازد و به این آهنگ‌های فرعی در فضای حماسه، توجه داشته باشد.

**لحن داستانی — روایی:** داستان، قصه و حکایت، تعریف کردن و بازگویی صمیمانه روایتی، با آهنگی نرم و ملایم است؛ به گونه‌ای که شنونده یا از آن، پند بگیرد و یا تحت تأثیر قرار بگیرد. آغاز چنین لحنی از روزگاران گذشته در قصه خوانی‌ها معمولاً با عبارت «یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود» همراه بود؛ قصه‌ها، داستان‌ها و حکایت‌ها با مفاهیمی چون آموزه‌های زندگی، پندها و اندرزها همراه بوده‌اند. حکایت‌ها معمولاً با عباراتی نظیر «آورده‌اند که...»، «یکی را شنیدم...»، «روزی...»، «شنیدم...»، «نقل است که...» آغاز می‌شود؛ مانند:

■ «شنیدم که خروسی بود، جهان گردیده...» (وراوینی، ۴۴۵: ۱۳۸۰)

■ «یک روز به وقت نیم روزان شد پیش شبان، ز درد سوزان» (جامی، هفت اورنگ، لیلی و مجنون)

■ «شبی یاد دارم که چشمم نخفت شنیدم که پروانه با شمع گفت» (سعدی، ۱۸۶: ۱۳۷۶)

به طور کلی به هنگام خواندن متون روایی (قصه، داستان و حکایت) باید:

۱ موضوع و محتوا و فضای کلی متن را در نظر گرفت و لحن خاص را برگزید؛

۲ آن را شبیه تعریف کردن یک واقعه یا حادثه پندآموز یا طنز خواند؛

۳ سجع‌ها را رعایت کرد و تأکید کلمات را روی آنها گذاشت؛

- ۴ اشعار داخل حکایات را با لحنی مناسب آن خواند؛
- ۵ علائم نگارشی را دقیق، رعایت کرد تا تأثیر کلام بیشتر شود؛
- ۶ مانند فردی که از قضیه آگاه است، با آرامش و اطمینان آن را خواند؛
- ۷ با سکون‌ها و سکوت‌های به‌هنگام، بر تأثیر کلام افزود؛
- ۸ به گونه‌ای خواند که شنونده، مشتاق و منتظر شنیدن بقیه ماجرا باشد؛
- ۹ سرعت خواندن حکایات، کمتر از دیگر نوشته‌ها باشد؛
- ۱۰ خواننده با نگاه‌های مناسب در حین خواندن به فهم مخاطبان، یاری رساند؛
- ۱۱ در میان لحن روایی به تغییرهای مناسب آهنگ به تناسب شخصیت‌ها توجه کرد؛
- ۱۲ با رعایت دقیق فراز و فرودهای آوایی در لحن روایی، متناسب با جریان داستان، حالت کشش و انتظار را در شنونده برانگیزانیم و با ایجاد گسست‌های آوایی و وصل و درنگ‌های مناسب، او را به گوش دادن، ترغیب کنیم.

## لحن گفت و گو (مناظره / پرسش و پاسخ)

گفت‌وگوها انواع مختلفی دارند :

۱ — **مناظره** : گفت‌وگوی رویارو با هدف چیره شدن بر دیگری، با یکدیگر در بحث و گفت‌وگو یا پرسش و پاسخ سخن گفتن است. در این نوشته‌ها معمولاً لحن پرسش‌کننده، تند و محکم، به دور از خردگرایی و همراه با فخر فروشی است؛ در حالی که لحن پاسخ‌دهنده، همواره آرام و متین و توأم با خردورزی است؛ به بیان دیگر، پرسش‌گر که فکر می‌کند بر حق است، سؤالی را از طرف مقابل می‌پرسد، اما چنان پاسخی می‌شنود که دیگر حرفی برای گفتن نمی‌ماند. خواننده چنین متنی می‌تواند همانند یک بازیگر، نقش آفرینی کند؛ یعنی در عین حال، دو لحن را با دو چهره متفاوت بیان کند. گاه با این طرف و آن طرف رفتن، جایگاه و صدای خود را تغییر می‌دهد که مفهوم را بهتر بتواند بیان کند. بهترین مناظره‌های ادبیات فارسی عبارت‌اند از : «مست و محتسب» از پروین اعتصامی، «فرهاد و خسرو» از نظامی :

در خواندن چنین متن‌هایی باید به نکته‌های زیر توجه کرد :

- ۱ به کشش‌های آوایی و جملات پرسشی توجه شود؛
- ۲ به فروکاستن‌های لحن پاسخ‌گوینده توجه شود؛
- ۳ حس غرور و خودخواهی در جملات پرسش‌گر حفظ شود؛
- ۴ حس گفتن جملات عاقلانه و حکیمانه در جملات پاسخ‌گو، در نظر گرفته شود؛

۵ استفاده از دست و صورت و حرکات بدن در تفهیم موضوع، بسیار مفید و مناسب است.

نمونه :

«نخستین بار گفتش کز کجایی؟      بگفت از دار ملک آشنایی  
 بگفت آنجا به صنعت، در چه کوشند؟      بگفت انده خرنده و جان فروشند  
 بگفتا جان فروشی در ادب نیست      بگفت از عشقبازان، این عجب نیست  
 بگفت از دل شدی عاشق بدینسان؟      بگفت از دل تو می‌گویی، من از جان  
 بگفتا عشق شیرین، بر تو چون است؟      بگفت از جان شیرینم، فروزنت  
 بگفتا هر شبش بینی چو مهتاب؟      بگفت آری چو خواب آید، کجا خواب؟  
 بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟      بگفت آنکه که باشم، خفته در خاک ...»

(نظامی، ۲۴۴: ۱۳۸۲)

۲- رجزخوانی : که هر دو نفر به شرح دلآوری‌ها و نژاد و افتخارات خود با لحنی حماسی می‌پردازند؛ مانند : رستم و اسفندیار یا رستم و اشکبوس در شاهنامه فردوسی.

۳- عادی : گفت‌وگوهای عادی، می‌تواند به دسته‌های مختلفی تقسیم شود. این گفت‌وگوها با توجه به فضای داستان‌ها و عواطف موجود در آنها شکل و لحن خاص خود را می‌یابند؛ مانند : گفت‌وگوی رستم با سهراب پس از زخمی شدن.

در هنگام خواندن گفت‌وگوها باید :

- ۱- لحن دو طرف گفت‌وگو را با توجه به شخصیت آنها در نظر گرفت؛
- ۲- اگر گفت‌وگو، دارای راوی باشد، لحن راوی را نیز باید به دیگر لحن‌ها افزود؛
- ۳- رعایت عواطف و احساسات دو طرف مکالمه، کار را برای شنونده، جذاب می‌کند؛
- ۴- هم حس شدن و گرفتن حالت دو طرف به خود، باعث تمایز گفته‌ها می‌شود؛
- ۵- تغییر مناسب لحن گفتار به تناسب موقعیت شغلی و اجتماعی افراد و حالات آنها، مورد توجه باشد.

## لحن طنز

طنز از قدیم در نظم و نثر فارسی رایج بوده و بیشتر در قالب حکایت، خوندنمای کرده است. طنزها معمولاً در پایان به نتیجه می‌رسند و خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهند و می‌خندانند. برخی نیز از همان ابتدا کار خود

را شروع می‌کنند؛ مانند :

« - نه! - هان - این زمین رو چی یه؟ - روی شاخ گاو - گاو رو چی یه؟ - روی ماهی - ماهی رو چی یه؟  
- روی آب - آب رو چی یه؟  
- وای وای! الهی روده ات بیر، چقدر حرف می‌زنی! حوصله ام سر رفت ... » (دهخدا)  
در طنزها معمولاً جملات پایانی باید بیشترین تأثیر را بر روی خواننده بگذارند و خواننده از طریق آن بتواند لبخند را بر روی لبان مخاطب بنشاند.

### لحن میهنی / وطنیه

سروده وطنیه که به آن «ماد وطن یا میهنی» نیز می‌گویند، شعری است که در وصف میهن، سروده می‌شود و شاعر در آن می‌کوشد تا با تحریک احساسات ملی‌گرایانه و وطن‌دوستانه مخاطبان خود، آنان را به پاسداری و محافظت از کشور خود برانگیزاند. شاعر این‌گونه اشعار، با شور و حرارتی وصف‌شدنی، مردم را به دفاع از میهن خود فرا می‌خواند و در این کار، وطن را به مادر، مانند می‌کند؛ مادری که هرکس برای دفاع و حمایت از او باید به پا خیزد و از خود غیرت نشان دهد. یا به حال او می‌گیرد، یا درس وطن‌خواهی را تعلیم می‌دهد. مانند شعر زیر از «ایرج میرزا» :

«وطن ما به جای میهن ماست	میهن خوش را نگهبانیم
شکر داریم کز طفولیت	درس «حب الوطن» همی خوانیم
چون که حب الوطن ز ایمان است	ما یقیناً ز اهل ایمانیم
گر رسد دشمنی برای وطن	جان و دل، رایگان بیفشانیم

### لحن ستایشی

ستایش مخصوص خداوند است و شاعر یا نویسنده در آن خداوند را به خاطر آفرینش بی‌همتا، قدرت بی‌نظیر و الطاف فراوانش می‌ستاید. در این هنگام خواننده نیز باید خود را موجودی از آفریده‌های او بداند که تسلیم او و شاکر بخشش‌ها و آفرینش اوست، مانند مثال‌های زیر :

آفرین جان‌آفرین پاک را	آنکه جان بخشید و ایمان خاک را
آسمان چون خیمه‌ای بر پای کرد	بی‌ستون کرد و زمینش جای کرد

(عطار، ۱ : ۱۳۷۷)

## لحن مدحی

مدح، نوشته‌ای درباره انسان است که شاعر از طریق آن، با کوچک‌تر دانستن خود در مقابل ممدوح به بیان مطلبی می‌پردازد. مدح‌ها نیز به پیروی از ستایش‌ها شکل گرفته‌اند و در آنها همان حالات باید رعایت شود؛ اما با ستایش اختلاف دارد، زیرا در ستایش شاعر یا نویسنده آزادانه‌تر می‌تواند حرف خود را بزند اما در مدح‌ها، به ویژه مدح حاکمان، این کار امکان‌پذیر نیست. مدح را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) مدح بزرگان دینی و مذهبی چون پیامبر (ص) و امامان (ع) که در آن شاعر خود را از مریدان آنها می‌داند و زندگی‌اش را وابسته به وجود و اعتقاد به آنها می‌داند تا جایی که حاضر است جان فداشان کند. گفته‌های آنان را بسیار با اهمیت می‌داند، در این مورد شاعر ممدوح را فردی فرا انسانی می‌داند و چهره و قامتش را در دنیا زیباترین می‌پندارد، کارها و اعمالش را نیز کارهایی خارق‌العاده می‌شمارد و به بیان معجزات و کرامات او می‌پردازد:

محمد کافرینش هست خاکش	هزاران آفرین برجان پاکش
چراغ افروز چشم اهل بینش	طراز کارگاه آفرینش
سر و سرهنگ میدان بلا را	سپهسالار و سرخیل انبیا را
ریاحین بخش باد صبحگاهی	کلید مخزن گنج الهی

(نظامی، ۱۲۹: ۱۳۸۲)

علی آن شیر خدا، شاه عرب	الفتی داشته با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است	دل شب محرم سرالله است
فجر تا سینه آفاق شکافت	چشم بیدار علی خفته نیافت
ناشناسی که به تاریکی شب	می‌برد شام یتیمان عرب
عشق بازی که هم آغوش خطر	خفت در خوابگاه پیغمبر

شهریار

### لحن تعلیمی (اندرزی)

این لحن که به لحن اندرزی نیز موسوم است، تلاش می‌کند با گویشی آرام و آهسته، در دل شنونده نفوذ کند و نکات مهم خوب زیستن را به مخاطب خود القا کند. در ایران این گونه نوشته بیشتر برای پند و اندرز به کار می‌رود. نویسنده این گونه متون، خود را به جای انسانی آگاه می‌گذارد و از زبان او که بیشتر شبیه پدران یا معلمان دلسوز است، با مخاطب خود سخن می‌گوید، به همین دلیل لحن متن‌های تعلیمی، لحنی پدران‌ه است و خواننده نیز باید هنگام خواندن، خود را پدر یا معلمی فرض کند که می‌خواهد نکاتی را به فرزندان یا دانش‌آموزانش بگوید. در این گونه اشعار نیز ممکن است با لحن‌های گوناگون مواجه شویم. به این اشعار توجه کنید:

ز خاک آفریدت خداوند پاک      پس ای بنده! افتادگی کن چو خاک  
حریص و جهان سوز و سرکش مباش      ز خاک آفریدندت، آتش مباش

(سعدی، ۱۸۹: ۱۳۷۶)

این ابیات لحنی واعظانه و اندکی حالت تحکمی دارد؛ یعنی انسانی روحانی خطاب به دیگران آنها را با جملات امری به پرهیز از کارهای زشت (نهی از منکر) و انجام کارهای نیک (امر به معروف) سفارش می‌کند. در این گونه اشعار، لحن گوینده بسیار محکم و کوبنده است و خواننده چنان با شور و حرارت سخن می‌گوید که گویا از عاقبت انسان خطاکار کاملاً آگاه است و دلش به حال او می‌سوزد.

### لحن مناجات

مناجات به معنی راز و نیاز گفتن و نیایش با خداوند است. انسان در این زمان خود را بسیار کوچک فرض کرده، آنچه را که در حضور دیگران نمی‌تواند بیان کند، با آه و زاری یا شکر و سپاس بیان می‌کند. در این گونه اشعار، شاعر چیزهای معنوی از خدای خود طلب می‌کند و از او می‌خواهد که عاقبت به خیرش کند. لحن مناجات‌آکنده از عاطفه و احساس و بیانگر حالت فروتنی و خاکساری و تواضع بنده است.

خداوندگارا نظر کن به جود      که جرم آمد از بندگان در وجود  
گناه آید از بنده خاکسار      به امید عفو خداوندگار  
کریم! به رزق تو پرورده‌ایم      به انعام و لطف تو خو کرده‌ایم



گدا چون کرم بیند و لطف و ناز      نگردد ز دنبال بخشنده باز  
 چو ما را به دنیا تو کردی عزیز      به عقبی همین چشم داریم نیز  
 عزیزی و خواری تو بخشی و بس      عزیز تو خواری نبیند ز کس  
 خدایا به عزت که خواری مکن      به ذل گنه شرمسارم مکن

(بوستان سعدی، ۱۹: ۱۳۸۲)

هنگام خواندن نیایش‌ها و مناجات باید:

- ۱ حس و حال عمومی حاکم بر فضای نیایش، حفظ شود.
- ۲ حالت خشوع و خضوع در آهنگ کلام رعایت گردد.
- ۳ لحن ملایم و متین که بیانگر ادب در پیشگاه خدای رحمان است، حفظ گردد.
- ۴ به کشش‌ها، زیر و بمی حروف و صداها برای تأثیرگذاری بیشتر توجه گردد.

### لحن توصیفی

توصیف یعنی وصف کردن و بیان جزئیات و ویژگی‌ها یا آوردن صفات و قیدهای حالت پیاپی برای چیزهایی که قرار است برای شنونده، بازگو کنیم. این صفت‌ها می‌توانند یا به ظاهر افراد و اشیا بپردازند یا به حالات مختلف رفتاری یا حرکات او مانند:

دیدمش خرم و خندان، قدح باده به دست      و اندر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد

(حافظ، ۱۹۳: ۱۳۸۲)

در توصیف، نویسنده چیزی را که می‌بیند، با شور و حال فراوان و با استفاده از آرایه‌هایی چون تشبیه و تشخیص به زبان می‌آورد. در تشبیه، نویسنده با تخیل خود می‌کوشد میان چند چیز شباهتی ایجاد کند و با این کار شنونده را به شگفتی وا دارد؛ مثلاً در بیت‌های زیر منوچهری دامغانی با تشبیه کردن قطره باران به اشک عروس و تشبیه برگ گل به صورت او، هنر خود را به نمایش گذاشته است:

آن قطره باران که برفتد به گل سرخ      چون اشک عروسی است برفتاده به رخسار

روش دیگر شاعران و نویسندگان در توصیف کردن، استفاده از جان بخشیدن به اشیا (تشخیص) است.

در این هنگام نویسنده همه چیز را زنده و مانند انسان می‌بیند و کارها، گفته‌ها و حرکات با اعضای انسانی به آنها می‌بخشد.

شعر زیر از ملک الشعرای بهار سرشار از جان بخشی به کوه دماوند است :

ای دیو سپید پای در بند      ای گنبد گیتی ای دماوند  
از سیم به سریکی کله خود      ز آهن به میان یکی کمر بند  
تا چشم بشر نبیندت روی      بنهفته به ابر چهر دل بند  
چون گشت زمین ز جور گردون      سرد و سیه و خموش و آوند  
نی، نی، تو نه مشّت روزگاری      ای کوه نیام ز گفته خرسند  
تو قلب فسرده زمینی      از درد ورم نموده یک چند

توصیف معمولاً برای انسان‌ها، اشیاء، طبیعت و عناصر آن چون درخت و سبزه و گل، دریا و کوه و جنگل است :

در خواندن چنین متن‌هایی باید به نکات زیر توجه داشت :

۱- لحن توصیف می‌تواند در کنار دیگر لحن‌ها کامل شود؛ یعنی توصیف چیزی مثبت یا با شکوه با توصیف زشتی‌ها و پلیدی‌ها متفاوت است.

۲- در لحن توصیفی آهنگ کلام، معمولاً نرم است و آرامش خاصی دارد.

۳- هنگام خواندن، دقت نظر و عنصر تخیل، نقشی مهم دارند.

۴- این لحن از نظر فضای کلی آهنگ سخن، به لحن روایی نزدیک است. (مبانی خواندن در زبان فارسی،

۱۳۹۱)

### گونه‌های خواندن

۱- روش بلندخوانی : بلندخوانی در شروع خواندن روشی مؤثر است؛ زیرا در آن از دو فرایند ادراکی یعنی تمیز شنیداری و تمیز بصری استفاده می‌شود. اما در دوره متوسطه با توجه به آموزش‌های دوره ابتدایی و ویژگی‌های شناختی دانش‌آموزان بهتر است از شیوه‌های مختلف صامت‌خوانی استفاده شود. این روش برای تندخوانی و مطالعه صحیح مفید است.

۲- روش صامت‌خوانی : روش‌هایی که در زیر می‌آید بیشتر مبتنی بر صامت‌خوانی اند :

۱-۲- دقیق‌خوانی : در این نوع خواندن، دانش‌آموز به درک کامل متن خواندنی و نگهداری آن به طور

منظم در حافظه می‌رسد. او به افکار اصلی نویسنده پی می‌برد. به ارتباط بین مطالب می‌پردازد، خلاصه متن را بیان می‌کند و از آن نتیجه‌گیری می‌کند. معلم برای سنجش این نوع خواندن صامت می‌تواند سؤالاتی از متن بپرسد که مفاهیم متن را مورد سنجش قرار دهد.

**۲-۲- خواندن تجسمی:** هدف این نوع خواندن درک عمیق‌تر، تحریک حس کنجکاوی و مشارکت فعالانه در مطالعه است. برای رسیدن به اهداف مذکور لازم است قبل از مطالعه سؤالاتی از بین متن انتخاب شود تا از طریق ذهن دانش‌آموز به هنگام مطالعه به سمت یافتن پاسخ‌ها هدایت شود.

**۲-۳- خواندن/تقدایی:** در این روش دانش‌آموزان متن درس را مطالعه کرده، سپس درباره ویژگی‌های متن و نوع نوشته و سبک نویسنده یا شاعر و قالب درس بحث و گفت‌وگو می‌کنند و در پایان، نظر نهایی خود را نسبت به متن خوانده شده ارائه می‌دهند.

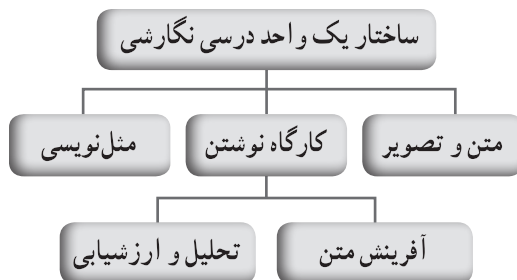
در این روش، دانش‌آموز به تجزیه و تحلیل مطالب، ارزش‌گذاری و قضاوت مطالب و برقراری ارتباط بین جوانب مختلف مطالب می‌پردازد.

**۲-۴- خواندن/التذایی:** خواندن برای درک زیبایی‌ها، روش مؤثری برای پرورش حس زیبایی‌شناسی و تقویت ذوق ادبی است. بهتر است دانش‌آموز بیشتر به دنبال یافتن زیبایی‌های موجود در نثر و شعر باشد؛ مانند: یافتن آرایه‌های ادبی مثل تشبیه، ضرب‌المثل، وزن و قافیه، موسیقی موجود در شعر و ... .

با توجه به اینکه یکی از اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی تلطیف عواطف و التذاذ ادبی است، در متون هنری و ادبی مانند اشعار برتر و متن‌های تأثیرگذار داستانی و ادبی به این نوع خواندن تأکید می‌شود. معلم می‌تواند به تناسب سرفصل‌ها و عناوین دروس قطعات زیبایی به نظم و نثر را انتخاب کرده و در کلاس با لحن و آهنگی مناسب بخواند. در این نوع خواندن، باید متونی ارائه شود که التذاذ و پرورش ذوق ادبی عملی شود.

### ب) بررسی ساختار بخش نگارش

درس‌های مربوط به این حوزه شامل: متن درس، تصویر، کارگاه نوشتن و مثل‌نویسی هستند.



## معرفی عناصر درس

### ۱- متن درس

اولین بخش هر درس محتوای آموزشی آن است که به صورت نظام مند دانش آموزان را با ساختار و اجزای نوشته آشنا می کند و چگونه نوشتن را با روش های مختلف آموزش می دهد. توضیح بیشتر درباره اهداف و محتوای متن درس در بخش دوم کتاب در بررسی درس ها ارائه می شود.

### ۲- کارگاه نوشتن

فعالیت های کارگاه نوشتن با نظامی علمی و منطقی آموزشی به دنبال هم آمده اند. در این بخش سه فعالیت طراحی شده است. شماره یک با هدف تقویت توانایی تشخیص، شماره دو با هدف پرورش توانایی نوشتن و تولید دانش آموزان و شماره سه با هدف تقویت توانایی بررسی متن، تحلیل و نقدنویسی، طراحی شده است.

**فعالیت اول :** فعالیت نگارشی اول در حوزه آفرینش قرار می گیرد و هدف از این بخش، پرورش توانایی نوشتن و تولید دانش آموزان است و این فعالیت واگراست. البته، سنجه، معیار و موضوع نوشتن در هر درس بر بنیاد آموزه های همان درس استوار است.

**فعالیت دوم :** فعالیت دوم در قلمرو دآوری، نقد و تحلیل قرار می گیرد. در این تمرین دانش آموزان از هم می آموزند، به هم می آموزانند و به دلیل داشتن زبان مشترک و احساسات نزدیک بهتر می توانند مفاهیم را به یکدیگر تفهیم و منتقل سازند. مبنای بررسی و نقد نوشته ها همان سنجه هایی است که در تمرین هر درس، ذکر شده است. در این فعالیت، دانش آموزان، نخست یاد می گیرند که با دقت به خوانش نوشته های هم کلاسی خود گوش بدهند (تربیت سواد شنیداری و افزایش درک شنیداری)، سپس بر بنیاد حافظه کوتاه مدت خود و البته یادداشت برداری، نقد و نظر خود را مکتوب کنند.

اهداف کارگاه نوشتن عبارت است از :

تقویت توانایی بازشناسی (تشخیص) متون.

پرورش توانایی آفرینش نوشتاری، نوشتن و تولید.

افزایش توانایی بررسی متن، تحلیل و نقدنویسی.

تقویت توانایی اظهار نظر درباره افکار و اندیشه های بیان شده در نوشته دیگران.

کسب مهارت در کاربرد صحیح قواعد دستوری برای درست سخن گفتن و درست نوشتن به زبان فارسی

معیار.

پرورش توانایی نقد و تحلیل و کاربرست هر یک از آموزه های درس در نوشته دیگران.

کسب مهارت در کاربرد صحیح کلمات در مناسبات اجتماعی و مکاتبات.  
 تقویت مهارت در کاربرد صحیح کلمات، ترکیبات، اصطلاحات هر پایه.  
 کسب مهارت و توانایی استفاده از زبان معیار.  
 کسب مهارت در بیان افکار و اندیشه‌ها به صورت نقد و ارزیابی آثار.  
 توانایی فرضیه‌سازی، استدلال و نتیجه‌گیری دربارهٔ محتوا و پیام متن.  
**فعالیت سوم: مثل نویسی:** در مثل نویسی، بازآفرینی و گسترش دادن و افزودن پر شاخ و برگ اصل نوشته، مورد تأکید است و هدف از این بخش بهره‌گیری از تخیل، فضا سازی و تولید مضمونی نو بر پایهٔ ضرب‌المثل‌ها است.

ضرب‌المثل‌ها در افزایش توان سخنوری و قدرت نویسندگی، کارمایه و نیروی شگرفی دارند. اگر در ساخت برونی و ظاهر، کوه نوشته و عبارتی بیش نیستند اما سرشار از معنا هستند و جهانی در پس خود دارند. به دلیل همین دو ویژگی، بهره‌گیری از ضرب‌المثل‌ها را شگردی بسیار کارا و اثربخش در پویاسازی ذهن و زبان می‌دانیم.

ریشه تاریخی و داستانی برخی از ضرب‌المثل‌ها در دسترس است اما هدف از این بخش، پژوهش دربارهٔ ریشه تاریخی ضرب‌المثل‌ها نیست بلکه هدف این است که هر دانش‌آموز از دریچهٔ چشم خود به موضوع نگاه کند و به بازآفرینی مثل و بازسازی واقعه و فضا و رویداد آن بپردازد.

اهداف مثل نویسی عبارت است از:

- گسترش نوشته از راه بازآفرینی.
- آشنایی با نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌ها و آموزه‌های حکمی آنها.
- بهره‌گیری از ظرفیت معنایی و تصویری مثل‌ها برای بهتر نوشتن.
- کسب مهارت در برقراری ارتباط صحیح بین متون ادبی و موضوعات اجتماعی و سبک زندگی.
- کسب مهارت در نوشتن از طریق به کارگیری قدرت بازآفرینی مثل‌ها.
- تقویت ذهنی و زبانی از طریق مثل‌ها.

نماینه مثل نویسی (باز آفرینی مثل)

درس دوم	برو کار می‌کن مگو چیست کار
درس چهارم	از کوزه همان برون تراود که در اوست
درس ششم	کوه به کوه نمی‌رسد آدم به آدم می‌رسد

درس هشتم	بار کج به منزل نمی‌رسد
درس دهم	سحرخیز باش تا کامروا باشی
درس دوازدهم	چاه کن همیشه ته چاه است
درس چهاردهم	آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است
درس شانزدهم	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی

## روش‌های یاددهی – یادگیری

### الف) بخش فارسی

این برنامه برای آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی، تفکر، گسترش گنجینه لغات، شناخت بهتر اطراف و ایجاد ذوق ادبی در دانش‌آموزان روش‌های زیر را مؤثر می‌داند. لازم به توضیح است که روش‌های زیر جنبه توصیه‌ای و پیشنهادی دارد و مدارس و معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی می‌توانند از دیگر روش‌ها و فعالیت‌های متناسب با برنامه نیز استفاده کنند :

۱- روش پرسش و پاسخ : همان‌طور که از نام این روش برمی‌آید، در این روش معلم پرسش‌های مناسبی را تهیه و تدارک می‌بیند و آنها را به گونه‌ای در کلاس به کار می‌گیرد که دانش‌آموزان به سمت اهداف برنامه و درس، هدایت شوند. در این روش، معلم می‌تواند پرسش‌هایی فی‌البداهه نیز برای تکمیل یادگیری طرح کند. نکته مهم این است که مدیریت و هدایت دانش‌آموزان و تنظیم زمان برای پاسخ به پرسش باید مورد توجه باشد. این روش مهارت‌های گوش دادن، گفتن، نقد و تحلیل و حافظه شنیداری و قدرت بیان را تقویت می‌کند چنانچه از نتایج بحث‌ها هم گزارشی تهیه شود، به تقویت چهار مهارت زبانی خواهد انجامید.

۲- روش بحث گروهی : در صورتی که پرسش و پاسخ از حالت دو طرفه بین معلم و دانش‌آموز یا دانش‌آموز و دانش‌آموز درآید و معلم موضوع مشخصی را در کلاس طرح کند تا دانش‌آموزان درباره آن با هم مشورت و اندیشه کنند؛ روش بحث گروهی به کار گرفته خواهد شد. این روش از جمله روش‌های فعال و مشارکتی در امر آموزش به شمار می‌رود.

بنابراین، دانش‌آموزان در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند و با هدایت معلم به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. اهمیت این روش با توجه به ماهیت زبان و ادبیات فارسی زمانی روشن می‌شود که نمایندگان هر گروه نظر خود را بیان کنند و ضمن گوش دادن به اظهارات دیگر گروه‌ها، به نقد و تحلیل نیز تسلط یابند.

گروه‌بندی مناسب، کنترل زمان، هدایت و رهبری گروه‌ها، طرح موضوعات مناسب و ... از جمله شرایط اساسی برای به کارگیری این روش است.

۳- ایفای نقش، قصه‌گویی و نمایش خلاق: در دورهٔ اول متوسطه به ویژه در کتاب فارسی به خوبی می‌توان از نمایش و قصه‌گویی، مناسب با سن نوجوانی استفاده کرد. برخی از دروس به گونه‌ای سازماندهی شده‌اند که با هدایت معلم می‌توان مفاهیم مورد نظر را به صورت عینی و محسوس به نمایش گذاشت. این روش‌ها چنانچه با بحث و تبادل نظر و ارزشیابی در کلاس توأم شود، می‌تواند عالی‌ترین اهداف آموزش زبان و ادب فارسی را محقق کند. بخشی از این اهداف عبارت‌اند از: ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم‌بخشی به افکار و گفتار، پرورش قوهٔ تفکر، استنتاج، رشد و شکوفایی خلاقیت و استعدادهای زبانی و ادبی.

۴- روش گردش علمی و مشاهده: در این روش معلم برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با آثار تاریخی و ادبی و زبانی آنها را به بیرون از کلاس می‌برد تا از نزدیک به مشاهده بپردازند. دانش‌آموزان با توضیح و توصیف دیده‌ها و شنیده‌های خود به صورت گفتاری و نوشتاری به پرورش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی خود نایل می‌شوند. می‌توان از آنها خواست تا گزارش تهیه کنند، یادداشت‌برداری نمایند، اطلاعات به‌دست‌آمده را طبقه‌بندی کنند و زیبایی‌های مشاهده شده را وصف نمایند و یا آنها را به تصویر بکشند تا بدین ترتیب به پاره‌ای از مهارت‌های نگارشی تسلط پیدا کنند.

۵- روش تفکر استقرایی: از آنجا که تفکر پیوندی ناگسستنی با هر یک از مهارت‌های زبانی و ادبی دارد و در روش استقرایی هم تفکر در روندی متوالی، از آسان به پیچیده، سازماندهی می‌شود، لذا استفاده از این روش می‌تواند فواید یادگیری مؤثری را تا حصول نتیجه در دانش‌آموز ایجاد کند. در جریان تفکر، دانش‌آموزان اطلاعاتی را جمع‌آوری و طبقه‌بندی می‌کنند و به تفسیر و کشف ارتباط بین یافته‌های خود می‌پردازند. از این روش می‌توان در آموزش نکات املائی، انشایی و دستور زبان استفاده کرد.

۶- روش بدیعه‌پردازی: با توجه به اینکه زبان و ادبیات فارسی ماهیتاً با خلق و آفرینش و تولید اندیشه‌های بدیع ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ دارد، از این روش می‌توان برای آموزش انشا و نگارش خلاق استفاده کرد. بر اساس این روش دانش‌آموزان با صحبت کردن و بحث دربارهٔ موضوع انشا، قیاس کردن، بیان احساسات خود و ... به تفکر خلاق و پرورش عواطف دست می‌یابند.

۷- **روش حل مسئله** : در این روش، مسئله‌ای مطرح می‌شود که می‌تواند از گرفتاری قهرمان قصه آغاز شود. دانش‌آموزان به توصیف و تبیین مسئله پرداخته، راه حل یا راه حل‌هایی برای آن پیدا می‌کنند. پس از بحث و گفت‌وگو، معلم نظر خود را دربارهٔ حل مشکل قهرمان داستان ارائه می‌دهد. دانش‌آموزان به بررسی علت وقوع حوادث در قصه‌ها می‌پردازند، ارتباط علت و معلولی وقایع را کشف می‌کنند. ایده‌ها و نظرهای مختلف را به یکدیگر مربوط و با هم مقایسه می‌کنند و نتایج داستان‌ها را پیشگویی می‌کنند. مطالب ذکر شده می‌تواند در دو گونهٔ بیانی، یعنی گفتاری و نوشتاری، مطرح شود. در دورهٔ اول متوسطه می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا دربارهٔ شنیده‌ها یا خوانده‌های خود به قضاوت و داوری بپردازند.

۸- **روش واحد کار (پروژه)** : از این روش می‌توان برای آموزش انشا و فعالیت‌های خارج از کلاس استفاده کرد؛ بدین ترتیب که شاگردان بر اساس موضوعات تعیین شده، به صورت گروهی یا فردی به دنبال جمع‌آوری اطلاعات در خارج از کلاس می‌روند، گزارشی تهیه کرده، سپس این گزارش را در کلاس ارائه می‌کنند. موضوعاتی از قبیل سرگذشت شاعران، نویسندگان، شخصیت‌های علمی، اجتماعی و مذهبی، می‌تواند برای استفاده از این روش مورد نظر باشد. این روش برای تقویت حس پژوهش و تقویت مهارت‌های جست‌وجوگری مؤثر است.

۹- **روش کارایی گروه** : دانش‌آموزان را به گروه‌هایی تقسیم می‌کنند و هر یک از اعضای گروه تکلیف مشخص شده را به طور انفرادی می‌خواند، بعد به سؤال‌های آزمون که در اختیار او قرار می‌دهند، پاسخ می‌دهد و سپس در گروه نیز دربارهٔ پاسخ‌های خود گفت‌وگو کرده، دلایل انتخاب یا رد آن را ارزیابی می‌کنند. در مرحلهٔ بعد، کلید سؤال‌ها در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد و اعضای گروه درک عمیقی از بهترین پاسخ به دست می‌آورند، سپس اعضای گروه پاسخ‌های فردی و گروهی را نمره‌گذاری کرده، نمرهٔ مؤثر بودن یادگیری را محاسبه می‌کنند. از این روش در کلاس‌های فارسی و در تدریس حوزه‌های مختلف از قبیل متن درس‌ها، انجام تمرین‌ها، املا و انشا، دستور و آرایه‌ها می‌توان بهره گرفت.

۱۰- **روش تدریس اعضای گروه** : این طرح، این امکان را می‌دهد که مقدار زیادی از موضوع درس طی یک دورهٔ زمانی کوتاه با مطالعهٔ گروه، تحت پوشش قرار گیرد. در انتخاب متن مورد تدریس باید در نظر داشت که متن به بخش‌های مستقل از یکدیگر قابل تقسیم باشد. بخش‌ها نیز از نظر حجم و دشواری باید تقریباً برابر باشند.

دانش‌آموز یک بخش از موضوع تعیین شده را مطالعه می‌کند و سپس با هم‌تاهای خود که مسئول بخش



مشترکی اند دور هم جمع می‌شوند و برای رفع اشکال‌های خود تبادل نظر می‌کنند. سپس به گروه خود برمی‌گردند و به ترتیب از اول بخش تا آخر بخش به نوبت تدریس می‌کنند.

طرح تدریس اعضای گروه بر دو اصل استوار است. اول آنکه هر یک از شرکت‌کنندگان قسمت متفاوتی از موضوع درسی را که قرار است همه یاد بگیرند، می‌خواند و دوم اینکه هر فراگیرنده می‌تواند به اعضای تیمش درس بدهد؛ بنابراین، هر عضو هم به عنوان معلم و هم شاگرد عمل می‌کند.

زمانی که فراگیرندگان می‌فهمند کارایی گروه مستلزم آن است که هر فرد یک بخش از موضوع را فراگیرد و سپس آن را به دیگران درس دهد، برانگیخته می‌شوند تا با مطالعه بخش تعیین شده و آمادگی کامل برای جلسه کار تیمی به تیم خود کمک کنند. همچنین به آن عضو از تیم که درس می‌دهد کمک می‌کنند تا حد امکان موفق باشد. با این روش، گروه می‌تواند یادگیری‌اش را به حداکثر برساند.

طرح تدریس اعضای گروه این امکان را می‌دهد که مقدار زیادی از موضوع درسی طی یک دوره کوتاه زمانی با مطالعه تیم تحت پوشش قرار گیرد. تقسیم موضوع، به خصوص زمانی مناسب است که هدف آموزشی، مطالعه اجمالی نه عمیق یک قلمرو وسیع باشد.

در انتخاب متن مورد استفاده باید به چند نکته توجه کرد؛ از جمله :

■ متن باید قابل تقسیم به تعداد بخش‌های هماهنگ با تعداد فراگیرندگان در هر تیم (معمولاً سه تا پنج نفر) باشد.

■ این بخش‌ها تقریباً باید از نظر طول برابر و از نظر دشواری قابل مقایسه باشند.

■ هر یک از بخش‌ها مستقل از بخش‌های دیگر و قابل فهم باشد. این مورد مهم است؛ چون هر فراگیرنده فقط یک قسمت را مطالعه می‌کند و باید بتواند آن بخش را مستقل از اطلاعات موجود در بخش‌های دیگر درک کند.

■ البته در هر تکلیفی، مطلب باید به اندازه کافی مشکل باشد تا فراگیرندگان را به چالش بطلبد ولی نه آنقدر مشکل که آنان را مغلوب کند.

## اجرای طرح :

■ یک بخش از موضوع برای آمادگی هر فراگیرنده تعیین می‌شود. در این مرحله هر فراگیرنده فقط بخش تعیین شده خویش را دریافت می‌کند. باید اطمینان یافت که فراگیرندگان حقیقتاً مطلب را از یکدیگر یاد بگیرند و نه از مطالعه تمام بخش‌ها (میزان یادگیری دانش‌آموزان توسط آزمونی که تمام بخش‌ها را در بر می‌گیرد، سنجیده می‌شود).

■ فراگیرنده قبل از تدریس با همتهای خود که مسئول بخش مشترکی اند دور هم جمع می‌شوند و برای

رفع اشکالات خود و بهبود روش ارائه، تبادل نظر می کنند (فراگیرندگان می توانند از ابتدا در جمع همتاهای خود بنشینند و رفع اشکال کنند، آنگاه به تیم خود برگردند).

۲ وقتی گروه گردهم می آید، یک فراگیرنده کار را با تدریس بخش مربوط به خود شروع می کند. این عضو تیم مجاز است از هر نوع یادداشت یا کمکی که مجاز شناخته شده است، استفاده کند ولی مستقیماً به متن اصلی رجوع نمی کند. دیگر فراگیرندگان می توانند سؤال بپرسند، مخالفت کنند، یادداشت بردارند یا استنطاق نمایند. هر عضو به نوبت یک بخش جدید را ارائه می دهد.

۳ در این مرحله، در مورد کل موضوع آزمونی گرفته می شود. این آزمون از قبل آماده شده است و می تواند هر نوع آزمونی باشد. این آزمون حاوی تعدادی سؤال از هر قسمت و چند سؤال درک مطلب عمومی مربوط به کل موضوع است.

۵ کلیه سؤال ها در اختیار فراگیرندگان قرار می گیرد و آنان به آزمونشان نمره می دهند و نمرات فردی و معدل نمرات فردی را محاسبه می کنند.

فراگیرندگان با استفاده از نمرات فردی می توانند میزان فهم خود را از موضوع ارزیابی کنند. همچنین نمرات فردی نشانه ای از پیشرفت فرد و یادگیری است. فراگیرندگان باید به نمره خود از آن قسمتی که تدریس را به عهده داشته اند، توجه کنند. هرچه اختلاف بین نمرات فردی و معدل گروه کمتر باشد، مهارت های تدریسی و یادگیری تولید شده از عمل متقابل تیم بیشتر است.

۶ ارزیابی کارایی تدریس فراگیرندگان با توجه به جدول رسم شده انجام می شود.

۷ از فراگیرندگان برای جمع بندی مطالب و اطمینان از یادگیری و ارزشیابی نهایی سؤال می شود.

هر عضو تیم را از غیر مؤثر (۱) تا مؤثر (۵) در هر مورد نمره بدهید.

نام نفر اول	نام نفر دوم	نام نفر سوم	نام نفر چهارم	نام نفر پنجم	نام نفر ششم	موارد
						آیا به واقعیت ها و اطلاعاتی که ارائه می داد، اطمینان داشت؟ آیا نکات مهم را در مقایسه با جنبه های کم اهمیت تر اطلاعات جدا می کرد و مورد تأکید قرار می داد؟ آیا نکات طبق یک روال منطقی و منظم ارائه شد؟ آیا هنگامی که مورد سؤال قرار می گرفت، اعتماد به نفس داشت؟ آیا برای روشن کردن مفاهیم و کسب اطمینان از دقت و فهم سؤال می کرد؟

**۱۱- روش قضاوت عملکرد:** در این طرح، کسب درک روشنی از معیارها، آنان را قادر می‌سازد تا کیفیت کار خویش را مورد قضاوت قرار دهند. در این صورت می‌توانند تا حدودی از ارزیابی کارشان توسط دیگران بی‌نیاز شوند. سپس هر شخص کار خویش را ارائه می‌دهد. اعضای گروه، کار هر فرد را با دیگری و با معیارهایی که فراگرفته‌اند، مقایسه می‌کنند. هر فرد، انتقادهایی را که به کارش شده است، دریافت می‌کند؛ مثلاً معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا ویژگی‌های یک شعر خوب را بیان کرده و جمع‌بندی کنند. پس از بیان نظرهای مختلف توسط گروه‌ها، معلم معیارهای علمی را ارائه می‌دهد و بدین ترتیب آنها عملکرد خود را مورد تجدید نظر و ارزیابی قرار می‌دهند.

**۱۲- روش روشن‌سازی طرز تلقی:** اولین مرحله در روشن‌سازی طرز تلقی، به فراگیرندگان کمک می‌کند تا آنان با پاسخ دادن به یک سؤال یا تکمیل یک جمله، طرز تلقی خود را ارزیابی کنند، سپس فراگیرندگان دور هم جمع می‌شوند تا این طرز تلقی را مورد بررسی قرار دهند و به کمک شرایط شناخته شده و اطلاعاتی که در اختیار دارند، روی بهترین طرز تلقی به توافق برسند؛ سپس هر فرد پاسخ خود را ارائه می‌دهد تا مورد ارزیابی قرار گیرد. طرز تلقی افراد پس از بحث نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که آیا تغییری رخ داده است یا خیر؟ بنابراین، این روش فراگیرندگان را قادر می‌سازد که کشف کنند: آیا طرز تلقی‌شان بر یک پایه محکم از حقایق، اطلاعات و منطق، استوار است؟

### ب) بخش نگارش

یکی از نکات مهم در این برنامه روش تدریس معلم است. اهمیت این مطلب در این است که زمینه نوشتن، تفکر است و روش‌های تدریس فعال و اکتشافی مانند دریافت مفهوم، حل مسئله، تفکر استقرایی و ... می‌تواند دانش‌آموزان را به چالش ذهنی بکشد و آنها را به تفکر وادارد. روش تدریس پیشنهادی دروس در فصل دوم کتاب برای هر درس ارائه شده است؛ در اینجا نیز به معرفی چند روش تدریس می‌پردازیم. دبیران محترم می‌توانند متناسب با موضوع درس، فضای کلاس و دانش‌آموزان خود از این روش‌ها استفاده کنند. توجه داشته باشید که روش‌ها انعطاف کافی در کاربرد دارند و شما می‌توانید مراحل آن را با توجه به موضوع تدریس متناسب‌سازی کنید.

### روش بارش فکری:

بارش فکری (brainstorming) را ظاهراً نخستین بار، شخصی به نام «الکس اس اسبورن» در سال ۱۹۳۸

به کار گرفت که به اسامی مختلف مانند بارش افکار، طوفان فکری، طوفان ذهنی نیز خوانده می‌شود و یکی از معروف‌ترین روش‌های ایجاد خلاقیت است. بارش فکری یک روش گروهی است و شرکت‌کنندگان در مورد یک مسئله یا مشکل به صورت گردشی تراوش‌های فی‌البداهه اندیشگانی خود را بیان می‌کنند. یک نفر، مدیریت و هدایت بحث را بر عهده می‌گیرد و یک نفر هم زایش‌های ذهنی ارائه شده را روی تخته یادداشت می‌کند. این روش دو مرحله دارد :

**۱- زایش و بارش فکر :** هدف از این مرحله تولید افکار و اندیشه فراوان است که از سوی شرکت‌کنندگان ارائه می‌شود. در مرحله تولید فکر، هنجارهایی وجود دارد که همه شرکت‌کنندگان باید رعایت کنند :

- پرهیز از داوری، هیچ فکر و نظری نباید مورد قضاوت، ارزیابی و انتقاد قرار گیرد.
  - نوآوری بودن فکر، هرچه افکار تازه‌تر و دور از ذهن، بکر و جسورانه باشند، ارزش بیشتری دارند.
  - باروری ذهن، هرچه میزان افکار و طرح‌نظرات نو بیشتر باشد، بهتر است.
  - ایجاد فرصت، تازمانی که افراد گروه دیدگاه‌های تازه‌ای ارائه می‌دهند، جلسه بارش افکار امتداد می‌یابد.
- ۲- سنجش اندیشه‌ها :** در این مرحله، افکار مطرح شده؛ مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، در صورت لزوم، حذف و کاهش یا ترکیب می‌شوند و یا فکرهای جدید و کامل‌تری را به وجود می‌آورند. در نهایت نیز ایده‌های برتر انتخاب و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

**شیوه اجرا :** معلم، موضوع نوشتن را تعیین می‌کند، از دانش‌آموزان می‌خواهد تا هرکلمه‌ای که با توجه به موضوع انشا به ذهن آنها می‌رسد، یادداشت کنند، سپس با هر واژه، جمله‌ای بسازند. از کلمات تکراری و ساخت جمله‌های شبیه به هم، باید پرهیز شود. در پایان، جمله‌های ساخته شده را با رعایت نظم منطقی و انسجام معنایی در پی هم بچینند و متن نوشته را کامل کنند.

### روش حل مسئله

یکی دیگر از روش‌های مناسب آموزش نگارش و انشا «روش حل مسئله» است. در این روش، مسئله‌ای مطرح می‌شود که مثلاً می‌تواند از گرفتاری قهرمان قصه آغاز شود. دانش‌آموزان به توصیف و تبیین مسئله پرداخته، راه حل یا راه‌حلهایی برای آن پیدا می‌کنند. پس از بحث و گفت‌وگو، معلم نظر خود را درباره حل مشکل قهرمان داستان ارائه می‌دهد. دانش‌آموزان به بررسی علت و وقوع حوادث در قصه‌ها می‌پردازند، ارتباط علت و معلولی وقایع را کشف می‌کنند. ایده‌ها و نظرهای مختلف را به یکدیگر مربوط و با هم مقایسه می‌کنند و نتایج داستان‌ها را پیشگویی می‌کنند. مطالب ذکر شده می‌تواند در دو گونه بیانی، یعنی گفتاری و نوشتاری، مطرح شود. در این دوره می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا درباره شنیده‌ها یا خوانده‌های خود به قضاوت و داوری بپردازند.

■ مراحل روش حل مسئله مبتنی بر الگوی «جان دیویی» :

۱ مشخص کردن موضوع یا مسئله

۲ جمع‌آوری اطلاعات برای ساخت فرضیه

۳ فرضیه‌سازی

۴ آزمایش فرضیه‌ها

۵ نتیجه‌گیری، تعمیم و کاربرد.

■ مراحل روش حل مسئله، مبتنی بر الگوی «جورج پولیا» :

الف) درک و فهم موضوع یا مسئله

ب) نقشه‌کشی یا طراحی برای حل مسئله

پ) اجرای نقشه و راهبردهای انتخاب شده

ت) بازنگری و بررسی

مدرسه، مطابق با الگوی حل مسئله، دانش‌آموزان را در موقعیتی قرار می‌دهد که بتوانند گمانه‌ها و پندارهای خود را از راه جست‌وجو، کاوش و به کمک شواهد موجود و گردآوری شده، بیازمایند و شخصاً از آنها نتیجه‌گیری کنند و ضمن رسیدن به هدف موردنظر، از روش‌های دانش‌اندوزی و جمع‌آوری اطلاعات نیز آگاه شوند. در روش حل مسئله شاگرد محور فعالیت است و اطلاعات علمی مستقیماً به او انتقال داده نمی‌شود. معلم با طرح موضوع و مسئله، شاگرد را به فعالیت وادار می‌دارد و برای حل مسئله او را راهنمایی می‌کند، روابط میان گروهی بین شاگردان وجود دارد و انتقال دو سویه (بین معلم و شاگرد) است و شرایط و منابع آموزشی منحصر به کلاس و کتاب درسی نیست. الگوی حل مسئله به زمان، مکان، امکانات و معلمان با تجربه، نیازمند است.

مراحل اجرا در الگوی حل مسئله

کلاس به گروه‌های ۵ یا ۶ نفره تقسیم می‌شود :

۱ یک موضوع نوشتاری طرح می‌شود.

۲ دانش‌آموز با کمک و هدایت معلم، اطلاعات مورد نیاز را از طریق گفت‌وگو، مطالعه، مشاهده و راه‌های

دیگر گردآوری می‌کند.

۳ شاگردان راه‌حل‌های احتمالی را حدس می‌زنند و فرضیه‌سازی می‌کنند. در این مرحله شاگردان ناگزیر

هستند به تفکر و هم‌اندیشی بپردازند.

۴ شاگردان باید اطلاعات و شواهد موجود را بررسی و تحلیل کنند و عواملی را که به پذیرش یا رد گمان‌ها منجر می‌شوند، مشخص کنند.

۵ نتیجه‌گیری، اساس این الگوست و شاگرد باید پیش‌بینی کند که نتایج به دست آمده، تا چه اندازه به موارد جدید قابل تعمیم است و این که او دانش به دست آمده را در حل مسائل به کار گیرد. در این الگو، همه شاگردان با همدیگر و نیز با معلم در ارتباط اند و نقش معلم، نقش مشاوره و راهنمایی است.

### روش روشن‌سازی طرز تلقی (برخورد و زایش اندیشه‌ها) :

شیوه برخورد افراد عمیقاً روی مؤثر بودن و رضایت شخصی‌شان اثر دارد. از این رو، طرز برخورد‌ها جنبه مهمی از یادگیری احساس اجتماعی هستند. بسیاری از افراد شیوه برخورد را یک مسئله شخصی می‌پندارند ولی چنانچه افراد بتوانند آزادانه طرز برخورد‌هایشان را مورد بررسی قرار دهند، بینشی کسب می‌کنند که می‌توانند رفتار خویش را به سامان آورند و دریابند که شیوه برخورد‌هایشان ممکن است کیفیت عملشان را محدود سازد.

### مراحل روش طرز تلقی :

**مرحله اول — خود سنجی :** در این مرحله، فراگیران تلاش می‌کنند به پرسش‌های کتبی معلم به تنهایی و به طور خلاصه پاسخ دهند و توان فکری و نوشتن خود را در رویارویی و برخورد با موضوع و مسئله، بسنجند.

**مرحله دوم — ارزشیابی و رتبه‌بندی فردی :** معلم همان سؤالات مرحله اول را به صورت پرسش‌نامه چند گزینه‌ای (۴-۵-۶-... گزینه‌ای) به فراگیران می‌دهد. هر فراگیر به صورت فردی گزینه‌ها را براساس مناسب‌ترین نظراتش رتبه‌بندی می‌کند. مناسب‌ترین نظر، در پرسش‌نامه ۵ گزینه‌ای رتبه ۵ و همین طور رتبه‌های دیگر ۱، ۲، ۳، ۴ تعیین می‌شود.

**مرحله سوم — بررسی گروهی و یافتن مناسب‌ترین دیدگاه :** افراد هر گروه به گروه خود باز می‌گردند، پس از نقد و بررسی، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب می‌کنند، ممکن است در بین گروه، اختلاف دیدگاه برای یافتن مناسب‌ترین پاسخ وجود داشته باشد که کاملاً طبیعی است و موضوع مهم در چنین حالت، نوع مدیریت معلم یا رهبر گروه و تدبیر مناسب برای یافتن بهترین نظر است. البته هدف اصلی همین است که این اختلاف دیدگاه‌ها و ناسازی نظرها به صورت آموزشی و علمی بررسی و حل شود و دانش‌آموزان هم چگونگی برخورد با نظرات مخالفان را در جمع خود تجربه کنند و تحمل شنیدن سخن دیگران را در خود بیورانند و این تمرینی برای بهتر و با آرامش زیستن است.

**مرحله چهارم — طراحی کارنما برای گزارش فرایند:** معلم، در حالی که دانش‌آموزان مرحله سوم را اجرا می‌کنند، کارنما یا جدول گزارش را طراحی می‌کند. این کارنما می‌تواند روی تخته یا برگه‌ای طراحی شود و در حقیقت شیوه‌نامه عملکرد گروه باشد.

**مرحله پنجم — تدوین نقد و گزارش:** در این مرحله، معلم با کمک گروه‌ها مناسب‌ترین پاسخ هر گزینه را بر پایه اکثریت آراء و بیان دلیل از طرف گروه‌ها و افراد، برمی‌گزیند و حتی معلم می‌تواند یک ستون آخر جدول را به بیان دیدگاه خود اختصاص دهد.

مهم‌ترین بخش این روش، تهیه سؤالاتی چند گزینه‌ای است که قابلیت درجه‌بندی دارند و دانش‌آموزان می‌توانند آنها را درجه‌بندی کنند، بهتر است سؤالات واگرا باشند تا دانش‌آموزان درجه‌بندی‌های متفاوتی را انجام دهند. دانش‌آموزان در مرحله نقد و بررسی از نظر خود دفاع می‌کنند و برای پندار و فرضیه خود، دلیل می‌آورند؛ هدف این روش هم آن است که دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌هایی چون: فرضیه‌سازی — خودارزشیابی — صحبت کردن — گوش دادن — دلیل آوردن — احترام به گروه — آزادی بیان و رأی‌گیری، در مرحله آخر — نقد کردن نظر دیگران و توانایی شنیدن دیدگاه ناساز و تحمل نظر دیگران را بیاموزند.

■ **روش بحث گروهی:** در صورتی که پرسش و پاسخ از حالت دو طرفه بین معلم و دانش‌آموز یا دانش‌آموز و دانش‌آموز درآید و معلم موضوع مشخصی را در کلاس طرح کند تا دانش‌آموزان درباره آن با هم مشورت و اندیشه کنند؛ روش بحث گروهی به کار گرفته خواهد شد. این روش از جمله روش‌های فعال و مشارکتی در امر آموزش به شمار می‌رود بنابراین، دانش‌آموزان در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند و با هدایت معلم به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند.

اهمیت این روش با توجه به ماهیت زبان و ادبیات فارسی زمانی روشن می‌شود که نمایندگان هر گروه نظر خود را بیان کنند و ضمن گوش دادن به اظهارات دیگر گروه‌ها، به نقد و تحلیل نیز تسلط یابند. گروه‌بندی مناسب، کنترل زمان، هدایت و رهبری گروه‌ها، طرح موضوعات مناسب و ... از جمله شرایط اساسی برای به کارگیری این روش است.

**توجه:** از این روش در پاسخ به فعالیت‌ها هم می‌توان بهره گرفت اما به این نکته باید توجه داشتیم که در این درس، مرحله اندیشیدن و تفکر درباره موضوع به صورت همفکری، مشورت، رایزنی و هم‌اندیشی است ولی هنگامی که عمل نوشتن قرار است آغاز شود، کار گروهی تبدیل به کار فردی می‌شود و از اینجا به بعد هر کس مسئول سامان دادن ذهن و نوشته خود است و همین بخش است که مبنای ارزشیابی خواهد بود.

روش قصه‌نویسی و نمایش خلاق: در این دوره تحصیلی به ویژه در کتاب فارسی و آموزش مهارت‌های نوشتاری به خوبی می‌توان از نمایش و قصه‌نویسی، مناسب با سن نوجوانی استفاده کرد. برخی از دروس به گونه‌ای سازماندهی شده‌اند که با هدایت معلم می‌توان مفاهیم مورد نظر را به صورت عینی و محسوس به نمایش گذاشت.

این روش‌ها چنانچه با بحث و تبادل نظر و ارزشیابی در کلاس توأم شود، می‌تواند عالی‌ترین اهداف آموزش این درس‌ها را محقق کند. بخشی از این اهداف عبارت‌اند از: ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم‌بخشی به افکار و گفتار، پرورش قوه تفکر، استنتاج، رشد و شکوفایی خلاقیت و استعدادهای زبانی و ادبی. برای اجرای عملی و کاربردی این روش بهتر است یک متن داستانی را براساس عناصر زیر کالبدشکافی کنیم. به کارگیری این روش در نوشتن و یا اجرای نمایش و پذیرفتن نقش‌ها هم شیوه بررسی ساختار و محتوا را آموزش می‌دهد و هم دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که خودشان هم در تولید چنین متن‌هایی این عناصر و چارچوب را رعایت کنند:

#### ■ شخصیت یا شخصیت‌ها

##### ■ زاویه دید

##### ■ زمان داستان

##### ■ مکان داستان

##### ■ رویدادهای مهم

##### ■ درونمایه و محتوای اثر

##### ■ روش مشاهده و گردش علمی

در این روش معلم برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با آثار تاریخی و ادبی و زبانی آنها را به بیرون از کلاس می‌برد تا از نزدیک به مشاهده پردازند. دانش‌آموزان با توضیح و توصیف دیده‌ها و شنیده‌های خود به صورت گفتاری و نوشتاری به پرورش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی خود نایل می‌شوند. می‌توان از آنها خواست تا گزارش تهیه کنند، یادداشت‌برداری نمایند، اطلاعات به دست آمده را طبقه‌بندی کنند و زیبایی‌های مشاهده‌شده را وصف نمایند و یا آنها را به تصویر بکشند تا بدین ترتیب به پاره‌ای از مهارت‌های نگارشی تسلط پیدا کنند. این روش برای تمرین خوب دیدن و تربیت سواد دیداری و تقویت توانایی تبدیل دیده‌ها به نوشته، بسیار مناسب است.



## روش‌ها و شگردهای مناسب برای عناصر سازه‌ای یک واحد درسی



## ارزشیابی

### الف) فارسی

ارزشیابی یکی از عناصر بسیار مهم برنامه درسی است که تنها به پرسش‌های کلاسی یا آزمون‌های پایانی محدود نمی‌شود. وقتی که محصول برنامه درسی به شکل بسته آموزشی در اختیار مخاطبان و مجریان قرار گرفت، انتظار می‌رود معلمان به منظور اطمینان از میزان تحقق اهداف برنامه، از آزمون‌ها و شیوه‌های متنوع، برای ارزشیابی استفاده کنند. پیشنهاد می‌شود در انتخاب شیوه‌های ارزشیابی اصول زیر رعایت شود:

۱ شیوه ارزشیابی باید با اهداف آموزشی و سایر عناصر برنامه، متناسب باشد و معلوم کند که هر کدام از شیوه‌ها و مهارت‌ها چه دانش، مهارت و نگرشی را می‌سنجد.

۲ شیوه ارزشیابی باید با رویکرد برنامه تناسب داشته باشد، مثلاً در برنامه‌ای که فعالیت محور و مهارتی است، شیوه‌های ارزشیابی در عین توجه به فرایند آموزش، نتیجه و میزان کسب مهارت آموزشی را نیز مورد توجه و سنجش قرار می‌دهد.

۳ شیوه انتخاب شده، نسبت به سایر شیوه‌ها، کارایی بیشتری داشته باشد.

۴ به تناسب ماهیت اهداف و سایر عناصر برنامه از شیوه‌های متنوع، استفاده شود.

برای ارزشیابی از میزان تحقق اهداف برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه، جهت‌گیری‌های متنوعی قابل طرح است. در این برنامه با توجه به اصول و مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی و نیز اهمیت برخی روش‌های ارزشیابی در این درس به اصول زیر تکیه و تأکید می‌شود:

۱ ارزشیابی از مهارت‌های خوانداری زبان

۲ ارزشیابی تلفیقی از مهارت‌های نوشتاری زبان

۳ ارزشیابی از فرایند آموزش و فعالیت‌های دانش‌آموزان

۴ ارزشیابی مستمر (تکوینی) در کنار ارزشیابی پایانی

با توجه به ماهیت برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی و نیز نوع ارزشیابی حاکم بر آموزش، برای ارزشیابی این درس، روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱ آزمون کتبی

۲ آزمون شفاهی

۳ مشاهده رفتار.

برای استفاده درست از روش‌های فوق و رعایت رویکردهای ارزشیابی در این برنامه، از ابزارهای زیر می‌توان بهره گرفت:

۱. آزمون کتبی شامل سؤالات تکمیل کردنی، پاسخ کوتاه، انشایی و ... از ریز مهارت‌های نوشتاری.
۲. آزمون شفاهی شامل پرسش‌های شفاهی از مهارت‌های گوش دادن، سخن گفتن، خواندن، درک متن و ریز مهارت‌های خوانداری (لحن، تکیه و ...).
۳. چک لیست، ابزار اندازه‌گیری عملکرد دانش آموز در مهارت‌های ارتباطی، توانایی‌های ذهنی، شرکت در فعالیت‌های گروهی و مهارت‌های شفاهی زبان.

### گونه‌های ارزشیابی

اگر یادگیری را تغییر در رفتار دانش آموز بر اثر تجربه‌های آموزشی بدانیم، ارزشیابی عبارت است از اندازه‌گیری میزان تغییرات ایجاد شده بر اساس هدف‌های تعیین شده در فعالیت‌های آموزشی و تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج آن. ارزشیابی همواره در جهت پیشرفت تحصیلی و ناظر بر هدف‌های آموزش است و در واقع بدون توجه به هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده، ارزشیابی تحصیلی معنا نخواهد داشت. در همین راستا ترس و اضطراب از ارزشیابی در نزد دانش آموزان بیشتر ناشی از عملکرد نادرست معلمان و روش‌های نادرست ارزشیابی است. هدف‌های ارزشیابی را می‌توان در مقوله‌های زیر به طور کلی مورد بررسی قرار داد:

۱. ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای شناخت توانایی و زمینه‌های علمی دانش آموزان و تصمیم‌گیری برای انجام دادن فعالیت‌های آموزشی است.
۲. برای شناساندن هدف‌های آموزشی در فرایند تدریس است.
۳. برای بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی است.
۴. برای شناخت نارسایی‌های آموزشی دانش آموزان و تلاش برای ترمیم و بهبود آنهاست.
۵. برای ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزش در دانش آموزان است، نه صرفاً برای تهدید و تعیین افراد قوی و ضعیف.

اگر ارزشیابی به نحو مطلوب انجام گیرد، مستقیماً در بهبود کیفیت یادگیری دانش آموزان تأثیر خواهد گذاشت؛ زیرا آنها را از میزان تلاش برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی آگاه خواهد ساخت. همچنین ارزشیابی تدریجی و دائمی باعث مرور مطالب از قبل یادگرفته شده می‌گردد.

## انواع ارزشیابی :

۱- ارزشیابی تشخیصی : این نوع ارزشیابی به منظور تعیین معلومات و رفتار ورودی و کشف دلایل اصلی مشکلات در یادگیری است.

۲- ارزشیابی تکوینی : ارزشیابی تکوینی به منظور اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مراحل مختلف تدریس است که دو مقوله گام به گام پیش رفتن در یادگیری و اصلاح روش تدریس را در بر می‌گیرد.

۳- ارزشیابی پایانی (ارزشیابی تراکمی) : این ارزشیابی به منظور تعیین میزان آموخته‌های شاگردان در طول یک دوره آموزشی و قضاوت درباره اثربخشی کار معلم و برنامه درسی انجام می‌گیرد.

انواع ارزشیابی بر حسب نحوه اجرا :

۱ ارزشیابی انفرادی که شامل ارزشیابی شفاهی یا عملی است.

۲ ارزشیابی گروهی شرایط یکسانی را برای همه شاگردان فراهم می‌آورد و معمولاً به صورت امتحان کتبی است.

## انواع ارزشیابی بر حسب تفسیر نتایج :

۱ ارزشیابی معیاری که بر اساس معیار و ملاک مطلق از قبل تعیین شده تهیه می‌شود.

۲ ارزشیابی هنجاری که بر مبنای معیار و ملاک نسبی فراهم می‌شود و در آن ارزشیابی دانش‌آموزان از نمره زیاد به کم ردیف می‌شوند.

روش‌های مختلف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی : در فرایند ارزشیابی معلم نباید از به کارگیری تنها یک روش خاص استفاده کند؛ زیرا بسیاری از جنبه‌های رفتاری مختلف دانش‌آموزان را نمی‌توان به مرحله آزمون‌های ساده تنزل داد و باید آنها را در موقعیت واقعی سنجید. با توجه به تغییراتی که در حیطه مختلف یادگیری به وجود می‌آید، حداقل چهار روش ارزشیابی به شرح زیر وجود دارد :

۱- ارزشیابی از طریق مشاهده : هنگامی که از طریق مداخله حواس به خصوص دیدن، به داوری درباره رفتار یا عمل معینی از فرد می‌پردازیم، از روش مشاهده استفاده کرده‌ایم. این شیوه از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از :

■ مشاهده از لحاظ تعمق و دقت

■ مشاهده از لحاظ خارجی یا داخلی بودن

خارجی : مشاهده رفتار فرد در حین انجام عمل و ثبت خصایص وی.

**داخلی:** بیان خصوصیات رفتاری توسط خود فرد.

#### ■ مشاهده از لحاظ موقعیت

**طبیعی:** بدون آگاهی، رفتار و کار دانش‌آموز را زیر نظر بگیریم.

**تصنّعی:** پس از فراهم کردن شرایطی خاص، رفتار دانش‌آموز را مورد بررسی قرار دهیم.

#### ■ مشاهده مستقیم یا غیرمستقیم

در مشاهده مستقیم امکان بروز رفتار تصنّعی در دانش‌آموز زیاد است ولی در مشاهده غیرمستقیم،

مشاهده‌کننده پنهان است و رفتار طبیعی‌تری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### مزایا و محدودیت‌های روش مشاهده

**الف) مزایا:** تفاوت‌های فردی در زمان غیرمحدود مورد بررسی قرار می‌گیرد که می‌تواند نشان دهنده

فعالیت‌های طبیعی دانش‌آموزان باشد.

■ برای همه گروه‌های آموزشی (سنین و مراحل مختلف تحصیل) قابل اجراست.

**ب) محدودیت‌ها:** ■ انجام این روش مستلزم دقت، هوشیاری و صرف وقت زیاد است.

■ امکان ایجاد موقعیت مناسب برای همه شاگردان فراهم نیست. تفاوت تفسیر رفتار در همگان وجود دارد.

## ۲- ارزشیابی از طریق انجام کار

اگر تغییرات ایجاد شده در دانش‌آموز در حیطه عمل باشد، لزوماً باید از این شیوه استفاده شود و تفاوت آن

با شیوه مشاهده در این است که دانش‌آموز می‌داند که مورد آزمایش است و شرایط برای همه یکسان است.

امتحان آزمایشگاه، کارگاه و ورزش از این طریق انجام می‌گیرد.

ارزشیابی از طریق آزمون شفاهی، شیوه مناسبی برای سنجش معلومات، قدرت بیان، نظم فکری، استدلال،

تمرکز افکار و شناخت حالات درونی از جهت ترس و اضطراب است.

#### مزایا و محدودیت‌های این شیوه

**الف) مزایا:** ■ این گونه ارزشیابی می‌تواند بازخوردی فوری داشته و مهارت‌های دانش‌آموزان را در

رویارویی با واقعیت‌ها به دقت بسنجد.

■ این گونه ارزشیابی قدرت بیان و استدلال دانش‌آموزان و اظهار نظر آنها را در حضور جمع تقویت می‌کند.

■ در این ارزشیابی برای دانش‌آموزان دوران آمادگی و کلاس اول که قدرت نوشتاری کمی دارند مناسب

است.

**ب) محدودیت‌ها:** ■ این شیوه مستلزم صرف وقت زیاد و در نتیجه، خسته کننده است و به تدریج از دقت

آزمایش کننده کاسته می‌شود.

- دانش‌آموزان ممکن است به علت نقص بیان از گفتن پاسخ خودداری کنند.
- عوامل محیطی بر دانش‌آموز تأثیر فراوانی می‌گذارد به نحوی که ممکن است وی به جای پاسخ صحیح، کلمات مبهمی به کار ببرد.
- عینیت و اعتبار ارزشیابی شفاهی نسبت به آزمون کتبی کمتر است.

### ۳- ارزشیابی از طریق آزمون کتبی

این آزمون‌ها بر دو نوع است :

- الف) آزمون‌های استاندارد شده (ب) آزمون‌هایی که معلم طرح کرده است.
- آزمون‌های استاندارد شده توسط مؤسسات آزمون‌سازی به منظور ارزشیابی دوره‌های تحصیلی گروه‌های بزرگ دانش‌آموزان طراحی می‌شود که همراه با راهنمای دقیق در اختیار معلم قرار می‌گیرد و دارای پایایی و اعتبار است.
- آزمون‌هایی که معلم طرح می‌کند غالباً برای تعیین میزان موفقیت دانش‌آموزان در رسیدن به هدف‌های آموزشی طرح‌ریزی می‌شود.

### تفاوت بین آزمون‌های استاندارد شده و آزمون‌های معلم

- ۱ آزمون‌های استاندارد در مقایسه با آزمون‌های معلم به زمان و تخصص بیشتری نیاز دارد.
- ۲ نتایج آزمون‌های استاندارد مشخص، قطعی و قابل بررسی است.
- ۳ آزمون‌های استاندارد برای استفاده در مناطق مختلف و مقایسه شاگردان مدارس مناطق مختلف با یکدیگر تهیه می‌شود.
- انواع آزمون‌های معلم : معمولاً به دو صورت عینی و انشایی است. آزمون‌های عینی جواب معینی از پیش تعیین شده دارد که انواع آن عبارت‌اند از :

- ۱ پرسش‌های چندگزینه‌ای
- ۲ پرسش‌های صحیح و غلط
- ۳ پرسش‌های جورکردنی
- ۴ پرسش‌های کامل کردنی
- ۵ پرسش‌های کوتاه پاسخ

آزمون تشریحی که بیشتر معلمان به علت سهولت تهیه از آنها استفاده می‌کنند، برای ارزشیابی سطوح بالای شناختی از جمله تجزیه و تحلیل، ترکیب و قضاوت بسیار اهمیت دارد ولی محدودیت‌هایی نیز از قبیل دخالت

نظر تصحیح کننده، وقت گیر بودن تصحیح و عدم امکان سنجش سرعت انتقال و آمادگی ذهنی دانش آموزان دارد. (شعبانی، ۱۳۸۲)

ب) نگارش: ارزشیابی این برنامه از حساسیت خاصی برخوردار است و دلیل آن رویکرد برنامه است. از آنجایی که رویکرد این برنامه مهارت آموزی است، میزان کسب مهارت نوشتن مورد توجه و سنجش قرار می گیرد؛ بنابراین در این سنجش به هیچ وجه از پرسش های دانشی استفاده نمی شود.

برای ارزشیابی مستمر مهارت نوشتن، پیشنهاد می شود دبیران محترم برای هر دانش آموز پوشه کار درست کنند و میزان مهارت نوشتن او را با خودش ارزیابی کنند. به بیان دیگر اولین نمونه نوشته دانش آموز داخل پوشه قرار گیرد، پس از دو ماه نمونه دیگر و به همین ترتیب ادامه می یابد. به این ترتیب فرایند مهارت آموزی هر دانش آموز رصد می شود و میزان پیشرفت او مورد توجه قرار می گیرد.

در آزمون های کلاسی و پایانی با الگوبرداری از سه فعالیت کارگاه نوشتن می توانید سؤال طرح کنید. به بیان دیگر آزمون شامل سه نوع سؤال تشخیصی، تولیدی و تحلیلی باشد.

**سؤال تشخیصی:** به عنوان نمونه می توانید سه متن کوتاه به دانش آموز بدهید و بپرسید اولاً فضای غالب متن ها عینی است یا ذهنی، ثانیاً کدام متن با روش جانشین سازی تولید شده است.

**سؤال تولیدی:** در این بخش موضوعی در اختیار دانش آموز قرار می گیرد و از او می خواهید مثلاً با روش مقایسه برای آن متن بنویسد.

بخش دیگر سؤال های تولیدی از حکایت نگاری، مثل نویسی و شعرگردانی خواهد بود. در این بخش می توان یکی از موارد (مثلاً حکایت نگاری) را انتخاب کرده و طراحی سؤال مانند الگوی کتاب نگارش انجام شود.

**سؤال تحلیلی:** نوشته ای به دانش آموزان داده می شود تا با توجه به معیارهایی که در سؤال مشخص شده است، متن را تحلیل کنند. برای نمونه معیارها می توانند به شکل زیر باشند:

■ رعایت اصول بندنویسی

■ پرهیز از نگارش جمله های طولانی

■ استفاده از واژه های مناسب فضای متن

ذکر دو نکته بسیار اهمیت دارد:

۱ ارزشیابی آزمون ها دقیقاً با سنجش های جدول ارزشیابی انجام می شود.

۲ متن ها و موضوعاتی که در آزمون طرح می شود، عیناً از متن ها و موضوعات کتاب نباشد؛ فراموش نکنیم که، «مهارت» را می سنجیم نه «دانش» را.

## شیوه‌نامه ارزشیابی فارسی و نگارش

ارزشیابی، فرایندی است که از ساختار محتوا، چگونگی آموزش و یادگیری، تأثیر می‌پذیرد. شیوه‌نامه ارزشیابی آزمون کتبی فارسی و نگارش تازه تألیف، دقیقاً بر همین، بنیاد استوار است. محتوای این کتاب در دو بخش سازماندهی شده است.

الف) فارسی : ۱۰ نمره شامل هشت درس (۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۵)

موضوع‌ها	شمارک
۱- معنی	۲
۲- املا	۱
۳- دستور	۲
۴- آرایه‌های ادبی	۲
۵- حفظ شعر	۱
۶- درک مطلب	۲
جمع نمره	۱۰

تذکر : ویژگی‌های معنایی و دستوری واژگان، باید در «جمله» پرسیده شود.

■ در املائی واژگان، «تشدید» ارزش املائی ندارد.

■ گسسته یا پیوسته‌نویسی واژه‌هایی که ساخت ترکیبی دارند (مانند کتاب‌خانه یا کتابخانه)، یکسان است و ارزش املائی ندارد.

■ در حفظ شعر (اشعار بخش فارسی)، از آوردن جای خالی باید پرهیز کرد؛ سروده کامل یا بخشی از آن خواسته شود.

■ در آزمون‌ها و پرسش‌های فرایندی که در جریان یادگیری کلاسی به صورت شفاهی برگزار می‌شود، به موضوع‌های خوانشی یا پاره مهارت‌های خوانداری (مانند لحن، تکیه، مکث و درنگ، فراز و فرودهای آوایی و ...) و فن بیان باید توجه شود.

۱۰ نمره نهایی : میانگین ارزشیابی فرایندی (مستمر) به اضافه ارزشیابی پایانی ( $20 \div 2 = 10$ ).



(ب) نگارش: ۱۰ نمره شامل هشت درس (۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴ و ۱۶)

سنجه‌های ارزشیابی	
۱	۱- خوش آغازی (جذابیت و گیرایی، نشان دادن نمایی کلی از محتوای نوشته)
۲	* شیوه بیان نوشته (بیان ساده و صمیمی - بیان احساس متناسب با موضوع)
۱	۲- پرورش موضوع * سیر منطقی نوشته (پرداختن به جنبه‌های مختلف موضوع - انسجام نوشته)
۱	* فکر و نگاه نو (نگاهی متفاوت به موضوع)
۱	۳- خوش فرجامی (جمع‌بندی مطالب - تأثیرگذاری و تفکر برانگیز بودن)
۲	۴- مثل نویسی
۱	۵- املائی واژگان (نداشتن غلط املائی در نگارش)
۱	۶- نقد و تحلیل متن بر اساس سنجه‌های دروس



بخش دوم

بررسی درس‌ها

## مقدمه

پس از آشنایی با ارکان برنامه در فصل اول، در بخش دوم به بررسی درس به درس می‌پردازیم که بی‌تردید برای کلاس درس بسیار کاربردی است. برای تدریس هر درس سه جلسه آموزشی در نظر گرفته شده است که جدول زیر بودجه‌بندی یک درس را نشان می‌دهد.

عناصری که در بررسی درس‌ها ارائه شده‌اند عبارت‌اند از :

سخنان پیشانی فصل

نمایه درس

اهداف

روش‌های تدریس

جستاری در متن

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

آگاهی‌های فرامتنی

مثل‌نویسی

## «به نام خداوند جان و خرد» ستایش و تحمیدیه

## هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با تحمیدیه (ستایش) و مفاهیم مرتبط با آن (علم)
- ۲ آشنایی دقیق‌تر با صفات پروردگار (علم)
- ۳ تقویت توانایی برقراری ارتباط صمیمانه و عاطفی با پروردگار (عمل)
- ۴ شناخت عمیق‌تر خداوند از طریق توجه، دقت و خردورزی در صفات خداوند (تفکر)
- ۵ تقویت علاقه و باور نسبت به بندگی خداوند و حمد و ستایش الهی (ایمان)
- ۶ تقویت و پرورش خوب دیدن و تدبیر کردن (اخلاق)

## روش تدریس پیشنهادی

تحمیدیه را به روش کارایی گروه، پیش سازمان دهنده، بارش فکری و ... می‌توان تدریس کرد.  
مراحل اجرایی روش کار گروهی عبارت‌اند از :

- ۱ دانش‌آموزان کلاس به گروه‌های دو، سه یا چهار نفره تقسیم می‌شوند.
  - ۲ اعضای هر گروه، درس را صامت خوانی می‌کنند.
  - ۳ اعضای گروه به بررسی دقیق متن می‌پردازند، پرسش‌هایی طرح می‌کنند و سپس پاسخ خود را در کلاس بیان می‌کنند.
  - ۴ پرسش‌ها مجدداً از سوی دیگر گروه‌ها مطرح می‌شود و دانش‌آموزان در گروه درباره آن بحث می‌کنند و به مشورت با هم می‌پردازند و پاسخ می‌دهند.
  - ۵ درس با بهره‌گیری از دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلم، جمع‌بندی می‌شود.
- ارزشیابی درس را نیز به صورت شفاهی می‌توان انجام داد. تحمیدیه به صورت همخوانی، جمع‌خوانی و تواشیح قابلیت اجرایی دارد.
- رسانه‌های آموزشی :** کتاب درسی، پرده نگار و .... متن درس را با استفاده از وسایل کمک آموزشی مثل نوار کاست یا لوح فشرده (CD)، به صورت صوتی و تصویری می‌توان آموزش داد.

## جستاری در متن

این درس نوعی تحمیدیه یا حمد و ستایش خدا را به جا آوردن است. در سنت‌های دینی، حمد و ستایش الهی در آغاز هر کار، ضروری است؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «كُلُّ امرٍ ذی بَالٍ لَمْ یُبْدَءْ بِسَمِ اللّٰهِ فَهُوَ اَبْتَرُ» هر کاری که با نام خداوند شروع نشود، ناتمام است از این رو، آغاز این کتاب نیز با ذکر نام و یاد خداوند آراسته شده است.

در سنت ادبی و فرهنگی ما معمولاً هر کتابی و نوشته‌ای با تحمیدیه و ستایش پروردگار آغاز می‌شود و با نیایش به فرجام می‌رسد. در این سروده با نگاه عمیق و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، دینی و نظامی به برخی صفات خداوند اشاره می‌کند و از خداوند کمک می‌خواهد تا او را راهنمایی و هدایت کند.

## آگاهی‌های فرا متنی

شاعر نامدار ایرانی معروف به نظامی در قرن ششم در شهر گنجه، به دنیا آمد. در جوانی به تحصیل علوم اسلامی و فرهنگ و ادب، قصص و تاریخ همت گماشت. او داستان سربازی را در شعر به اوج خود رسانده است. پنج مثنوی دارد که به «پنج گنج» یا «خمسۀ نظامی» معروف است که عبارت‌اند از: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر و اسکندرنامه.



آرامگاه نظامی گنجوی

جمال‌الدین ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید، متخلص به نظامی و ملقب به حکیم نظامی (زادهٔ ۵۳۵ هـ. ق در گنجه، درگذشتهٔ ۶۱۲-۶۰۷ هـ. ق) شاعر و داستان‌سرای ایرانی و پارسی‌گوی حوزهٔ تمدن ایرانی در قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی)، که به‌عنوان پیشوای داستان‌سرایی در ادب فارسی شناخته شده‌است. آرامگاه نظامی گنجوی در شهر گنجه در جمهوری آذربایجان فعلی قرار دارد.

نظامی در زمرهٔ گویندگان توانای شعر فارسی است، که نه تنها دارای روش و سبکی جداگانه است، بلکه تأثیر شیوهٔ او بر شعر فارسی نیز در شاعران پس از او کاملاً مشهود است. نظامی از دانش‌های رایج روزگار خویش (علوم ادبی، نجوم، علوم اسلامی و زبان عرب) آگاهی وسیع داشته و این خصوصیت از شعر او به روشنی دانسته می‌شود.

نخستین کسی که سعی وافری بر ارائهٔ مجموعه‌ای منسجم و مصحح از آثار نظامی به کار برد وحید دستگردی بود که حاصل کارش بین ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ خورشیدی منتشر شد. پس از وی چاپ‌های دیگری نیز انتشار یافت که از جملهٔ آنها مجموعهٔ شش جلدی با تصحیح و توضیح دکتر بهروز ثروتیان است که از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ توسط انتشارات توس به چاپ رسیده است، و دوباره در سال ۱۳۸۶ با تصحیح و شرح مجدد توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده‌است. این اثر در فهرست میراث مستند برنامه حافظه جهانی یونسکو از سوی ایران ثبت گردیده است.

خمسۀ نظامی به همت رستم علی‌اف به زبان روسی ترجمه و منتشر شده است.

## درس یکم از آموختن ننگ مدار

محتوا : آموزه های اخلاقی و تربیتی (دوری از ریا، دادگری، امید، احترام به دیگران، علم آموزی) در قالب نثر تاریخی

### هدف های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با آموزه های اخلاقی در آثار کهن ادب فارسی (علم)
- ۲ درک و خوانش نثر تاریخی قابوس نامه با لحن مناسب (عمل)
- ۳ تقویت هنجارهای اخلاقی مناسب با توجه به متن درس (باور)
- ۴ ارج نهادن به الگوهای اخلاق دینی، ملی و اجتماعی (اخلاق)
- ۵ توانایی درک بخش های زبانی و ادبی متن درس (تفکر)
- ۶ کاربرست آموزه های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۷ توانایی درک پیام های آموزشی و اخلاقی متن درس (تفکر)

### روش های تدریس پیشنهادی

- بحث گروهی
- روشن سازی طرز تلقی
- کارایی گروه و ...

### رسانه های آموزشی

کتاب درسی، عکس، فیلم های کوتاه مرتبط با محتوا و پیام درس، پایگاه های اطلاع رسانی مناسب و ...

## جستاری در متن

متن «از آموختن ننگ مدار» برگرفته از کتاب «قابوس نامه» است که نوع نثر آن مرسل، ساده و تاریخی است. واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌هایی که به هنگام تدریس ممکن است نیاز به شرح و توضیح داشته باشند، عبارت‌اند از :

- نمای، نمودی، نموده از مصدر نمودن و نمایاندن به معنی نشان دادن، ارائه دادن و واضح ساختن است. نمایاندن، متعدی فعل نمودن است.
- گندم نمای جو فروش : مثلی است درباره افراد متقلب که جنس مرغوبی را نشان داده اما هنگام تحویل نامرغوب آن را به خریدار می دهند؛ گندم نمایی : ریا و دورویی.
- داد از تن خویشتن دادن : محاسبه نفس کردن (حاسبوا نفسک قبل ان تحاسبوا)، حق خود را بگیرد و تکلیف خویش را به جای آورد، به انصاف و عدالت رفتار کند.
- تیمار داشتن : مراقبت کردن و محافظت نمودن
- نومیدی را در امید بسته دان و امید را در نومیدی : نومیدی وابسته امید است و امید به ناامیدی (وابسته است).

## درنگی در کارگاه درس پژوهی

- ۱ غم و شادی، نیک و بد، حق و باطل، هنر و عیب، ایمن و نا ایمن، شادان و اندوهگین، نومیدی و امید.
- ۲ حرمت : احترام، حریم، حرم، محرم، حرام.  
// مقدار : مُقدَّر، قدر، تقدیر، قادر.  
// مستغنی : غنی، غنا، استغنا، اغنیا.
- ۳ واژه از دید ساختار برون و ظاهری در زبان فارسی، در نگاه نخست، به دو رده بخش می شود :
- الف) اسم ساده : مردم، زبان، داور، غم و نیک
- ب) اسم مشتق : نیکی، شادی، نا ایمنی
- پ) صفت مرکب : حق شناس

۴

مضارع اخباری	ساخت منفی	امر	فعل
می شنوی	نشنیده بودی	بشنو	شنیده بودی
می پرسند	نخواهند پرسید	—	خواهند پرسید



**توجه :** در ستون «امر»، ردیف دوم با توجه به آنکه در زبان فارسی امروز فعل امر، فقط در دو ساخت دوم شخص جمع و مفرد کاربرد دارد، می‌توان در فعل «خواهند پرسید» تنها به جمع یا مفرد بودن آن توجه کرد و فعل «پرسید» را ساخت.

### منفی کردن فعل‌ها :

در فارسی امروز، هر فعلی را می‌توان با آوردن تکواژ منفی‌ساز «ن» منفی کرد. تلفظ این تکواژ «نَ» است اما اگر پیش از «می» بیاید، «نِ» تلفظ می‌شود. این تکواژ همیشه پیش از فعل اصلی می‌آید اما در فعل‌های آینده و مجهول پیش از فعل معین قرار می‌گیرد :

نگفتم، نگفته‌ام، نگفته بودم، نگفته باشد، نمی‌گفتند / نخواهم گفت، گفته نشد.  
هنگام پیوستن تکواژ «ن» به فعل، اگر تکواژ «ب» همراه فعل باشد، حذف می‌شود : برو ← نرو، بیایند ← نیایند، بگوییم ← نگوییم.

زمان‌های مستمر (ملموس) صورت منفی ندارند و برای منفی کردن آنها از معادل‌های غیرمستمر استفاده می‌شود :

بهرام دارد نامه می‌نویسد. (مضارع مستمر) بهرام نامه نمی‌نویسد. (مضارع اخباری)  
بهرام داشت نامه می‌نوشت. (ماضی مستمر) بهرام نامه نمی‌نوشت. (ماضی استمراری)  
تکواژ «ن» در فعل‌های پیشوندی همیشه پس از پیشوند می‌آید :  
خورشید هنوز برنیامده بود. لاک‌پشت سر از آب درنیامد. ماهی هنوز لقمه‌اول را درست فرو نبرده بود.  
تکواژ منفی‌ساز «ن» در فعل‌های مرکب، پیش از جزء صرفی می‌آید :  
خورشید هنوز برنیامده بود. لاک‌پشت سر از آب درنیامد. ماهی هنوز لقمه‌اول را درست فرو نبرده بود.  
تکواژ منفی‌ساز «ن» در فعل‌های مرکب، پیش از جزء صرفی می‌آید :  
نگاه نداشت. دوست نداشت. فرود نیامد. سردر نیامد. (ر.ک دستور زبان فارسی، محمد جواد شریعت)  
۵ زود تحت تأثیرپذیری قرار نگرفتن (به هر نیک و بد، زود شاد و زود اندوهگین مشو، که این فعل

کودکان باشد).

۶ فریب کاری، تظاهر و ریاکاری.

## آگاهی‌های فرامتنی

«قابوس‌نامه» کتابی است تعلیمی در آیین زندگی، اثر امیر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار و تألیف آن به سال ۴۷۵ قمری است.

نام کتاب قابوس‌نامه از نام مؤلف که در تاریخ به «قابوس دوم» معروف است، گرفته شده است. وی این کتاب را به نام فرزندش گیلان‌شاه در ۴۴ فصل به قصد پند و اندرز و همچنین برای تربیت فرزند در رسوم لشکرکشی، مملکت‌داری، آداب اجتماعی و دانش و فنون متداول نوشته است. سبک نگارش کتاب به نثر مُرسَل یا نثر ساده و بی‌پیرایه، معمول قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری است.

## گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

در گنج حکمت‌ها هم می‌توان متن را در سه قلمرو بررسی کرد، اما نیازی به این کار نیست. اگر کردید و می‌کنید، کاری نیکو است، به خطا نرفته‌اید؛ اما خواست ما این نبوده و نیست، پس کار شما، کاری افزون و به بیان قدما «برسری» است.

نام این بخش (گنج حکمت)، گویای هدف هم هست. بر سر گنج و گنجدان که رسیدیم دیگر به نقش و نگار گنجه و گنجینه، نمی‌پردازیم؛ این کار ما را از اصل باز می‌دارد. اصل چیست؟ رسیدن به گنج معنی و حکمت ارزشمند آن.

پس خوانش را به حلقهٔ ادراک می‌پیوندیم و به سراغ درک و دریافت گنج محتوایی می‌رویم. در این کار، لازم است به گروه‌های دانش‌آموزی مجال بحث و گفت و پرسش‌سازی بدهیم تا دریافت‌های خود را با استدلال بیان کنند.

گلستان نوشتهٔ شاعر و نویسندهٔ پرآوازهٔ ایرانی، سعدی شیرازی است. به باور بسیاری، گلستان تأثیرگذارترین کتابِ نثر در ادبیات فارسی می‌باشد که در یک دیباچه و هشت باب به نثر مُسَجَّع (آهنگین) نوشته شده است. بیشتر نوشته‌های آن، کوتاه و به شیوهٔ داستان‌ها و پندهای اخلاقی است.

شاعران و نویسندگان را از نظر وسعت شهرت به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد: طایفه‌ای که در میان افراد خانواده و خویشان خود شناخته شده‌اند، عده‌ای که در شهر و زادگاه خود شهرت یافته‌اند، گروهی که در خطه و سرزمین پهناوری که مردم آن، فرهنگ و تمدن و ملیتی مخصوص به خود دارند و بالاخره گروهی که بر باد پای سخن نشسته و مرزهای جغرافیایی را شکسته و فراتر رفته‌اند. از قطرگی دست شسته و دریا شده‌اند. سخنشان آینه ایست که هر کس از هر جا و از هر ملت و نژاد که باشد می‌تواند خود را در آن ببیند. علاقهٔ سعدی به سیاحت و سفر، نشانهٔ دیگری از جهانی‌اندیشیدن شاعر است. جهانی فکر می‌کند و جهانگردی را

در پیش می‌گیرد.

اندیشه و بیان سعدی، در بسیاری موارد چنان با سخنان نویسندگان و شاعران فرنگی شباهت دارد که انسان را به حیرت می‌اندازد. در واقع هم لافوتن، شاعر فرانسوی، باره‌ای از داستان‌های او را نظم کرده است و هم گوته، شاعر آلمانی، از بعضی قطعات او الهام گرفته است. چنان که ولتر، هوگو، بالزاک و موسه هم با سعدی و نام او آشنایی داشته‌اند و این هم نشان می‌دهد که سعدی در اروپا نیز از خیلی پیش شهرت داشته است. بسیاری از شاهکارهای ادبیات فارسی به سایر زبان‌ها ترجمه شده‌اند اما شاید هیچکدام به اندازه گلستان و بوستان مورد توجه غربیان واقع نشده‌اند، علت آن را «جلال ستاری» اینگونه توضیح می‌دهد:

«فارسی، زبانی است مشحون به استعارات و تشبیهات و تصاویر ادبی. السنه اروپایی از این لحاظ مجردتر و بی‌پیرایه‌ترند و خوانندگان فرنگی بیش از ایرانیان به ساده نوشتن خو کرده‌اند. سعدی در استعمال مناسبات لفظی و صناعات شعری بر خلاف نویسندگان آن روزگار اندازه نگه داشت. به همین جهت، مطالعه ترجمه، آثار وی به زبان‌های فرنگی برای خوانندگان آن سامان ملال‌آور و طاقت‌فرسا نیست. اما این سادگی و روانی کلام برای توجیه اعتبار سعدی کافی به نظر نمی‌رسد. سعدی آموزگار حکمت بلند پایه و ارزنده‌ای است که اصولاً بر مبنای نوع دوستی بنیان یافته است. در واقع آنچه بیش از همه از غربیان دل برده و آنان را مجذوب ساخته تعالیم اخلاقی سعدی است که انگیزه‌ای جز بشر دوستی و بزرگداشت آدمیت و شرف انسانی ندارد. تشابه و تقارب اندیشه‌های سعدی با بینش و نظر گویندگان آدمی خو و اندرزگوی مغرب زمین تا آنجاست که تحفه سخنش دست به دست در آن دیار نیز رفته است، بنابراین اگر سعدی را شاعری جهانی و متعلق به بشریت بدانیم سخنی به گزاف نگفته ایم».

کوروش کمالی سروستانی، مدیر مرکز سعدی‌شناسی: سعدی شاعر بزرگ ایران زمین، منادی صلح و عشق و دوستی و شاعری است ماندگار در ذهن و زبان ایرانیان و جهانیان. سعدی شیرازبند زبان و ادبیات فارسی و پایه‌گذار مکتب ادبی شیراز است.

زبان و ادب فارسی بارزترین روح لطیف فرهنگ ایرانی است و جهانیان از دیرباز این جلوه را بیش از همه در سخن سعدی باز یافته‌اند. زبان فارسی همواره با زبان سعدی شناخته می‌شد و آثار او در «فارسی‌آموزی» نقش اصلی داشت.

گلستان سعدی نخستین کتاب فارسی بود که به یک زبان اروپایی ترجمه شد و زمینه آشنایی شاعران، نویسندگان، فیلسوفان و اندیشمندان غرب را فراهم کرد. «سعدی سنت‌شناس و سنت‌آفرین بود» و از منادیان روشنگری در ایران قرن هفتم / سیزدهم. و به همین دلیل است که شاعران و اندیشمندانی چون ولتر، هوگو، دیدرو، لافوتن، گوته، شیلر، پوشکین، رنان، امرسون، بالزاک، موسه و بسیاری دیگر از او متأثر شدند.

حسن بلخاری: سعدی را در فرهنگ ادبی ایران، بیشتر به عنوان حکیمی مشتهر به اخلاق عامه می‌شناسیم

و علت آن هم این است که محور اشتها سعادتی در جان و دل فرهنگ «بوستان» و «گلستان» نهفته، زیرا این دو کتاب بسیار ارزشمند به گونه‌ای روان و به زبان ساده و همه‌فهم به رشته تحریر درآمده است. «بوستان» و «گلستان» خارج از زبان پیچیده فلسفه و کلام و به زبان ساده با مخاطبان خود سخن گفته است. جلوه‌گری بسیار «بوستان» و «گلستان» اجازه‌ی عرض اندام دیگر آثار سعدی را در فرهنگ ما نداده و ما کمتر با رساله‌هایی آشنایی داریم که نسبت میان عقل و عشق از منظر سعدی را به ما نشان دهد.

آثار سعدی نشان می‌دهد که سعدی، هم با عقل رفاقتی خاص دارد و هم عاشقی شوریده‌سر است. سعدی بسیاری از اندیشه‌ها، باورها، عقاید و احساسات خود را در قالب غزل بیان کرده و عواطف درونی خود را، ساده و صمیمی با خوانندگان در میان می‌گذارد. غزل‌های سعدی، حاکی از سوز و گداز او در عشق است. ضیاء موحد: وظیفه‌ی زبان‌آفرینی را به عهده‌ی شاعران گذاشته‌اند. ما ترنویس داریم، اما ترکیب‌ها، استعاره‌ها و مواردی که حفظ‌مان است، اغلب از شاعران است. هر بار که زبان ضعیف و پرتکلف می‌شود، این شاعران هستند که باید آن را تصحیح کنند. معجزه‌ی سعدی این بود که وقتی مغول‌ها کتاب می‌سوزاندند و مخالف شهرنشینی بودند، او ظهور کرد و گلستان و بوستانش کتاب درسی شدند. جالب است که شیراز قبل از سعدی شاعر نداشته و اگر هم داشته، سنت‌ساز نبوده است. ولی سعدی، شیراز را مهد شعر کرد. زنده یاد بدیع‌الزمان فروزانفر که همیشه در بررسی‌هایش با تحقیق در سبک جلو می‌رفت، در گفته‌هایش به سبک شیرازی اشاره داشت. آن خط زبانی و قدرت بیانی که سعدی در شعر آورده، به شکل یک سنت درآمده است.

## درس دوم پرورش موضوع

نمایه درس

فکرهایی جالب‌اند  
که بتوانند سال‌های سال بر فراموشی غلبه کنند  
و دوام بیاورند. اگر فکری آن قدر خوب باشد که بتواند پانزده سال  
منتظر بماند تا کتابی مانند، «صد سال تنهایی» شود یا هفده سال تا کتابی چون «پاییز پدر سالار» شود و  
یا سی سال تا «گزارش یک مرگ» بشود،  
پس می‌توانم بنشینم و آن را بنویسم.  
(مارکز، بوی درخت گویا)

**محتوا :** محتوای درس اول در مورد انتخاب روش‌هایی برای پرورش موضوع است و در ضمن  
درس، سه روش برای پرورش موضوع ارائه می‌گردد.

### مثل نویسی

بازنویسی مثل

### کارگاه نگارش

- ۱ انتخاب موضوعی آزاد،  
طرح پرسش‌هایی مرتبط با آن و  
پاسخ‌سازی برای پرسش‌ها
- ۲ ارزشیابی نوشته‌ها براساس  
سنجه‌های مشخص شده در  
درس

### متن و تصویر

- ارائه سه روش برای پرورش  
دادن موضوع نوشته و ارائه  
نمونه :
- الف) بارش فکری  
ب) اگر نویسی  
پ) گزین گفته‌ها

## هدف‌های آموزشی

۱. باز آموزی و یادآوری آموخته‌های پایه نهم
۲. افزایش توانمندی فراگیران در جذب و دریافت موضوعات از محیط پیرامون
۳. تقویت توانایی تهیه لیستی از موضوعات ساده پیرامون و تبدیل موضوعات ساده به موضوعات جذاب

و متنوع

۴. آشنایی بیشتر با شگرد «پرسش گری» به منظور تبدیل موضوعات ساده به نوشته‌های جالب و ارزشمند
۵. تقویت توانایی گشودن گره‌های ذهنی با بهره‌گیری از شگرد «پرسش گری»
۶. آشنایی بیشتر با روش «بارش فکری» در معناسازی و ایجاد فرصتی برای فکر کردن
۷. آشنایی با شگرد «اگر نویسی» در رها سازی ذهن و قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف
۸. ایجاد توانایی بهره‌گیری از شگرد «اگر نویسی» به منظور پرداختن و انتخاب ساده و آسان به موضوعات
۹. ایجاد نگرش مثبت نسبت به «گزین گفته‌ها» و توانایی به کارگیری این شگرد در نوشتن
۱۰. آشنایی با اهمیت کاربرد جمله‌های کوتاه در نوشته

## روش تدریس پیشنهادی

با توجه به نکات زیر می‌توان درس پرورش موضوع را به شیوه «تدریس کارایی تیم» آغاز نمود و در ادامه با توزیع کاربرگ‌هایی یادگیری را تثبیت نمود.

محتوای این درس از نظر کمیت قابل تفکیک بوده (در این درس به سه روش مستقل برای پرورش موضوع اشاره شده است بارش فکری، گزین گفته‌ها و اگر نویسی)، همچنین از نظر سطح دشواری برای فراگیران قابل فهم است. با توجه به آموزه‌های سال‌های پیشین، در متن درس، گره و چالش خاصی وجود ندارد و فراگیران با مطالعه متن قادر خواهند بود مطالب را کشف کنند.

اساس این روش مبتنی بر همیاری در یادگیری است و اساس یادگیری از طریق همیاری، تشکیل تیم‌های یادگیری است.

این روش سبب جلوگیری از گوشه گیری، از خود بیگانگی، بی‌هدفی و ناراحتی در فعالیت‌های جمعی می‌گردد، حس اعتماد به نفس اعضا را افزایش می‌دهد و روابط بین فردی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد.

در این روش از دانش آموزان انتظار می رود با یکدیگر به تعامل پرداخته، پیشرفت تحصیلی یکدیگر را برعهده بگیرند. دانش آموزان انتظار دارند گروهی که در آن فعالیت دارند به موفقیت دست یابد و افراد، گروه را در دستیابی به موفقیت یاری می کنند.

این روش بر دو فرضیه استوار است :

۱ هر یک از شرکت کنندگان، قسمت متفاوتی از موضوع درس را یاد می گیرند.

۲ هر فراگیر می تواند به اعضای تیم خود درس بدهد.

در این الگو، تدریس توسط گروه فراگیران انجام می شود و پس از آن، معلم توضیحات ضروری و تکمیلی را ارائه می دهد.

### مراحل اجرا :

#### مرحله اول : آمادگی فردی

۱ گروه بندی دانش آموزان و اختصاص شماره به هر یک از اعضای گروه

۲ تدوین قوانینی که گروه ها ملزم به رعایت آنها هستند، مانند : یادداشت برداری، بحث و گفتگو به طور آهسته، زمان بندی و ...

۳ تقسیم متن درس به بخش های مستقل و تقریباً مساوی : گروه های سه نفره تشکیل می گردد و به هر یک از گروه ها وظیفه مطالعه یکی از روش های پرورش موضوع محول می گردد و کار انفرادی با صامت خوانی آغاز می گردد.

#### مرحله دوم : کار گروهی

۱ تشکیل گروه های هم شماره : هر یک از فراگیران با توجه به شماره خود، با شماره های مشابه هم گروه می شود و اعضای گروه با هم به بحث و تبادل نظر می پردازند .

۲ تشکیل گروه های اولیه (برگشت به گروه اولیه)

۳ ارائه نظرات و سؤالاتی که در گروه های همنام مطرح شد، در گروه اولیه

در این بین معلم هدایت دانش آموزان برای حضور در گروه های جدید، کنترل کلاس و برقراری آرامش و همچنین نظارت بر اجرای فعالیت گروه ها را انجام می دهد.

### ارزشیابی گروه‌ها

پس از اینکه دانش‌آموزان با محتوای درس آشنا شدند، برای ارزشیابی و همچنین تثبیت یادگیری می‌توان به ترتیب زیر عمل کرد :

موضوع واحدی را در نظر می‌گیریم. مانند : دریا

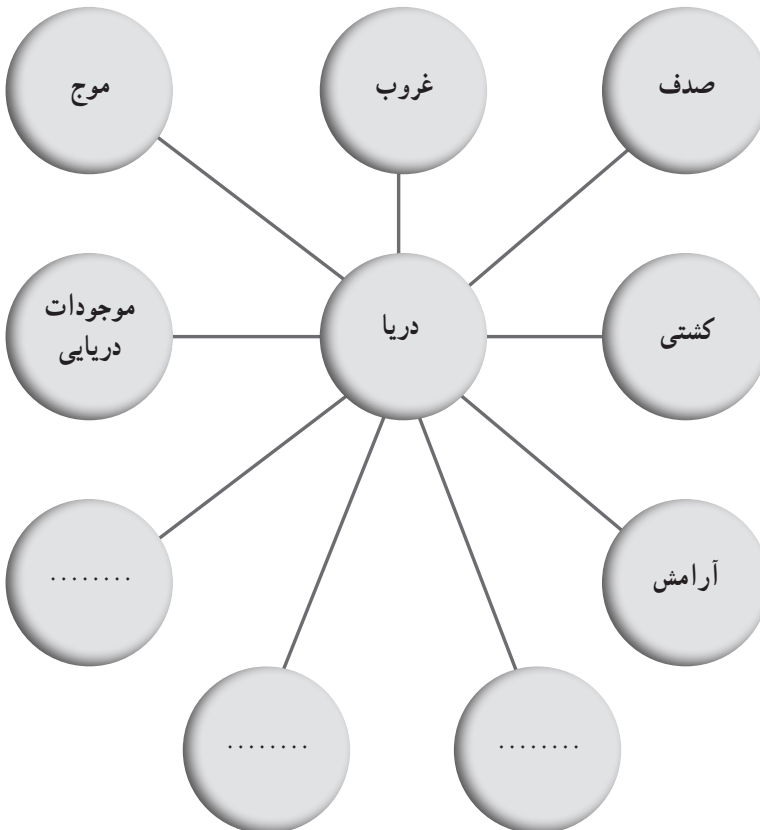
سه کاربرد زیر را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم و پس از مدت زمان معینی دانش‌آموزان نوشته خود را در کلاس می‌خوانند.

### کاربرد شماره یک :

گسترش موضوع به روش بارش فکری

### مرحله الف

برای گسترش موضوع دریا، با بهره‌گیری از شیوه بارش فکری ابتدا نمودار زیر را کامل کنید.





از میان مفاهیمی که در مرحله الف نوشتیم چند مورد انتخاب می‌کنیم و براساس آن، پرسش‌هایی را مطرح می‌کنیم :

- ✓ آیا دریا برای همه آرامش‌بخش است؟
- ✓ آیا کشتی‌ها می‌توانند فرهنگ‌ها را از راه دریاها از کشوری به کشور دیگر انتقال دهند؟
- ✓ ..... ؟
- ✓ ..... ؟
- ✓ ..... ؟

## اگر نویسی

جملات شرطی معمولاً دو قسمت دارند :

■ عبارتی که حاوی شرط است.

■ عبارت اصلی

عبارات شرطی ممکن است به زمان گذشته، حال و یا آینده اشاره باشند.

اگر نویسی

شرایط واقعی

■ زمان گذشته : اگر من یک مدیر بودم ...

■ زمان حال : اگر من یک پلیس باشم ...

■ زمان آینده : اگر من روزی یک رئیس جمهور شوم ...

شرایط غیر واقعی (تخیلی)

■ زمان گذشته : اگر من ققنوسی نشسته بر کوه قاف بودم ...

■ زمان حال : اگر من یک رایانه باشم ...

■ زمان آینده : اگر من یک روبات داستان‌نویس شوم ...

اگر نویسی با محوریت	اگر من رئیس جمهور بودم ...
قرار گرفتن در مشاغل مختلف	اگر من یک شهردار بودم ...
	اگر من یک منجم بودم ...
	اگر من یک شاعر بودم ...
	اگر من یک بازرگان بودم ...
	اگر من یک رفتگر بودم ...
	اگر من راننده یک ماشین حمل جنازه بودم ...

اگر نویسی با محوریت	اگر من قالی پازیریک بودم ...
قرار گرفتن به جای پدیده ها و اشیا	اگر من یک قاب عکس قدیمی بودم ...
	اگر من یک قمقمه فلزی بودم ...
	اگر من یک زیردریایی بودم ...
	اگر من پوتین یک سرباز بودم ...
	اگر من یک بد افزار بودم ...
	اگر من به جای ضریح امام حسین (ع) بودم ...

اگر نویسی با محوریت	اگر من به جای سرو چهار هزار ساله ایران بودم ...
قرار گرفتن به جای یک مکان خاص	اگر من مثلث برمودا بودم ...
	اگر من دیوار چین بودم ...
	اگر من برج ایفل بودم ...
	اگر من اقیانوس آرام بودم ...
	اگر من اهرام ثلاثه بودم ...
	اگر من باب المندب بودم ...
	اگر من کوه آتشفشان هاوایی بودم ..
	اگر من موزه لوور بودم ...

اگر من دیو سفید شاهنامه بودم ...	قرار گرفتن به جای جانوران و موجودات دیگر اگر نویسی با محوریت
اگر من یک کروکودیل بودم ...	
اگر من یک نهنگ بودم ...	
اگر من ذوالجناح بودم ...	
اگر من به جای هدهد در زمان سلیمان (ع) بودم ...	

اگر متولد دهه (شصت، پنجاه و ...) بودم ...	قرار گرفتن در موقعیت‌های خاص اگر نویسی با محوریت
اگر من معلم و مدیر یک کلاس چند پایه بودم ...	
اگر من پدر/ مادر یک هفت قلو بودم ...	
اگر در یک صحرا همراهان خود را گم می‌کردم و تنها با یک کوله پستی تنها می‌ماندم ...	
اگر نفر اول کنکور می‌شدم ...	
اگر قهرمان المپیک بودم ...	
اگر من به جای بُراق اسب پیامبر بودم ، در شب معراج ...	

اگر من می‌توانستم زمان را متوقف کنم ...	داشتن توانمندی‌های مختلف اگر نویسی با محوریت
اگر می‌توانستم از آینده خبردار باشم ...	
اگر می‌توانستم به گذشته بروم ...	
اگر من انگشتر سلیمان (ع) را داشتم ...	
اگر من عصای موسی (ع) را داشتم ...	

اگر من امیر کبیر بودم ...	اگر نویسی به جای شخص
اگر من نیوتن بودم ...	
اگر من استیو جابز بودم ...	
اگر من یوری گاگارین بودم ...	
اگر من نویسندهٔ پرفروش‌ترین کتاب سال بودم ...	

گاهی می‌توان این موضوعات را ادغام نمود و یا شرایطی را به این موضوعات اضافه کرد.

### نمونه‌ای برای اگر نویسی

#### اگر یک کوه بودید...

راستش من هیچ وقت دوست نداشته‌ام که یک کوه باشم. من کوهستان را دوست دارم ولی دوست ندارم مثل کوه یک جا نشین و منجمد باشم. من دوست دارم رود باشم، جاری و پریهاو، قصه‌ها را از زبان قلّه کوه بشنوم و آنها را برای شقایق‌های دامنهٔ کوه و گلبوته‌های دشت تعریف کنم، پاهای گلی کودکان آبادی را قلقلک بدهم، به زمین‌های کشاورزی سلام کنم و گاهی میان شالیزارهای خوش بو چرخ بزنم. کوه‌ها همیشه سنگین و رنگین یک جا می‌نشینند اما من بازیگوش و پر سر و صدا هستم. مادر بزرگم می‌گوید: آدم باید جاسنگین باشد. فکر کنم کوه‌ها خیلی جاسنگین هستند، آنها یک گوشه را برای خودشان انتخاب می‌کنند و تا ابد همان جا می‌خکوب می‌شوند و جم نمی‌خورند. پدر بزرگم می‌گوید: کوه‌ها خیلی باید مراقب خودشان باشند چون در قلبشان چیزهای با ارزشی دارند. معلممان می‌گوید: «ارزش آدم‌ها به رازهایی است که در دل خود دارند.» خوب که فکر می‌کنم می‌بینم کوه‌ها خیلی ارزشمندند چون رازهای زیادی در دل خود دارند. راستی می‌دانی چرا من دوست ندارم کوه باشم؛ چون کوه‌ها با آنکه ظاهر آرام و صبوری دارند، گاهی سرما می‌خورند و با یک عطسه مثل آوار فرو می‌ریزند، گاهی چنان عصبانی می‌شوند که هر چه در دلشان است یک دفعه بیرون می‌ریزند. در آن لحظات همه از کوه فرار می‌کنند. من دوست ندارم که یک کوه باشم!

## درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

### ■ فعالیت ۱ ■ فعالیت ۲

## کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی اول

۱ در این تمرین فراگیران با توجه به آموزه‌های درس، متن‌های خود را می‌خوانند و دانش‌آموزان بر پایهٔ سنجه‌های ارائه شده، نوشتهٔ دوستانشان را ارزشیابی می‌کنند.

۲ این پرسش در همهٔ درس‌ها با هدف نقد و تحلیل نوشته‌های دانش‌آموزان ارائه شده است و بهترین شیوهٔ تدریس آن، روش قضاوت عملکرد است. چنان‌که از نام روش برمی‌آید در این شیوه، یادگیری از طریق قضاوت دربارهٔ نوشتهٔ دیگران صورت می‌گیرد.

مبنای داوری در هر درس، سنجه‌های ذکر شده در پرسش شماره سه است. این تمرین، در حقیقت فرصتی است برای آشنایی عملی دانش‌آموزان با موضوع نقد و نقدنویسی. البته چون در هر درس سنجه‌های نقد به روشنی تدوین شده است، انتظار می‌رود هر نوع نقد و نظری با ارائه دلیل و مبتنی بر یکی از معیارها باشد و از کلی‌گویی‌های بدون معیار پرهیز شود.

در اجرای این روش، چک لیستی از معیارهای ارائه شده در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد (این چک لیست در فعالیت سوم هر درس ارائه شده است). سپس یک نفر نوشتهٔ خود را می‌خواند و دیگران گوش فرامی‌دهند و بر اساس معیارهای چک لیست، آن را تحلیل می‌کنند. به این ترتیب دانش‌آموزان با کسب درک روشنی از سنجه‌ها یا معیارها، می‌توانند دربارهٔ کیفیت نوشته‌ها قضاوت کنند. این کار علاوه بر تثبیت یادگیری، موجب پرورش تفکر انتقادی می‌شود.

همچنین می‌توان در اجرای این روش دانش‌آموزان را گروه‌بندی کرد، نوشته‌های آنها را در گروه‌ها توزیع کرد و از آنها خواست نوشته‌ها را بخوانند، دربارهٔ آنها به بحث و تبادل نظر بپردازند و فرم چک لیست را دربارهٔ آن نوشته پر کنند. سپس هر گروه کار خویش را ارائه می‌دهد. اعضای گروه، کار هر فرد را با دیگری و با معیارهایی که فراگرفته‌اند، مقایسه می‌کنند. هر فرد، انتقادهایی را که به کارش شده است، دریافت می‌کند؛ در انتها ویژگی‌های یک نوشتهٔ خوب را بیان و جمع‌بندی می‌کنند.

## مثل نویسی

در مثل نویسی، باز آفرینی و گسترش دادن و افزودن بر شاخ و برگ اصل نوشته، مورد تأکید است و هدف از این بخش بهره‌گیری از تخیل، فضا سازی و تولید مضمونی نو بر پایه ضرب المثل‌ها است. ضرب المثل‌ها در افزایش توان سخنوری و قدرت نویسندگی، کارمایه و نیروی شگرفی دارند. اگر در ساخت برونی و ظاهر، کوه نوشته و عبارتی بیش نیستند اما سرشار از معنا هستند و جهانی در پس خود دارند. به دلیل همین دو ویژگی، بهره‌گیری از ضرب المثل‌ها را شگردی بسیار کارا و اثر بخش در پویاسازی ذهن و زبان می‌دانیم.

ریشه تاریخی و داستانی برخی از ضرب المثل‌ها در دسترس است اما هدف از این بخش، پژوهش درباره ریشه تاریخی ضرب المثل‌ها نیست بلکه هدف این است که هر دانش‌آموز از دریچه چشم خود به موضوع نگاه کند و به باز آفرینی مثل و بازسازی واقعه و فضا و رویداد آن بپردازد.

■ برو کار می‌کن، مگو چیست کار. (درس دوم)

مصراع‌ی که به صورت یک مثل در آمده است. برگرفته از شعر مرحوم ملک الشعرای بهار :

برو کار می‌کن مگو چیست کار      که سرمایه جاودانی است کار  
و ایشان این گفته را در قالب داستانی پرورش داده‌اند :

نکرتا که دهقان دانا چه گفت	به فرزندگان چون همی خواست خفت
که : میراث خود را بدارید دوست	که گنجی ز پیشینیان اندر اوست
من آن را ندانستم اندر کجاست	پژوهیدن و یافتن با شماست
چو شد مهر مه، کشتگی برکنید	همه جای آن زیر و بالا کنید
نمائید ناکنده جایی ز باغ	بگیرید از آن گنج هر جا سراغ
پدر مرد و پوران به امید گنج	به کاویدن دشت بردند رنج
به گاو آهن و بیل کردند زود	هم اینجا، هم آنجا و هر جا که بود
قضارا در آن سال از آن خوب سخم	ز هر تخم برخاست هفتاد تخم
نشد گنج پیدا ولی رنجشان	چنان چون پدر گفت شد گنجشان

## درس سوم خسرو

نمایه درس

محتوا : داستان کوتاه، آموزش مدرسی در گذشته، توانایی های آدمی و شیوه بهره گیری از آن

### هدف های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با آموزه های اخلاقی در ادب فارسی (علم)
- ۲ درک و خوانش نثر معاصر آمیخته با تقلیدی از نثر تاریخی به همراه لحن مناسب (عمل)
- ۳ تقویت هنجارهای اخلاقی مناسب با توجه به متن درس (باور)
- ۴ ارج نهادن به الگوهای اخلاقی و اجتماعی (اخلاق)
- ۵ توانایی درک بخش های زبانی و ادبی متن درس (تفکر)
- ۶ کاربست آموزه های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۷ توانایی درک پیام های آموزشی و اخلاقی متن درس (تفکر).

### روش های تدریس پیشنهادی

- بحث گروهی
- روشن سازی طرز تلقی
- کارایی گروه و ...

### رسانه های آموزشی

کتاب درسی، عکس، فیلم های کوتاه مرتبط با محتوا و پیام درس، پایگاه های اطلاع رسانی مناسب و ...

## جستاری در متن

نویسنده در داستان خسرو ضمن پرداختن به سرگذشت شخصیت اصلی داستان، تعبیری اخلاقی از زندگی ارائه می‌دهد و خاطره خود را صمیمانه و بی‌پرده‌پوشی روایت می‌کند. در این داستان فضای کلاس و مدرسه، به‌ویژه زنگ پرخاطره انشا و شیوهٔ انشانویسی دانش‌آموزان سال‌های دور به تصویر درمی‌آید و وضعیت عمومی مدرسه به طور کلی تشریح می‌شود:

از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم کلاس بودم. در تمام این مدت سه سال نشد که یک روز کاغذ و مدادی به مدرسه بیاورد یا تکلیفی انجام دهد.

با این حال بیشتر نمره‌هایش بیست بود. وقتی که معلم برای خواندن انشا خسرو را پای تخته صدا می‌کرد دفترچه من یا مصطفی را برمی‌داشت و صفحهٔ سفیدی را باز می‌کرد و ارتجلاً انشایی می‌ساخت و با صدای گرم و رسا، به اصطلاح امروزی‌ها، اجرا می‌کرد.

وجدانی در داستان خود تأکید دارد چنانچه از توانایی‌ها و استعدادهای خویش به خوبی بهره‌نگیریم و در برابر سختی‌ها ایستادگی نورزیم، طولی نخواهد کشید که باید در انتظار روزهای سیاه زندگی باشیم.

بهره‌گیری از عنصر تقلید با چاشنی طنز، یکی از شیوه‌های طنزپردازی با نام «نقیضه‌پردازی» یا اقتباس از آثار ادبی است. در ادبیات اروپایی به این کار «پارودی» گفته می‌شود. نقیضه‌گویی یا پارودی، گونه‌ای تقلید با تغییر شکل عامدانه با ابزار طنز و سرگرمی برای برجسته‌سازی موضوع است.

## برخی از واژگان متن

ارتجلاً: بی‌درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن. // تقریر: بیان، بیان کردن. // مفتول: سیم، رشته فلزی دراز و باریک. // زنگاری: منسوب به زنگار، سبز رنگ. // ملتفت شدن: آگاه شدن، متوجه شدن. //

لاجرم: ناچار، ناگزیر. // مخذول: خوار، زبون گردیده. // استرحام: رحم خواستن، طلب رحم کردن. // مغلوب: شکست خورده. // پسپل کردن: سرجانور را بریدن. // خسروانی خورش: خورش و غذای شاهانه. //

بدیسگال: بداندیش، بدخواه. // دوات: مرکب‌دان، جوهر. // طمأنینه: آرامش، سکون و قرار. // الزام: ضرورت، لازم گردانیدن، واجب گردانیدن. // کمیت: اسب سرخ مایل به سیاه. // تصدیق نامه: گواهی نامه. // شهناز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور. // عتاب کردن: سرزنش کردن، خشم گرفتن بر کسی. // دانگ: بخش، یک ششم چیزی. // صاحب دل: عارف، آگاه. // مألوف:



خو گرفته // خَلَبی : ورقه نازک فلزی از جنس حَلَب. // ضمایم : جمع ضمیمه، همراه و پیوست. // تعلیقات : جمع تعلیق، پیوست‌ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب. // طبیعت : خو، عادت، طبع و سرشت. // حُجَب : شرم و حیا. // قِیَاض : بسیار فیض دهنده، بسیار بخشنده. // اوان : وقت، هنگام. // مُطَرِبی : عمل و شغل مطرب. // مُطَرَب : کسی که نواختن ساز و خواندن آواز را پیشه خود سازد. // مسخرگی : لطیفه گویی، دلقکی. // تکریم : گرامیداشت. // عَنود : ستیزه‌کار، دشمن، بدخواه. // لَهو : بازی و سرگرمی، آنچه مردم را مشغول کند. // لَعِب : بازی. // لَهو و لَعِب : خوش گذرانی. // مَنَجَلاب : محل جمع شدن آب‌های کثیف و بدبو. // مَعاصی : جمع معصیت، گناهان. // مُسَکَر : چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد، مثل شراب. // مُنَکَر : زشت، ناپسند. // تَکیده : لاغر و باریک اندام. // لِمَن تَقُول : به چه کسی می‌گویی؟ // پَلاس : جامه‌ای کم ارزش، گلیم درشت و کُلُفت. // مُنَدرِس : کهنه، فرسوده.

## درنگی در کارگاه درس پژوهی

- ۱ ضم، ضمیمه/ تعلق، متعلق/ عاصی، عصیان.
- ۲ کمیش لنگ بود : کنایه از ناتوان بودن در انجام کاری، کمیت : اسب سرخ مایل به سیاه را گویند.
- ۶ روزی : قید زمان/ خسرو : مفعول/ خیابان : متمم/ دیدم : گذشته ساده.

## کنج حکمت (روزی ده و روزی)

باب هفتم گلستان در تأثیر تربیت است. سعدی این حکایت را بدین معنی آورده است که : از معلم و دانای پیری شنیدم که یکی از مریدان خود را نصیحت می‌کرد و چنین می‌گفت : «ای پسر به همان اندازه که دل انسان به رزق و روزی تعلق دارد اگر به روزی دهنده وابسته بود، مقام او از جایگاه فرشتگان برتر می‌گشت».

## درس چهارم

### عینک نوشتن

در مورد نوشتن  
همیشه نمی شود یک جور حساب کرد،  
گاهی مثل شیرجه زدن در آب ساده است و گاهی مثل  
بالا رفتن از صخره سخت است.

محتوا : نوع نگاه و دریچه دید نویسنده نسبت به موضوع

#### متن و تصویر

متن این درس به بررسی نوع نگاه  
نویسنده به موضوع می پردازد  
که این نگاه متناسب با تجربه،  
آموزش، تربیت و یادگیری افراد  
متفاوت است.

#### کارگاه نگارش

انتخاب موضوع آزاد و نگارش  
متنی با توجه به فضای عینی و  
ذهنی  
تحلیل و ارزشیابی متن بر اساس  
سنجه ها : تولید متن عینی با  
بهره گیری از حواس و ذهنی با  
بهره گیری از خلاقیت ذهن

#### مثل نویسی

گسترش مثل :  
درک و دریافت فراگیران از  
مثل نویسی و بازآفرینی آن

## هدف های آموزشی

- ۱ آشنایی با نوع نگاه نویسنده .
- ۲ توانایی تشخیص نوشته های خیال انگیز و نوشته های عینی .
- ۳ تقویت توانایی تولید نوشته های خیال انگیز و عینی .
- ۴ تقویت نگاه مثبت نسبت به کاربرد ارزش معنایی واژگان .
- ۵ آشنایی با نوع نگاه نویسندگان به موضوعات .
- ۶ افزایش توانمندی فراگیران در تولید نوشته هایی مبتنی بر محسوسات .
- ۷ تقویت و دست ورزی فراگیران در گسترش مثل .

## روش تدریس پیشنهادی

### روش اول : تفکر استقرایی

برای آموزش درس «عینک نوشتن» از روش تفکر استقرایی طبق مراحل زیر عمل می کنیم :

مرحله اول : تکوین مفهوم : ابتدا این پرسش را از دانش آموزان می پرسیم : «عینک نوشتن یعنی چه؟» پاسخ هایی را که داده می شود روی تابلو می نویسیم . پاسخ ها معمولاً از سطحی ترین دریافت ها آغاز می شود . موارد زیر نمونه هایی از پاسخ هاست :

عینک نوشتن یعنی خوب دیدن

عینک نوشتن یعنی شفاف دیدن

عینک نوشتن یعنی با دقت دیدن

عینک نوشتن یعنی تو مو می بینی و من پپچش مو

.....

چنان که ملاحظه می شود سیر پاسخ ها نشان دهنده حرکت از عینیت و واقعیت به سمت برداشت های عمیق تر به کمک ذهن است .

مرحله دوم : تفسیر مطالب : در این بخش یک مداد را به دانش آموزان نشان می دهیم و از آنها

می‌خواهیم که عینک نوشتن را بر چشم زنند و یک بند درباره مداد بنویسند. حالا از آنها می‌خواهیم نوشته‌هایشان را بخوانند و با هم مقایسه کنند. آنها با مقایسه درمی‌یابند نوشته‌ها را می‌توانند در دو دسته طبقه‌بندی کنند، در برخی نویسنده آنچه با چشم دیده را توصیف می‌کند و فضای غالب نوشته عینی است. در بعضی دیگر نویسنده به کمک ذهن خود می‌نویسد، از سطح حواس ظاهری فراتر می‌رود و فضای غالب نوشته ذهنی می‌شود. به این ترتیب با خواندن نوشته و تعیین عینی بودن یا ذهنی بودن متن‌ها یادگیری اتفاق می‌افتد.

**مرحله سوم : کاربرد اصول :** در این مرحله متن‌های تولید شده را می‌خوانند و ذهنی یا عینی بودن نوشته را تعیین می‌کنند. این مرحله تمرینی است که به تثبیت یادگیری منجر می‌شود.

### روش دوم :

برای آموزش درس «عینک نوشتن» یک موضوع خاص را ابتدا به ریز موضوع تبدیل می‌کنیم. سپس درباره هر یک از این ریز موضوع‌ها یا با استفاده از حواس ظاهری و یا با استفاده از خیال و ذهن می‌نویسیم.

از ویژگی‌های مثبت این روش تقویت تفکر و نگاه همه جانبه به یک موضوع و فاصله گرفتن از تفکر تک بعدی و خطی به دنیای پیرامون است.

برای انجام این روش ابتدا دانش‌آموزان را گروه بندی می‌کنیم.

**گام اول :** پرورش موضوع : برای شروع کار، دانش‌آموزان با بهره‌گیری از یکی از روش‌های پرورش موضوع که در درس اول مطرح شد (مانند بارش فکری) موضوعاتی را طرح می‌کنند (مانند : جاده ، برف ، تاکسی، شهر، کوه، داستان، دوست، نوروز و ...) موضوعات روی تخته کلاس ثبت می‌شود.

**گام دوم :** انتخاب موضوع : در مرحله بعد هریک از گروه‌ها از بین عناوین مطرح شده یکی از موضوعاتی را که قابلیت تبدیل به ریز موضوع‌های متنوع، متعدد و جالب دارد، انتخاب می‌کنند.

به عنوان نمونه : کوه (می‌توان در این قسمت کوه خاصی را انتخاب کرد مانند کوه دماوند، کوه طور، سبلان، اشتران کوه، کوه پردیس، کوه جودی، کلیمانجارو، کوه فوجی و ...)

**گام سوم :** خلق ریز موضوع‌ها : در این مرحله برای یافتن ریز موضوع‌ها پرسش زیر را مطرح می‌کنیم : از چه جنبه‌هایی می‌توان به موضوع انتخاب شده (کوه دماوند) نگاه کرد ؟

دانش‌آموزان در گروه نظرات خود را طرح و روی برگه‌ای به صورت مشترک ثبت می‌کنند. ریز موضوع‌ها ممکن است از این دست باشند :

از نظر ادبی، ملی و آیینی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی، علمی، تخیلی، زیست بوم و ...

**گام چهارم :** انتخاب ریز موضوع : در این مرحله هر یک از دانش آموزان گروه یکی از ریز موضوع ها را انتخاب می کنند و به صورت انفرادی، نوشتن را آغاز می کنند.

**گام پنجم :** نوشتن از دریچه حواس یا از دریچه ذهن و خیال : دانش آموزان به ریز موضوع انتخابی خود از دریچه پدیده های دیداری (محسوسات) و یا از پنجره ذهن و خیال نگاه می کنند و یک بند درباره موضوع مورد نظر می نویسند.

**گام ششم :** نوشتن به صورت گروهی : در مرحله پایانی دانش آموزان، بندهایی را که به صورت انفرادی نوشته اند، به صورت یک نوشته منسجم درمی آورند و نمونه های خلق شده توسط گروه ها در کلاس خوانده می شود.

از مزایای این روش می توان به موارد زیر اشاره کرد :

شناخت علاقمندی و نوع نگاه هر یک از دانش آموزان به موضوع مورد نظر.

مقایسه عینی نگاه تک بعدی و نگاه همه جانبه به یک موضوع .

آموزش و تقویت تبدیل نوشته های فردی به نوشته های گروهی.

## تقویت مهارت نوشتن

در ادامه روش تدریس برای درک و شناخت بیشتر فضای عینی و ذهنی و تمرین نوشتن، بخش هایی از یک داستان را در اختیار دانش آموزان قرار می دهیم.

## کاربرگ شماره یک: عینک نوشتن

با استفاده از حواس ظاهری متن زیر را در یک بند ادامه دهید.

«لیلا یک نقش قالی می‌بافت. لاله‌ها روی رف روشن بودند. چهار لاله را هم، در دو طرف خودش روی تخته قالی گذاشته بود. دو تا از لاله‌ها، نقشه قالی را روشن نگه می‌داشتند و نور دو تای دیگر، روی دار قالی افتاده بود...» (قالی و قناری، میرکیانی)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

با استفاده از ذهن و خیال متن زیر را در یک بند ادامه دهید.

«فردا صبح، توپ‌ها را ۱۲ بار شلیک می‌کنند و کالسکه‌ها از ارگ شاهی بیرون می‌آیند. صدای پای اسب‌ها که به سنگ فرش خیابان‌ها می‌خورند، در شهر می‌پیچد و کالسکه را به دروازه غربی می‌برند...» (همان منبع)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## جستاری در متن

اصلی ترین علت تفاوت نوشته ها در چیست ؟  
 اصلی ترین علت تفاوت نوشته ها در نوع نگاه نویسنده به موضوع است و آنچه که نگاه نویسنده را می سازد تجربه، آموزش، تربیت و یادگیری است. در نمایه زیر می توان تأثیر نوع نگاه نویسنده بر نوشته را ملاحظه نمود.



## درنگی در قلمرو فعالیت ها

**فعالیت ۱** این فعالیت در حوزه آفرینش قرار می گیرد و هدف از آن پرورش توانایی نوشتن و تولید متن از سوی دانش آموزان و فعالیتی واگراست.

**فعالیت ۲** سنجه ها، معیارها و موضوع نوشتن در هر درس بر بنیاد آموزه های همان درس استوار است. در این فعالیت دانش آموزان نخست یاد می گیرند که با دقت به خوانش نوشته های هم کلاسی خود گوش بدهند سپس براساس سنجه های درس نوشته ها را نقد و تحلیل کنند.

## مثل نویسی

- از کوزه همان برون تراود که در اوست (= از کوزه برون همان تراود که در اوست).
- «هرکس سرانجام، فطرت و درون خود را در جریان عمل بروز می دهد.» (امینی، ۵۱)
- «شخصی کوزه نو آورد، پر از شراب کرد و سبو می تراوید. چون در راه افتاد، مُحْتَسِب دچارش شد.

گفت: «در کوزه چیست؟» جواب داد که شیر. محتسب باز گفت: «که چیست؟» گفت: «از کوزه همان برون تراود که در اوست»

«در قدیم، آب آشامیدنی را برای تصفیه در کوزه‌ای می‌ریختند و در آن را با کلاهکی از حصیر یا ابریشم می‌پوشاندند. سپس کوزه را در ظرفی می‌گذاشتند و آبی را که از این صافی عبور می‌کرد می‌نوشیدند. در این روش، معمولاً کوزه و سرویس آن، هر بو و مزه‌ای که داشتند، به آب منتقل می‌کردند. در این مواقع اصطلاحاً می‌گفتند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» این ضرب‌المثل بعدها به قضاوت در مورد آدم‌ها رسید. یعنی وقتی این مثل را به کار می‌برند، منظورشان این است که رفتار و گفتار آدم‌ها، نشان‌دهنده درون آنهاست.»

## کارگاه نوشتن

**توجه:** مرزبندی دقیقی نمی‌توان بین فضای عینی و حسی انجام داد و نمی‌توان سنجه مند عمل کرد. درک این مسئله حسی است، در برخی زمینه‌ها این کار آسان و در برخی زمینه‌ها دشوار است. در آموزش عمومی ناگزیریم این تقسیم‌بندی‌ها را بپذیریم تا نظام ذهنی دانش‌آموزان هم ساختاری علمی و طبقه‌بندی شده بیابد.

■ عمده‌ترین کار در روش بازآفرینی، تغییر دادن موضوع و محتوای اثر و درهم ریختن چارچوب آن و ایجاد چارچوبی تازه است. به گونه‌ای که در چهره‌های قهرمانان افسانه‌ای و حکایت‌های تاریخی و نظیر آن، تغییراتی صورت می‌گیرد که با خواندن اثر مقصد، اثر مبدأ در ذهن خواننده تداعی می‌شود.

■ بازآفرین مجاز است از موضوع کهن الهام بگیرد و هرگونه تغییری در موضوع، شخصیت‌ها و... ایجاد کند. می‌تواند شخصیت‌ها را تغییر دهد از مثبت به منفی و به عکس برگرداند. هرگونه اندیشه فلسفی اجتماعی و هر نوع دیدگاهی را به موضوع مورد نظر خود وارد کند اما، با همه تغییرات و دگرگونی‌هایی که در اثر پیشین ایجاد می‌کند یک نوع رگه و نشانه‌هایی از اثر گذشته در اثر جدید قابل درک و مشاهده است به گونه‌ای که با آن نشانه‌یاد و خاطره اثر مبدأ در ذهن مخاطب زنده می‌شود و این تنها موردی است که یک اثر بازآفرین شده را از یک اثر تألیفی خلاقانه و آفرینش مستقیم و بی‌واسطه جدا می‌سازد. در بازآفرینی باید اصول کلی نگارش زبان و ادب فارسی و اصول مهم ساده‌نویسی برای نوجوانان و سایر تکنیک‌های نویسندگی رعایت شود.

یکی از تأثیرات مهم و اساسی بازآفرینی جلوگیری از انقطاع فرهنگی نسل‌هاست که می‌تواند پل رابطی باشد بین فرهنگ کهن و فرهنگ امروز یک ملت.



### اهداف کلی بازآفرینی :

- ایجاد رابطه نوجوانان با ادبیات و فرهنگ کشور خود، به گونه‌ای که بتواند بین فرهنگ دیرین خود و فرهنگ امروزی پیوند برقرار نماید.
- تلطیف ذوق ادبی نوجوانان و افزایش درک کلی آنها از جنبه‌های فرهنگی، دینی، اخلاقی، تاریخی و علوم و فنون از گذشته تاکنون .
- برانگیختن اشتیاق دانش‌آموزان به مطالعه با استفاده از متون جذاب.
- تقویت توان نوشتاری مخاطبان به گونه‌ای که بتوانند آثار و متون کهن فارسی را به زبان فارسی امروزی بازنویسی کنند.
- آشنا کردن دانش‌آموزان با تجارب مختلف زندگی برای رویارویی با مسائل آتی.
- استفاده از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی متون کهن در راستای اهداف ادبیات نوجوان.

نمونه بازآفرینی

«دو چیز طیره عقلست دم فروبستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی» (گلستان سعدی)

## «حکایت آب دزدی»

در روزگاران قدیم در قریه‌ای دور افتاده، کدخدایی از خود راضی زندگی می‌کرد. روزی کدخدا تصمیم گرفت به شهر برود. قبل از سفر مباشر را امر فرمود که به جد به امورات ما رسیدگی نمای. مباشرمردی جدی و از آن مباشرهای به درد بخور بود. از همان‌هایی که سر را به جای کلاه برای کدخدا می‌آورد! مباشر در حال قیلوله نیم روزی بود. ناگهان چاکران از راه پرسیدند که چه نشسته‌ای که غضنفر امروز پای از گلیم خود فراتر نهاده، آب از کشتزار کدخدا بر بوده و بر جالیز خود روانه ساخته است. مباشر سخت کوش و امانت‌دار! برآشفته و سبیل مبارک را تاب داده، بیل بر دوش همراه مردانی چند، آنان نیز بیل بر دوش (ایضاً)، به سوی جالیز روانه گشت. وقتی به جالیز رسید، غضنفر را دید دراز به دراز افتاده، کلاهی نمدین بر چهره نهاده، سرخوش و بی‌خیال آب را در جالیز خود رها نموده است. مباشر از بی‌خیالی وی به خشم آمد و خون مبارکش به جوش آمد. با چوبدستی‌اش، کلاه غضنفر را به سویی انداخت و با اشارتی، چاکران بیل به دست را به سوی غضنفر فرستاد. آنان نیز حق مطلب را به نیکویی به جای آورده و به شایستگی گرد و غبار از تن نحیف وی بروفتند. در این میان، ترجیع‌بند «تا تو باشی دیگر آب دزدی نکنی» یک لحظه از دهان گران‌قدر مباشر قطع نمی‌شد. غضنفر گنگ و بی‌رمق به گوشه‌ای خزید. همین که هوشیاری‌اش را باز یافت، به یاد آورد چندی پیش، کدخدا از کنار جالیز ارد می‌شد، با صدای نازبایش متصل، حرف‌های صد تا یک‌غاز می‌زد در آخر هم گفت: به سبب سفری که در پیش دارم نوبت آبیاری زمینم را با تو جابه‌جا می‌کنم. غضنفر که با کدخدا رودربایستی داشت تا آمد چیزی بگوید کدخدا راهش را کشید و رفت و کلمات انگار در دهان غضنفر ماسید. اکنون کدخدا به سفر رفته بود و مباشر تهی مغزش، نابهنگام همچون عذابی بر سر وی نازل گشته بود. در این لحظه غضنفر به یاد این جمله معروف افتاد که:

«دو چیز طیره عقلست دم فروبستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی»

## درس پنجم مهر و وفا

نمایه درس

محتوا : خواجه حافظ شیرازی، غزل، سؤال و جواب، پیوند و صمیمیت با آفریدگار

### هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با حافظ، غزل و شعر غنایی (علم)
- ۲ درک صحیح و خوانش متن درس با لحن مناسب (عمل)
- ۳ تقویت محبت و دوستی و علاقه‌مندی عاشقانه نسبت به خداوند (ایمان)
- ۴ تقویت رفتارهای محبت‌آمیز و صمیمی نسبت به پدیده‌های هستی (اخلاق)
- ۵ کاربرست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۶ توانایی درک پیام‌های آموزشی و اخلاقی درس (تفکر)

### روش تدریس پیشنهادی

- روش کارایی گروه
- روش پرسش و پاسخ
- روش بارش فکری و ...

### رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، نسخه کاملی از دیوان حافظ، عکس، فیلم و اسلایدهای مرتبط با زندگی حافظ، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

## جستاری در متن

غزلیات حافظ یکی از آشناترین سروده‌ها در نزد ایرانیان و فارسی‌زبانان است. این امر به مدد ویژگی‌هایی است که در سخن ایشان تنیده شده است. برخی از این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: قدرت تصویر، شورآفرینی، استفاده گسترده از مضامین ابتکاری (خواجه مضامین شاعران گذشته را با بهترین بیان و غالباً بهتر از بیان خودشان ادا کرده است. چه مضامین شعرای عرب و چه شعرای فارسی زبان پیش از خود مثل سعدی و چه شعرای معاصر خودش مثل خواجه و سلمان ساوجی که مضمونی را از آنها گرفته و زیباتر از بیان آنها، آن را ادا کرده است.)، کم‌گویی و گزیده‌گویی، شیرینی بیان، روانی و صیقل‌زدگی الفاظ، موسیقی گوش‌نواز، رسایی بیان، کاربست کنایه، ایهام، طنازی و... از ویژگی‌های این شاعر گرانمایه است.

عنوانی که برای غزل ۲۳۱ دیوان حافظ بر اساس نسخه دکتر قاسم غنی و محمد قزوینی برگزیده شده، «مهر و وفا» است. وزن غزل «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» همراه با آرایه «سؤال و جواب» و در بحر مضارع مثنی‌اخر سروده شده است.

## درنگی در کارگاه درس پژوهی

۱ خُلد (بهشت)، عشرت (خوش‌گذرانی)، شیرو (راهن، دزد، آن که در شب رود)

۲ ساده : غم، رسم، وفا، کار، خیال، راه، نظر، نسیم، نوش، لعل، عزم و ...

مشتق : بندگی،

مرگب : مهرورز، خویروی، شیرو، گمراه، دلبر.

توجه : الزامی در تکمیل همه ردیف‌های جدول نیست. در ستون «مشتق» فقط یک کلمه مشتق جای می‌گیرد.

۳ بیت کلمات قافیه : سَر- بَر، ردیف : آید

بیت پایانی : کلمه قافیه : سر؛ ردیف : آید

۴ بیت اول : «برآید» به معنای : امکان‌پذیر باشد، جلوه‌گر شود، طلوع کند.

بیت چهارم : «بوی» به معنای : رایحه، آرزو.

۵ بیت سنایی با بیت آخر غزل حافظ ارتباط مفهومی دارد. هر دو بیت بر گذرا بودن و ناپایداری

حالت‌های غم و شادی و خوشی و ناخوشی دلالت دارند.

گنج حکمت (راز داری)



## اسرار التوحید

ابوسعید ابوالخیر از مشهورترین عرفا و پیران طریقت است که گفته‌ها و مجالس او فیض بخش مریدان وی و پویندگان طریقت در همهٔ ادوار بوده است. محمد بن منور از نوادگان بوسعید کتابی در شرح احوال و اقوال نیای خویش مدون ساخته که به اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، مشهور است. این کتاب از متون فارسی ارزشمند نیمهٔ دوم قرن ششم هجری است که هم از جهت تثر فارسی و هم محتوای عرفانی آن حائز اهمیت است. رازداری یکی از آموزه‌های پیران راهنما به مریدان خود بوده است. در این حکایت نیز با این آموزه روبه رو هستیم. مولانا از قول پیامبر(ص) می‌فرماید :

گفت پیغمبر هر آن کو سر نهفت زود گردد با مراد خویش جفت

## درس ششم

### عینی نوشتن

نمایه درس

نوشتن مثل مجسمه سازی است. با گذشت زمان آن را می تراشی و بالاخره چیزی از آن درمی آوری. لحظه های نوشتن، لحظه های با ارزشی است.

محتوا: این درس به چگونگی نگارش نوشته های عینی (دیداری یا حسی) به بهره گیری از حواس پنج گانه می پردازد.

مثل نویسی  
گسترش مثل از راه بازآفرینی

کارگاه نگارش  
۱ انتخاب موضوع، طرح، پرسش، شناسایی و سازماندهی پرسش ها و آفرینش متن تحلیل و ارزشیابی نوشته های دیگران

متن و تصویر  
در این درس آموزش مراحل نوشته های عینی به شرح زیر آمده است:  
۱ پرسش سازی  
۲ شناسایی و جدا کردن پرسش های عینی  
۳ گزینشی و سازماندهی پرسش ها

## هدف های آموزشی

- ۱ تقویت توانایی به کارگیری حواس پنج گانه در نوشتن متن های عینی.
- ۲ آشنایی با مفهوم نوشته های محسوس، دیداری و واقعی.
- ۳ تقویت توانایی بهره گیری از پرسش و پاسخ های عینی در نوشتن موضوعات عینی.
- ۴ تقویت توانایی سامان دهی پرسش های عینی و ذهنی.
- ۵ ایجاد نگرش مثبت به طرح پرسش کلی و جزئی در سامان دهی پرسش ها به منظور تولید یک نوشته

عینی.

۶ ایجاد علاقه‌مندی و نگرش مثبت نسبت به بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی در پاسخگویی به پرسش‌ها.

## روش تدریس پیشنهادی

یکی از ویژگی‌های کتاب نگارش دهم (و مهارت‌های نوشتاری متوسطه اول) این است که روش‌های تدریس به گونه‌ای مستتر در متن درس آمده و اغلب درس‌ها روشمندند. در این درس نیز برای نوشتن متن‌های عینی روشی در متن درس گنجانده شده است. مراحل این شیوه به شرح زیر است :

### مرحله اول : پرسش‌سازی

روش‌های گوناگونی برای پرسش‌سازی وجود دارد. یکی از این روش‌ها به شرح زیر است :  
در مرحله اول می‌توان برای پرسش‌سازی از قیدهای پرسشی بهره گرفت. سپس بر اساس برخی از آنها پرسش‌سازی آغاز می‌گردد.

مرحله اول : پرسش‌سازی	
۱	چه؟
۲	چرا؟
۳	چگونه؟
۴	آیا؟
۵	کی؟
۶	چه کسی؟
۷	کجا؟
۸	چه وقت؟
۹	چيست؟

	نمونه :
۱	چرا مردم ایران خانه‌های خود را با قالی تزین می‌کنند؟
۲	نخ‌های قالی چگونه رنگ‌آمیزی می‌شوند؟
۳	آیا قالی‌ها هم می‌توانند پرواز کنند؟
۴	چرا قالی‌بافان از نقشه استفاده می‌کنند؟
۵	قالی‌های نفیس بیشتر کجا یافت می‌شوند؟
۶	آیا می‌توان تصاویر قالی شکارگاه را به صورت داستان نوشت؟
۷	بزرگ‌ترین آرزوی قالی‌ها چیست؟
۸	قالی چیست؟
۹	چگونه می‌توان احساس بافنده قالی را دریافت کرد؟
۱۰	نقشه‌های متنوع قالی ایرانی نشانگر چیست؟
۱۱	قدیمی‌ترین قالی جهان کدام است؟
۱۲	چرا بافندگان قالی اسم خود را بر روی قالی می‌نویسند؟
۱۳	عبارت «هرکس قالی زندگی خود را خود می‌بافد» یعنی چه؟
۱۴	انسان‌ها قبل از پیدایش قالی از چه چیزی به عنوان زیرانداز استفاده می‌کردند؟
۱۵	مهد قالی جهان کجا است؟
۱۶	قالی‌بافی چه تأثیری بر اقتصاد خانواده‌ها دارد؟

### مرحله دوم : شناسایی و جدا کردن پرسش‌های عینی

در این مرحله پرسش‌های عینی و ذهنی را جدا می‌کنیم. پرسش‌هایی که پاسخ دادن به آنها با بهره‌گیری از حواس ظاهری انجام می‌شود عینی و پرسش‌هایی که با بهره‌گیری از ذهن و خیال پاسخ داده می‌شوند، در حوزه ذهنی قرار می‌گیرند.



	نمونه :	
عینی	۱ مهد قالی جهان کجا است؟	
عینی	۲ نخ‌های قالی چگونه رنگ‌آمیزی می‌شوند؟	
ذهنی	۳ آیا قالی‌ها هم می‌توانند پرواز کنند؟	
عینی	۴ چرا قالی‌بافان از نقشه استفاده می‌کنند؟	
عینی	۵ قالی‌های نفیس بیشتر کجا یافت می‌شوند؟	
ذهنی	۶ آیا می‌توان تصاویر قالی شکارگاه را به صورت داستان نوشت؟	
ذهنی	۷ بزرگ‌ترین آرزوی قالی‌ها چیست؟	
عینی	۸ قالی چیست؟	
ذهنی	۹ چگونه می‌توان احساس بافته قالی را دریافت کرد؟	
ذهنی	۱۰ نقشه‌های متنوع قالی ایرانی نشانگر چیست؟	
عینی	۱۱ قدیمی‌ترین قالی جهان کدام است؟	
عینی	۱۲ قالی‌بافی چه تأثیری بر اقتصاد خانواده‌ها دارد؟	
ذهنی	۱۳ عبارت «هرکس قالی زندگی خود را خود می‌بافد» یعنی چه؟	
عینی	۱۴ انسان‌ها قبل از پیدایش قالی از چه چیزی به عنوان زیرانداز استفاده می‌کردند؟	

مرحله سوم :

الف) گزینش : پس از مشخص کردن پرسش‌های عینی به منظور جلوگیری از طولانی شدن متن از بین این پرسش‌ها چند پرسش را که از اهمیت و جذابیت بیشتری برخوردارند انتخاب می‌کنیم. ضمناً پرسش‌هایی را انتخاب می‌کنیم که درباره آنها اطلاعات کافی داشته باشیم :

	نمونه :	
عینی	چرا قالی بافان از نقشه استفاده می کنند؟	۱
عینی	نخ های قالی چگونه رنگ آمیزی می شوند؟	۲
عینی	قالی چیست؟	۳
عینی	مهد قالی جهان کجا است؟	۴
عینی	جنس قالی چیست؟	۵

### مرحله سوم :

ب) سازماندهی پرسش ها : در این مرحله پرسش ها را سازماندهی می کنیم و طبق یک نظم منطقی آنها را مرتب می کنیم و به آنها پاسخ می دهیم. حرکت از کل به جزء و از چارچوب و طرح کلی به سمت خصوصیات ریزتر است.

	نمونه :	
عینی	قالی چیست؟	۱
عینی	جنس قالی چیست؟	۲
عینی	نخ های قالی چگونه رنگ آمیزی می شوند؟	۳
عینی	چرا قالی بافان از نقشه استفاده می کنند؟	۴
عینی	مهد قالی جهان کجا است؟	۵

و در مرحله نهایی بر اساس پاسخ پرسش ها، متنی خلق می گردد.

## جستاری در متن

در این درس شایسته است نمونه‌های متعددی از نوشته‌های عینی در کلاس درس خوانده شود. «برگ‌های نارنج انبوه کلاس را تاریک می‌کرد تازه تخته سیاه را با نم‌پاره کثیفی پاک کرده بودند. ذرات گچ در فضای اتاق موج می‌زد و در ریه‌های ما می‌رفت. هنوز آقای معلم نیامده بود...» (شلوارهای وصله دار، رسول پرویزی)

## درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

استفاده از روش طرح سؤال موجب دست‌ورزی دانش‌آموزان در تولید پرسش‌هایی مرتب و مناسب و تقویت مهارت تفکر آنان می‌شود. در این فعالیت می‌توان از روش‌های پرسش و پاسخ و بارش فکری بهره گرفت. در طرح پرسش‌ها لازم است به نکته‌های زیر توجه شود :

- رعایت سیر منطقی نوشته
- طرح پرسش‌های اساسی و جامع
- توجه به ارتباط طولی پرسش‌ها
- فراگیران پس از خوانش متن‌ها آنها را بر پایه سنجه‌های ارائه شده ارزیابی می‌کنند.

## مثل‌نویسی

■ کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد. (درس ششم)

■ فرصت نیکی به تو داده شده بود اما کاری نکردی، پس بدان که نوبت بی‌مهری به تو نیز می‌رسد.

«در واقع می‌توانیم این‌طور بگوییم که این ضرب‌المثل به نوعی اشاره به این دارد که از هر دستی که بدهی از همان دست هم می‌گیری. اینکه در برابر دیگران هر طوری که رفتار کنی، همان‌طور هم جواب می‌گیری. اما داستان این ضرب‌المثل طبق آنچه که حسن ذوالفقاری در کتاب «داستان‌های امثال» آورده این است که.....»

«در دامنه دو کوه بلند، دو آبادی بود، «بالاکوه» و «پایین کوه». از میانه آن دو کوه چشمه‌ای روان بود که به هر دو آبادی می‌رفت و زمین‌های آنها را سیراب می‌کرد.

این ماجرا ادامه داشت تا اینکه ارباب ده «بالاکوه» تصمیم می‌گیرد برای به دست آوردن زمین‌های ده پایین و البته سلطه به مردم آن، راه چشمه را به پایین کوه ببندد.

با این اتفاق زمین‌های ده پایین کم‌کم خشک شدند و مردم به نشانه اعتراض همراه با کدخدا به ده «بالاکوه» رفتند؛ اما ارباب آن ده در جواب این اعتراض‌ها گفت یا رعیت او شوند یا تا ابد بی آب خواهند ماند و گفت: بالاکوه مثل ارباب است و پایین کوه مثل رعیت. این دو کوه هرگز به هم نمی‌رسند. من ارباب هستم و شما رعیت!

مردم ده پایین از این پیشنهاد و این حرف ناراحت شدند، چند روزی گذشت تا اینکه تصمیمی گرفتند. به پیشنهاد کدخدای ده، بیل و کلنگ را برداشتند و زمین را کندند و قنات حفر کردند. با این کار آب چشمه دوباره به زمین‌های آنها راه پیدا کرد و کم‌کم چشمه بالا کوه خشک شد. خبر به ارباب بالاکوه رسید. چاره‌ای جز تسلیم ندید. به ده پایین رفت و گفت: شما با این کار چشمه ما را خشک کردید. اگر می‌توانید سر یکی از قنات‌ها را به طرف ده ما برگردانید. کدخدای ده پایین گفت: اولاً؛ آب از پایین به بالا نمی‌رود، بعد هم یادت هست که گفתי: کوه به کوه نمی‌رسد. تو درست گفתי: کوه به کوه نمی‌رسد اما آدم به آدم می‌رسد.»

## درس هفتم رستخیز عظیم

نمایه درس

محتوا : قیام امام حسین (ع) و یاران وفادارش در واقعه سترگ کربلا

### هدف های آموزشی

- ۱ شناخت بیشتر حماسه بزرگ کربلا و حماسه سازان آن (علم)
- ۲ تقویت علاقه نسبت به امام حسین (ع)، خاندان و یاران با وفایش (ایمان)
- ۳ پرورش زمینه های آگاهی نسبت به ظلم ستیزی و امر به معروف و نهی از منکر (عمل)
- ۴ آشنایی با محتشم کاشانی و ترکیب بند مشهور ایشان (علم)
- ۵ تقویت خوانش رسای متن با لحن مناسب (عمل)
- ۶ تقویت کاربست آموزه های محتوای درس در فعالیت های نوشتاری، گفتاری و عملی (عمل)
- ۷ درک و دریافت مفاهیم و معانی متن (تفکر)

### روش تدریس پیشنهادی

- روش کارایی گروه
- روش بحث گروهی
- روش واحد کار

### رسانه های آموزشی

کتاب درسی، نوار صوتی، عکس، بخش فیلم درباره واقعه عظیم کربلا، بهره گیری از پایگاه های اطلاع رسانی مناسب و....

## جستاری در متن

کمال الدین علی محتشم کاشانی در نوجوانی به مطالعه علوم دینی و ادبی معمول زمان خود پرداخت و اشعار شاعران گذشته ایران را به دقت مورد بررسی قرار داد. شعرهای او درباره رنج و درد امامان شیعه است. مطلع «باز این چه شورش است...» که از محتشم کاشانی نراقی است در میان هواداران شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد. شاعران بسیاری پس از محتشم تاکنون از ترکیب‌بند یادشده در شعرها و نوحه‌هایشان سود برده‌اند. وی با سرودن دوازده بند در مرثیه کشتگان کربلا که بند اول ترکیب‌بند وی با بیت:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

آغاز می‌شود، مقام والایی در مرثیه سرایی کسب کرد.

«محتشم» در دوازده بند خود واقعه کربلا را به قیامتی مانند کرده است که بدون آنکه اسرافیل در صور بدمد قیامتی به پا می‌شود. او چون بر احادیث اسلامی احاطه کامل دارد حالت‌های پدیدار شدن قیامت را شرح می‌دهد «آفتاب از مشرق طلوع می‌کند و در تمام عالم شور قیامت پدید می‌آید و زلزله بزرگی در زمین رخ می‌دهد».

## درنگی در کارگاه درس پژوهی

۱ مترادف: عظیم، بزرگ،/ هم‌خانواده: عظمت، تعظیم، معظم/ مترادف: محرم، ناشایست،

هم‌خانواده: احرام، حرمت، تحریم/ مترادف: اشرف، مهتر/ هم‌خانواده: شریف، شرف، شرافت.

۲ پیام عاشورا از زمره پیام‌هایی است که گستره حضوری و خطابی آن بسیار فراتر از آن چیزی است

که در برهه‌ای خاص از تاریخ اتفاق افتاده باشد. شناخت این پیام‌ها در حفظ و نگه‌داری این واقعه عظیم می‌تواند ما را در پاسداشت آن یاری رساند:

■ شعارهای حاکم بر عاشورا در زمان وقوع و مراحل مقدماتی آن،

■ شخصیت‌های صحنه کربلا

■ تداوم عاشورا در خاطره و قلب جمعیت‌های بسیار و در مدت زمانی طولانی.



تابلوی عصر عاشورا اثر محمود فرشچیان

## کمال‌الدین علی محتشم کاشانی



کمال‌الدین علی محتشم کاشانی دارای لقب شمس‌الشعرای کاشانی شاعر ایرانی در آغاز سده ده هجری و در دوره پادشاهی شاه طهماسب صفوی در کاشان زاده شد، بیشتر دوران زندگی خود را در این شهر گذراند و در همین شهر هم در ربیع الاول سال ۹۹۶ هجری درگذشت. نام پدرش خواجه میراحمد بود. محتشم ابتدا شاعری قصیده‌پرداز و مدیحه‌سرا بود، با سرودن ترکیب‌بند معروف عاشورایی خویش خورشید درخشان آسمان مرثیه‌سرایی گردید تا جایی که شاعران صاحب ذوقی چون «صبحاحی بیدگلی»، «وصال شیرازی» و «میرزا محمود فدایی» که طولانی‌ترین ترکیب‌بند عاشورایی ادب فارسی را در بیش از چهار هزار بیت سروده است از سبک او پیروی کرده‌اند.

وی در جوانی به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت و به مناسبت قصیده و غزل‌های زیبایش مورد لطف شاه قرار گرفت؛ محتشم پس از مدتی در زمره شعرای معروف عصر خود جای گرفت ولی نظر به معتقدات دینی خود و احساسات شیعی دربار شاهان صفوی که درصدد تقویت این مذهب بودند به سرایش اشعار مذهبی و مصائب اهل بیت که در نوع خود تازه و بی‌بدیل بود، پرداخت. محتشم پس از چندی به یکی از بزرگ‌ترین شعرای ایران در سبک اشعار مذهبی و مصائب ائمه اطهار شیعه بدل گشت و اشعارش در سرتاسر ایران معروفیت خاصی یافت، به طوری که می‌توان وی را معروف‌ترین شاعر مرثیه‌گوی ایران دانست که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی به وجود آورد. اولین اشعار مذهبی محتشم در سوگ غم مرگ برادرش بود که ابیات زیبایی در غم هجر او سرود و پس از آن به سرایش مرثیه‌هایی در واقعه جانسوز کربلا، عاشورای حسینی و مصیبت‌نامه‌های مختلف پرداخت.

محتشم در کاشان درگذشت و آرامگاه وی در این شهر – واقع در محله محتشم – زیارتگاه عموم است. یکی از اقدامات ارزشمند اخیر مسئولان فرهنگی کاشان در معرفی این شاعر پرآوازه برگزاری نخستین جایزه ادبی محتشم کاشانی است.

مجموعه آثار این شاعر بزرگ عصر صفوی، پس از مرگ او، توسط یکی از شاگردانش در شش کتاب جمع شد، که مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات، مثنویات و ترکیب‌بندهای وی است.

## کنج حکمت (حیات بخش دل‌ها)

«تفسیر یوسف علیه‌السلام» شرح و تفسیری عارفانه از سوره یوسف، به زبان فارسی، توسط احمدبن محمدبن زید طوسی، از دانشمندان قرن هفتم هجری است. این کتاب در شصت مجلس برای گروهی از متعلمین املا شده و نام اصلی‌اش «الستین الجامع للطائف البساتین» است. مطالب کتاب با دیدی عارفانه و با نثری روان و شیوا در شصت فصل تنظیم شده که نام کتاب نیز خود گویای بخش‌های شصت‌گانه آن است. شیوه نگارش کتاب، ساده و روان و شیواست. جمله‌ها کوتاه و رساست. واژه و ترکیب نامستعمل در آن نیست و اگر هست اندک است. بسامد تکرار فعل‌ها را می‌توان مشاهده کرد. نویسنده به آوردن مترادفات گرایشی چندان ندارد و سجع، موازنه و تقابل را گاهی رعایت می‌کند. یوسف یا یوسیف، یک نام پسرانه عبری است. این نام به صورت ژوزف، جوزف، یوزپ و... در زبان‌های دیگر وارد شده است. یوسف را به معنی «او می‌افزاید»، ذکر کرده‌اند.

در بند آغازین این متن نویسنده با تشبیه قرآن کریم به آب روان و بیان وجه‌شبه‌های آن می‌پردازد و توجه تام به کلام خداوند را مورد توجه قرار می‌دهد. در بند دوم دل‌سپاری به خداوند و معامله با ایشان را از دلایل توجه خلق به آدمی می‌داند.



## درس هشتم

# نوشته‌های گزارش گونه

نمایه درس

یا چیزی بنویس که قابل خواندن باشد یا کاری کن که قابل نوشتن باشد.

محتوا : آموزش نوشته‌های گزارش گونه به عنوان یکی از انواع نوشته‌های ذهنی

### مثل نویسی

طراوت بخشیدن به ذهن  
تقویت نوآفرینی و خلاقیت

### کارگاه نگارش

۱ انتخاب موضوع و خلق  
نوشته‌ای با بهره‌گیری از شیوه  
پرسش و پاسخ سازی  
۱ ارزیابی نوشته‌ها بر اساس  
سنجش‌های درس

### متن و تصویر

در این درس به یکی از انواع  
نوشته‌های عینی اشاره دارد.  
گزارش، نمونه نوشته عینی  
است که در طی دو مرحله  
آموزش داده می‌شود :  
□ طرح پرسش‌های گوناگون  
عینی.  
□ گزینش و سازماندهی پرسش‌ها

## هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با نوشته‌های گزارش گونه.
- ۲ آشنایی با کاربرد نوشته عینی در گزارش نویسی.
- ۳ آشنایی با استفاده از روش پرسش سازی در گزارش نویسی.
- ۴ تقویت توانمندی در کاربرد واژگان متناسب با فضای حاکم بر نوشته.
- ۵ ایجاد نگرش مثبت نسبت به نگارش نوشته‌های عینی.

## روش تدریس پیشنهادی

### روش تدریس گروه‌های مکمل

در درس چهارم تأکید بر «پرسش‌سازی» و طرح پرسش‌هایی مناسب است. برای آموزش نوشتن گزارش که نوعی از نوشته عینی است، به شرح زیر عمل می‌کنیم:

### آموزش از طریق گروه‌های مکمل

**گام اول:** گروه بندی: دانش‌آموزان به صورت گروه‌های شش نفره تقسیم می‌شوند و هر گروه خود به دو گروه «الف» و «ب» تقسیم می‌گردند.

**گام دوم:** ارائه کاربرگ: دو کاربرگ مختلف در اختیار داریم. «کاربرگ شماره یک» و «کاربرگ شماره دو». کاربرگ‌ها را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم. کاربرگ شماره یک:

در کاربرگ شماره یک، سه موضوع برای گزارش نویسی مشخص شده است (نکته بسیار مهمی که در انتخاب موضوع گزارش باید به آن توجه کنیم این است که انتخاب موضوعات باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان به آن احاطه کامل داشته باشند و مکان و فضای مورد نظر را دیده و درباره آن اطلاعات کافی داشته باشند).

اعضای گروه یکی از موضوعات را به دلخواه انتخاب نموده و درباره آن هشت تا ده پرسش عینی طرح می‌کنند. سپس پرسش‌ها را ساماندهی می‌کنند و به آنها پاسخ می‌دهند. کاربرگ شماره دو:

در زمانی که اعضای «گروه الف» در حال طرح پرسش و پاسخگویی به پرسش‌ها هستند کاربرگ شماره دو نیز در اختیار «گروه ب» قرار می‌گیرد.

در این کاربرگ گزارشی وجود دارد. اعضای گروه ب باید پرسش‌هایی را که ممکن است گزارش بر اساس این پرسش‌ها شکل گرفته باشد از دل این گزارش استخراج نموده بر روی کاربرگ ثبت نمایند.

**گام سوم:** نوشتن متن: اکنون هر یک از گروه‌های الف و ب باید بر اساس پرسش‌های کاربرگ خود متنی گزارش‌گونه بنویسند.

کاربرگ شماره یک اکنون حاوی پرسش و پاسخ‌هایی پیرامون یک موضوع است که در اختیار گروه ب قرار می‌گیرد و اعضای گروه بر اساس این پرسش و پاسخ‌ها نوشته‌ای گزارش‌گونه می‌نویسند.

در همین زمان صفحه دوم کاربرد شماره دو (که تنها حاوی پرسش‌ها و پاسخ‌های گروه ب است) در اختیار گروه الف قرار می‌گیرد و آنان بدون اینکه نوشته گزارش‌گونه را ببینند تنها بر اساس پرسش و پاسخ گروه «ب» نوشته‌ای گزارش‌گونه می‌نویسند.

**گام چهارم : خوانش متن در گروه :** در این مرحله با نظارت معلم نوشته‌های گروه الف و ب در گروه شش نفره مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

### درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

از آنجایی که روش پرسش‌سازی در تولید متن‌های عینی در درس گذشته، انجام شد، این بخش نیازی به ارائه پاسخ و توضیح ندارد.

### مثل‌نویسی

**بار کج به منزل نمی‌رسد. (درس هشتم)**

«انسان از نادرستی و دروغ و فریب و ریا طرفی برنمی‌بندد» (امینی، ۸۳)

«یکی از شاهزادگانی که به سعدی شیرازی ارادت داشت، محرمانه از شاهزاده خانم خویش به وی شکایت کرد که همه ساله برای من سه قلو می‌آورد و از او علاج خواست. سعدی راه‌حلی نشان داد که شاهزاده خانم را سخت برآشفته ساخت و فرمان داد او را از شهر اخراج کنند. شیخ بار سفر بست و زاد و توشه سفر را در یکتای خورجین و تای دیگر را خالی گذاشت. آن‌گاه خورجین را روی الاغ انداخت، ولی از هر طرف که خورجین را می‌انداخت، آن طرفی که پر بود، سنگینی می‌کرد و به زمین می‌افتاد. شاهزاده خانم که از پنجره قصر این ماجرا را می‌نگریست، به سعدی بانگ زد و گفت : بار کج به منزل نمی‌رسد. چرا وسایلت را مساوی در هر دو طرف خورجین نمی‌گذاری تا تعادل برقرار شود و بارت به زمین نیفتد؟ سعدی گفت : از ترس شما؛ زیرا من هم جز آنچه شما گفته‌اید، نگفتم ولی شما امر کردی مرا از شهر بیرون کنند.

## درس نهم دریادلان

نمایه درس

**محتوا:** جنگ تحمیلی، دفاع مقدس، ویژگی‌ها و انگیزه‌های رزمندگان، شهادت طلبی، شهید سید مرتضی آوینی

### هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با ادبیات انقلاب اسلامی و شهید آوینی (علم)
- ۲ نگرش مثبت به ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی (ایمان)
- ۳ تقویت رفتارهای دلاورانه در برابر تجاوز دشمنان (اخلاق)
- ۴ توانایی خوانش متن درس با لحن و آهنگ مناسب (عمل)
- ۵ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته‌های کلیدی متن (تفکر)
- ۶ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل).

### روش تدریس پیشنهادی

- بحث گروهی
- کارایی گروه
- روشن سازی طرز تلقی و ...

### رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، نوار صوتی، عکس، بخش‌هایی از فیلم روایت فتح، اسلایدهای مرتبط با شهید آوینی و آثار او، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع رسانی مناسب و ...

## جستاری در متن

نثر روایی آوینی به طور عام ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر آثار مشابه متمایز می‌کند. به نظر می‌رسد بخشی از این ویژگی‌ها در نتیجه رویکرد شهودی و اشرافی آوینی به هنر و به ویژه ادبیات شکل گرفته است و باز تولید آنها توسط دیگران به راحتی میسر نخواهد بود. در مقابل، بخش دیگری از ویژگی‌های روایی نثر آوینی را می‌توان از طریق مقایسه آنها با شیوه‌های روایی به کار رفته در آثار کلاسیک ادبیات فارسی و چارچوب‌های تحلیلی روایت‌شناسان غربی مورد شناسایی و ارزیابی سبک شناختی قرار داد. هوش داستانی آوینی از یک سو و انس وی با قرآن و برخی آثار ادبیات فارسی همراه با شیوه‌های روایی مؤثر از سوی دیگر، به وی این امکان را داده است که از روایت به عنوان وسیله‌ای کارآمد برای تبیین دیدگاه‌های خود و انتقال مؤثر آنها به مخاطبان استفاده کند. هوش داستانی، قدرت تعمیم در قالب گونه‌پردازی ترکیبی، انتخاب زمان روایت متناسب با اهداف بیانی، موشکافی در شخصیت‌پردازی‌های فردی و کل نگری در شخصیت‌پردازی‌های گروهی و سرانجام افزودن بر غنای درون‌مایه با استفاده از نمادهای آشنای مذهبی را می‌توان هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ آماری، از ویژگی‌های برجسته نثر روایی آوینی برشمرد.

## درنگی در کارگاه درس پژوهی

- ۱ مقصود از «گروه کلمه» دو یا چند واژه است که یکی از روابط زیر میان آنها وجود داشته باشد :  
 الف) هسته و صفت : تقدیر تاریخی، صف دراز  
 ب) هسته و مضاف الیه : نخلستان‌های حاشیه الوند، جلیقه‌های نجات، مراقب قرب، معرکه قلوب، فضای نفوس  
 پ) رابطه عطف : واژه‌هایی که میان آنها «واو» عطف به کار می‌رود، اغلب یکی از رابطه‌های معنایی در آنها به چشم می‌خورد :  
 ترادف : رعب و وحشت/ تضاد : جزر و مد، فقر و غنا/ تضمن : جبهه و خاکریز/ تناسب : شناورها و قایق‌ها
- ۲ نمونه‌های جمع مکسر در این درس عبارت‌اند از : وسوسه / وسایل ← وسیله / خطوط ← خط / قلوب ← قلب / طلبه ← طالب / جنود ← جند / نفوس ← نفس / مراتب ← مرتبه و ...
- ۳ بولدورچی
- ۴ انس گرفتن با خاک : کنایه از تواضع و فروتنی و بندگی خدا  
 راه داشتن به جایی ← اجازه ورود داشتن

۵ جمله: «در معرکه قلوب مجاهدان خدا، آرامشی که حاصل ایمان است»، به آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» اشاره دارد.

## آگاهی‌های فرامتنی

سید مرتضی آوینی در شهریور ۱۳۲۶ در شهر ری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در شهرهای زنجان، کرمان و تهران گذراند. او از کودکی به هنر انس داشت، شعر می‌سرود، داستان و مقاله می‌نوشت و نقاشی می‌کرد.

در سال ۱۳۴۴ به عنوان دانشجوی معماری وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. معماری را با علاقه زیاد یاد گرفت ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) بنا به ضرورت‌های انقلاب، آن را کنار گذاشت و به فیلم‌سازی پرداخت.

او در گروه فیلم‌سازی جهاد سازندگی به کار مشغول شد. شهید آوینی می‌گوید: «انگیزش درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیونی جهاد سازندگی جمع آمده بودند، آنها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاند، نه وظایف و تعهدات اداری. روح کارمندی نمی‌توانست در این عرصه منشأ فعل و اثر باشد. گروه‌های فیلم‌برداری ما، با همان انگیزه‌هایی که رزم‌آوران را به جبهه کشانده بود، کار می‌کردند. اینجا عرصه‌ای نبود که فقط پای تکنیک و یا هنر در میان باشد».

هرچند آشنایی با سینما در مدت بیش از ده سال مستندسازی و تجربه‌های او در زمینه کارگردانی مستند و به خصوص موتتاژ، باعث شد که قبل از هر چیز به سینما بپردازد، ولی فکرها و حرف‌هایش بیشتر از اینها بود. او در کنار تألیف مقاله‌های نظری درباره ماهیت سینما و نقد سینمای ایران و جهان، مقالات متعددی در مورد حقیقت هنر، هنر و عرفان، هنر جدید اعم از رمان، نقاشی، گرافیک، تئاتر، هنر دینی و سنتی، هنر انقلاب و... تألیف کرد که بیشتر آنها در «ماهنامه سوره» به چاپ رسید. شهید آوینی در بیستم فروردین ۱۳۷۲ در حال بررسی ساخت فیلم مستند «شهری در آسمان» در اثر اصابت ترکش مین در منطقه فکه به شهادت رسید.

## کنج حکمت (آنچه گویی، هوش دار)

سعدی در باب هشتم گلستان (در آداب صحبت) درباره خطر اخلاقی و اجتماعی سخن چینی، مخاطبان را از زشت کاری غیبت برحذر می‌دارد. وی در جای دیگر می‌فرماید:

هر که عیب دگران پیش تو آرد و شمرد،      بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد  
نعوذ بالله اگر خلق غیب دان بودی      کسی به حال خود از دست کس نیاسودی

## درس دهم

### نوشته های ذهنی (۱): جانشین سازی

لحظاتی وجود دارد که می نشینیم  
تا چیزی برای نوشتن پیدا کنیم، این لحظات خیلی دردناک است  
مثل این است که یک شمع کف دستان گذاشته ایم.

محتوا : بهره گیری از روش جانشین سازی برای خلق نوشته های ذهنی

مثل نویسی  
بازآفرینی و گسترش مثل

کارگاه نگارش  
نوشتن موضوعی با استفاده از  
روش جانشین سازی  
ارزیابی نوشته ها بر اساس  
سنجش های درس

متن و تصویر  
قرار دادن خود به جای موضوع  
یا پدیده ای دیگر و از نگاه آن  
پدیده یا موضوع نگریستن به  
جهان پیرامون.  
در این جانشینی باید عواطف،  
حس و حال، نوع نگرش، لحن  
کلام و شیوه بیان متناسب با  
موضوع باشد. مانند نوشتن از  
آفتاب از زبان یخ.  
به همین منظور پیش از نوشتن  
باید اطلاعات و شناخت کلی  
درباره چیستی، ویژگی ها و  
کارکرد موضوع به دست آورده  
شود.

## هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با نوشته‌های ذهنی.
- ۲ تقویت نگارش متن‌هایی به کمک قدرت توانایی ذهن و خیال.
- ۳ تقویت توانایی تشخیص نوشته‌های ذهنی و عینی.
- ۴ تقویت توانمندی بهره‌گیری از روش جانشین‌سازی در نوشتن متن‌های ذهنی.
- ۵ تقویت توانایی توجه به نکات نادیده و ناشکفته موضوع از طریق جانشین‌سازی.
- ۶ ایجاد نگرش مثبت نسبت به امکان ایجاد ظرفیت‌های جدید برای نوشتن از طریق جانشین‌سازی.
- ۷ آشنایی با انسجام معنایی و زبانی در متن

## روش تدریس پیشنهادی

### روش بدیعه پردازی

با توجه به عنوان درس (جانشین‌سازی) می‌توان برای تولید نوشته از روش بدیعه‌پردازی بهره جست. این روش بر بنیان پنج مرحله بنا نهاده می‌شود و یکی از مراحل آن جانشین‌سازی است. روش بدیعه‌پردازی از روش‌های الگوی پردازش اطلاعات است. این الگو به وسیله «ویلیام گوردن» و دستیاران وی (۱۹۶۱) طراحی شده است. عنصر اصلی در این روش استفاده از قیاس‌هاست که به وسیله آن، موضوعی معمولی و آشنا با شیوه‌ای نو بررسی و بیان می‌گردد. برای نوشتن متنی درباره «زمستان» با بهره‌گیری از روش بدیعه پردازی به شیوه زیر عمل می‌کنیم:

### مرحله نخست: توصیف شرایط حاضر یا موجود

در مرحله نخست دانش‌آموزان موضوع مورد نظر را توصیف می‌کنند. به همین منظور معلم دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند تا شرایط یا موقعیت پدیده‌ای را آن‌چنان که دیده و حس کرده‌اند توصیف کنند به گونه‌ای که تصویر کاملی از آن ارائه دهند.

✓ زمستان سرد و سپید است.

✓ آخرین فصل سال است.

✓ سه ماه دارد.

✓ روزهای آن کوتاه و شب‌های بلند است.

✓ بارش برف زمستانی طبیعت را زیبا می‌کند.



- ✓ بارش باران زمستانی همه جا را پاک و تمیز می‌کند.
- ✓ پایان زمستان به بهار منتهی می‌شود.
- ✓ نام اولین شب زمستان یلدا است.

### مرحله دوم : قیاس مستقیم

در این مرحله معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که دست به قیاس مستقیم بزنند. گاه معلم مفهوم یا نمونه مورد قیاس را ارائه می‌دهد و گاه دانش‌آموزان خود آن را انتخاب می‌کنند. نمونه از سوی معلم معرفی می‌شود :

- ✓ زمستان مانند زنی است که گرد سپید پیری بر موهایش نشسته است.
- ✓ زمستان همچون حلقه‌ای پاییز را به بهار وصل می‌کند.
- ✓ نفس سرد زمستان همانند آه سردی، طبیعت را منجمد می‌کند.
- ✓ زمستان دانه‌های برف را که همچون مرواریدهای صدف هستند به عنوان هدیه برای زمین می‌فرستد.

### مرحله سوم : قیاس شخصی (جانشین‌سازی)

در مرحله حاضر معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد خودشان را به جای مفهوم مورد نظر قرار دهند و از زبان او سخن بگویند و احساساتش را بیان کنند.

- ✓ از اینکه با آمدنم پرندگان کوچ می‌کنند و به جاهای گرمسیر کوچ می‌کنند، غمگینم.
- ✓ وقتی سر و روی شهر را می‌شویم و همه جا پاک و تمیز می‌شود خوشحال می‌شوم.
- ✓ لحظات زیبای ریزش دانه‌های سپید مروارید بر سر زمین مرا به وجد می‌آورد.
- ✓ درختان با تکان دادن سر شاخه‌هایشان، از من به خاطر لباس‌های سپیدی که برایشان فرستاده‌ام قدردانی می‌کنند.

- ✓ دیدن خواب زمستانی حیوانات برایم کسالت بار است.
- ✓ گاهی که خشمگین می‌شوم، با سر و صدا و هیاهو توفان به راه می‌اندازم.
- ✓ از گریه عاشقانه‌ام باران‌های سیل‌آسا و از گریه غمگینانه‌ام رگبار و از دل‌تنگی‌هایم تگرگ حاصل می‌شود.
- ✓ و ...

### مرحله چهارم : تعارض فشرده (هماورد ناسازها)

در این مرحله معلم از دانش آموزان می خواهد بر اساس توصیف های ارائه شده در قیاس شخصی مفاهیم متضاد را ارائه نمایند و سپس از میان این قیاس ها بهترین را انتخاب کنند.

✓ ساکت و پرهیاهو

✓ آرام و بی قرار

✓ خشمگین و مهربان

### مرحله پنجم : بررسی مجدد تکلیف اولیه

در این مرحله فراگیران به مسئله یا تکلیف اولیه برمی گردند و درباره موضوع زمستان نوشته ای خلق می کنند.

بالاخره زمستان از راه رسید همراه کاروانی از ابرهای سفید و خاکستری. همان طور که روی یکی از ابرها لم داده بود، از بالا نگاهی به آخرین برگ های نارنجی باغ ها انداخت. دست های بزرگش را در کوله بارش برد تا ببیند ننه سرما چه چیزهایی را برایش توشه راه کرده است.

اول دستش به چند دست لباس سفید بلند که برای کاج ها آماده شده بود برخورد کرد بعد هم چند گردنبند بلند مروارید نشان را دید که هر کدام از آنها می توانست یک شهر را از برف سفیدپوش کند.

کوله بار را زیر و رو کرد مثل همیشه ننه سرما هدیه های زیادی برای همه فرستاده بود چیزهایی که هواخوان از آن سردر نمی آورد. او تنها فرزند ننه سرما بود و «هواهو» نامی بود که ننه سرما برای او انتخاب کرده بود.

در کیسه را بست و آن را داخل یکی از ابرها پیچید و کنار گذاشت. هواهو خسته شد، خمیازه ای کشید و شهر پر شد از نفس سرد او. ناگهان در گوشه ای از آسمان فوجی از پرستوهای مهاجر را دید که یکباره دسته جمعی به سوی آسمان اوج گرفتند، انگار از دست او فرار می کردند. کودکان از سرما، بازی را رها کردند و به خانه ها پناه بردند. مردها پنجره ها را بستند و زن ها سراغ لباس های زمستانی رفتند. بخار سفیدی از دودکش خانه ها بلند شد.

هواهو نگاهش به کوه ها افتاد. خرس قهوه ای سلانه سلانه و خواب آلود به سمت غار می رفت تا خواب زمستانی اش را با خیال راحت آغاز کند.

به پنجره هایی که یکی پس از دیگری بسته می شد نگاه کرد. چشمش به یک پنجره نیمه باز افتاد و جوانی را دید که با چشمانی غمگین به ابرها خیره شده بود و با خود شعری را زمزمه می کند. هواهو دیگر طاقت نیاورد و زد زیر گریه. از گریه عاشقانه اش بارانی در گرفت.

## درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

طبقه‌بندی نوشته‌ها در دو قلمرو عینی و ذهنی تقریباً نسبی است. معیار تعیین نوع نوشته (عینی، ذهنی) فضای حاکم بر نوشته است. مثلاً ممکن است نوشته‌ای با نگاه عینی آغاز شود اما با نگرش ذهنی بسط و گسترش یابد. بنابراین شرط تعیین نوع و نام‌گذاری، توجه به فضای عمومی نوشته و غلبه آن نوع است. مفهوم ذهنی یا عقلی در مقابل مفهوم دیداری و عینی قرار می‌گیرد و به مفاهیمی گفته می‌شود که قابل لمس با حواس پنج‌گانه نیستند و تنها در عالم ذهن می‌توان آنها را درک کرد، مانند: ترس، شجاعت، امید، آرزو و غرور. از مفاهیم عینی می‌توان به پروانه، درخت و گل اشاره کرد.

## آگاهی‌های فرامتنی

در این درس به مثل سحرخیز باش تا کامروا شوی اشاره شده است که به روش‌های گوناگونی می‌توان این مثل را گسترش داد. برای شکستن ذهنیت‌های پیشین و ورود به عرصه‌های نوین، تکنیک‌های بسیاری ابداع گردیده است که متداول‌ترین آنها تفکر موازی است. واضع این شیوه ادوارد دو بونو روش معمول تفکر را همانند حفر گودالی توصیف می‌کند که با افزایش اطلاعات فرد، همان گودال را عمیق‌تر می‌سازد و از دیدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می‌ماند. درحالی‌که تفکر موازی نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می‌سازد و اطلاعات و تجربه‌های جدید صرفاً به اندیشه‌های قبلی افزوده نمی‌شود، بلکه آنها را تغییر داده و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می‌کند. به عنوان نمونه مثل «اگر با ماه نشینی ماه شوی، با دیگ نشینی سیاه شوی» با بهره‌گیری از تفکر موازی بازآفرینی گردیده است.

## ماه‌رویان و دیوخیان

در دوره‌ای به نام دوره ماهانیان، در زمان‌های خیلی دور و در دهی بسیار دورتر مردمی می‌زیستند. روستای آنان از یک سو به کوهستان و از سوی دیگر به دره‌ای مخوف مشرف بود. مردمی که در سمت کوهستان می‌زیستند به ماه‌رویان شهره بودند و گروهی که در سمت دره خانه داشتند، به دیگ‌خیان معروف بودند.

ماه‌رویان را از آن روی بدین نام می‌خواندند که خلق و خوی نیک و همچون ماه ایشان بر چهره‌هایشان مؤثر واقع گردیده بود و همگی خوش‌رو، خوش‌مشرَب و خوش‌گفتار شده بودند و خلاصه جملگی خوشی‌های روزگار، به یکبارگی در آنان جمع گردیده بود.

در سوی دیگر ده، گروهی دیو سیرت و دیو سیما می‌زیستند، خلق و خوی آنان نیز در حد کمال بر سیمایشان اثر گذاشته بود. به این گروه «دیوروی» می‌گفتند. با گذشت زمان نام این گروه از «دیوروی» به «دیگ‌روی» مبدل گشت. وقتی مسافری قصد سفر به ده ایشان را داشت به او نصیحت می‌کردند که اگر با ماه نشینی ماه شوی و اگر با دیگ نشینی سیاه شوی که در این مثل مراد از ماه همان ماه‌رویان و دیگ همانا دیگ‌رویان بودند که شرح آن برفت.

## مثل نویسی

■ سحرخیز باش تا کامروا شوی (یا: شب خیز باش تا کامروا باشی) (درس دهم)

سحرخیزان البته موفق هستند.

داستان این مثل را وروانی در مرزبان نامه (ص ۲۴۶) چنین آورده است: «دستور گفت: شنیدم که بوذرجمهر بامداد به خدمت خسرو شتافتی و او را گفتی: شب‌خیز باش تا کامروا باشی. خسرو به حکم آنکه به معاشرت و معاشرت در سماع اغانی و اجتماع غوانی شب گذاشته بودی و با ماه‌پیکران تا مطلع آفتاب بر ناز بالش تنعم سر نهاده، از بوذرجمهر به سبب این کلمه پاره‌ای متأثر و متغیر گشتی و این معنی همچون سرزنی دانستی. یک روز خسرو چاکران را بفرمود تا به وقت صبحی که دیده جهان از سیاه ظلمات و سپیده نور نیم‌گشوده باشد و بوذرجمهر روی به خدمت نهد، متنکروار بر وی زند و بی‌آسویی که رسانند، جامه او بستانند. چاکران به حکم فرمان رفتند و آن بازی در پرده تاریکی شب با بوذرجمهر نمودند. او باز گشت و جامه دیگر بپوشید؛ چون به حضرت آمد، بر خلاف اوقات گذشته، بیگاه ترک شده بود. خسرو پرسید که موجب دیر آمدن چیست؟ گفت: می‌آمدم، دزدان بر من افتادند و جامه من بردند، من به ترتیب جامه دیگر مشغول شدم. خسرو گفت: نه هر روز نصیحت تو این بود که: شب‌خیز باش تا کامروا باشی؟ پس این آفت به تو هم از شب‌خیزی رسید. بوذرجمهر بر ارتجال جواب داد: شب‌خیز دزدان بودند که پیش از من برخاستند تا کام ایشان روا باشد. خسرو از بداهتِ گفتار به صواب و حضورِ جواب او خجل و ملزم گشت.»

## درس یازدهم رستم و اشکبوس

نمایه درس

محتوا : ادبیات حماسی، شاهنامه فردوسی، رزم پهلوانی، دفاع از سرزمین در برابر دشمنان خارجی

### هدف های آموزشی

- ۱ آشنایی با نمونه ای از داستان های حماسی (پهلوانی) شاهنامه فردوسی (علم)
- ۲ تقویت روحیه ایثار و مبارزه تا پای جان در راه وطن و میهن دوستی (باور)
- ۳ تقویت توانایی استنباط پیام ها و نکته های برجسته متن (تفکر)
- ۴ تقویت نگرش مثبت نسبت به ارزش های دلاورانه و میهن دوستانه (اخلاق)
- ۵ تقویت توانایی خوانش متن درس با لحن و آهنگ مناسب (عمل)
- ۶ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته های کلیدی شعر (تفکر)
- ۷ کاربرست آموزه های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل).

### روش تدریس پیشنهادی

- بحث گروهی
- ایفای نقش
- روشن سازی طرز تلقی و ...

### رسانه های آموزشی

کتاب درسی، نوار صوتی، عکس، نمایش فیلم ها و پویانمایی های مطرح از داستان های مرتبط با رزم های رستم، بهره گیری از پایگاه های اطلاع رسانی مناسب و ...

## جستاری در متن

پس از مرگ فرود و شکست‌های پی‌درپی سپاه ایران از سپاه توران که در پایان منجر به محاصرهٔ ایرانیان در کوه هماون گردید، سپاه ایران به ناچار رستم را به یاری فراخواند. با ورود رستم به میدان نبرد و گفته‌های امیدوارکنندهٔ او با نیروهای خودی و سخنان او با اشکبوس و کاموس و چنگش (یکی از پهلوانان سپاه افراسیاب که به دست رستم کشته می‌شود)، پیروزی‌های تورانیان در دامان کوه هماون گسسته می‌شود و سرآغاز پیروزی‌هایی برای ایرانیان می‌گردد و پایانش شکست و نابودی دشمن است که منجر به کشته شدن افراسیاب فرمانروای مقتدر توران زمین می‌شود.

رستم با ورود خود به اردوگاه ایرانیان آنها را دلداری می‌دهد و مانند همیشه آنها را به یاری خداوند یکتا امیدوار می‌کند. سپس رستم و همراهانش جهت رفع خستگی، شب را به استراحت می‌پردازند. با طلوع خورشید رستم به بالای کوه می‌رود تا دشمن را ارزیابی کند و راه مبارزه با آنها و آرایش نیروهای خودی را تدارک بیند. رستم از دیدن انبوه دشمن بی‌شمار شگفت‌زده می‌شود و با خود می‌گوید:

فراوان سپه دیدم از این ندیدم که لشکر بدی بیش از این

سپاه ایران و توران (باهم پیمانانش) آرایش نظامی می‌گیرند و سپاه توران با فرماندهی خاقان چین با سروصدای فراوان طبل و کوس و کرنا ی گوش فلک را کر می‌کنند.

پهلوان دلیری از همراهان خاقان چین با تاخت و تاز اسب رو به روی سپاه ایران می‌آید و از مردان ایران هم‌اورد می‌خواهد تا با او سواره به نبرد تن‌به‌تن پردازد و برای پایین آوردن روحیهٔ ایرانیان به رجزخوانی روی می‌آورد.

رهام، پسر گودرز، سپهسالار ایران به میدان نبرد می‌شتابد و با اشکبوس با تیر و کمان به جنگ می‌پردازد. تیرهای رهام بر زره اشکبوس کارگر نمی‌افتد و ناچار دست در گرز می‌برد و بر سر اشکبوس می‌زند؛ این کار نیز بر کلاه‌خود اشکبوس کارگر نمی‌افتد. اشکبوس دست برگزگران می‌برد و کلاه‌خود را بر سر رهام خرد می‌کند. رهام در خود یارای پایداری در برابر اشکبوس نمی‌بیند؛ از برابر او فرار می‌کند و به سوی کوه هماون می‌رود. توس سپهبد از فرار رهام ناراحت می‌شود و اسبش را به حرکت در می‌آورد تا به مبارزه با اشکبوس رود. رستم ناراحت و خشمگین می‌شود که چرا پس از فرار رهام پهلوان دیگری به مبارزه با دشمن نمی‌رود تا سپهبد پیر ایران به ناچار به میدان رود. رستم کمان را بر بازو می‌افکند و چند تیر را بر بند کمر می‌زند و با تیری از چوب خدنگ به سوی اشکبوس می‌تازد. اشکبوس که در حال جولان با اسب بود و فریادهایی از سر پیروزی سر می‌داد؛ رستم را به سوی خود برای نبرد تن‌به‌تن فرا می‌خواند. رستم با کردار و گفتاری استوار، متین و خردورزانه و با تیراندازی دقیق و کشتن اسب اشکبوس و با سخنان طنزآمیز و

ملا متگرانه، بند دل اشکبوس را پاره می‌کند و ترس را بر سراسر وجود او چیره می‌گرداند تا اینکه پس از این گفت‌وگو با اشکبوس تیری بر سینه او می‌زند که در دم می‌میرد. پس از مردن اشکبوس، رستم آرام و استوار بدون شادی و نازیدن به خود به سوی جایگاه خود حرکت می‌کند و سران تورانیان را به اندیشه و حیرت و ترس فرو می‌برد و کاموس و خاقان را از خواب خودخواهی و غرور مستی بیدار می‌کند :

چو برگشت رستم هم‌اندر زمان	سواری فرستاد خاقان دمان
کزان نامور تیر بیرون کشید	همه تیر تا پرش در خون کشید
میان سپه تیر بگذاشتند	مر آن تیر را نیزه پنداشتند
چو خاقان چین پرو پیکان تیر	نگه کرد، بُرنا دلش گشت پیر
به پیران چنین گفت کاین مرد کیست؟	ز گردان ایران ورا نام چیست؟
تو گفتی که لختی فرومایه‌اند	ز گردن کشان کمترین پایه‌اند
کنون نیزه با تیرایشان یکی ست	دل شیر در جنگشان اندکیست

### کالبد شکافی متن درس

۱ خروش سواران و اسپان زدشت      ز بهرام و کیوان، همی برگذشت

خروش : بانگ، فریاد، نعره // بهرام : سیّاره مریخ. // کیوان : سیّاره زُحل.  
 بهرام و کیوان، مجازاً آسمان. // اغراق : مصراع دوم، صدا از آسمان می‌گذشت.  
 مراعات نظیر : سواران و اسپان، بهرام و کیوان. // واج آرایی : تکرار حرف «ش» و صدای «ا».  
 معنی : فریاد سواران و صدای اسپان دشت، از آسمان می‌گذشت. (بیانگر غلغله و غوغای صحنه نبرد).

۲ همه تیغ و ساعد ز خون بود، لعل      خروشان دلِ خاک، در زیر نعل

لعل : سرخ، سرخگون.  
 جناس ناهمسان (ناقص) : لعل و نعل. // اغراق : مصراع دوم. // تشخیص : دل خاک خروشان بود.  
 در حقیقت، جان بخشی به خاک یا زمین زیر سم اسپان است.  
 معنی : شمشیر و بازوی سپاهیان از خون، سرخ رنگ شده بود. زمین در زیر نعل اسپان نالان بود.  
 (همه جا خونین بود و زمین به فغان آمده بود).

۳ برفتند از آن جای، شیران نر عَقاب دلاور برآورد پَر

جناس ناهمسان (ناقص): پَر و نَر / مراعات نظیر: پَر و عَقاب / کنایه: پَر برآوردن (به سرعت به حرکت درآمدن)

معنی: از شدت هیاهو و غوغای صحنه نبرد، شیرها و عقاب‌ها هم از آنجا گریختند  
توجه: در شاهنامه چاپ خالقی مطلق (بخش دوم، دفتر سوم، ص ۵۳) مصراع دوم چنین آمده: «عقاب دلاور بیفکند پَر». استاد خالقی در توضیحات این مصراع، نوشته است: پرافکندن عقاب، کنایه از به تنگ آمدن و ناتوان شدن عقاب و گریختن از آسمان میدان نبرد است.

۴ نماند ایچ با روی خورشید، رنگ به جوش آمده خاک، بر کوه و سنگ

■ تشخیص: روی خورشید.

■ جناس ناهمسان (ناقص): سنگ و رنگ.

■ اغراق: به جوش آمدن خاک.

■ کنایه: رنگ در روی کسی نماندن (ترسیدن)، به جوش آمدن (به حرکت و جنبش در آمدن).

معنی: خورشید هم از ترس، رنگ باخت (به وحشت افتاد). خاک هم از وحشت و گرمای جنگ، بر کوه و سنگ به جوش درآمده بود.

۵ به لشکر، چنین گفت کاووس گُرد که گر آسمان را بیاید سپُرد

۶ همه تیغ و گُرز و کُمند آورید به ایرانیان، تنگ و بند آورید

گُرد: دلیر، پهلوان. // سپُردن: طی کردن. // کاموس: یکی از فرماندهان سپاه افراسیاب  
اغراق: مصراع دوم بیت پنجم. // کنایه: تنگ آوردن (محدود کردن). // بند آوردن (گرفتار کردن، به بند کشیدن) // شبکه معنایی: تیغ و گُرز و کُمند و بند.

معنی: کاموس پهلوان به سپاه خود گفت: اگر لازم باشد، آسمان را زیر پا بگذارید.

همه، شمشیر و گُرز و طناب، بیاورید و میدان را بر ایرانیان، تنگ کنید و آنها را گرفتار و اسیر سازید.

\* این دو بیت، موقوف المعانی هستند. بیت‌هایی که با هم پیوستگی معنایی داشته باشند، «موقوف المعانی»

نام دارند.



۷ دلیری کجا نام او اشکیوس همی بر خروشید برسانِ کوس  
 کجا : که (ویژگی سبکی) // کوس : طبل بزرگ، دُهل  
 تشبیه : (تشبیه اشکیوس به کوس).  
 معنی : دلیری که نام او اشکیوس بود، همانند طبل بزرگی، بانگ و فریاد برآورد.

۸ بیامد که جوید ز ایران، نبرد سرِ هم نبرد اندر آرد به گُرد  
 مجاز : ایران (سپاه ایران).  
 کنایه : سرکسی را به گرد آوردن (شکست دادن).  
 واج آرایبی : صامت «ر».  
 معنی : اشکیوس آمد تا هم نبردی از سپاه ایران بیابد و او را شکست دهد.

۹ بشد تیز، رُهام با خُود و گُبر همی گُرد رزم اندر آمد به ابر  
 گُبر : نوعی جامه جنگی، خفتان.  
 تیز : سریع، تند.  
 بشد : رفت، روانه شد.  
 خود : کلاه فلزی که سربازان به هنگام جنگ یا تشریفات نظامی، بر سر می گذارند.  
 جناس ناهمسان (ناقص) : گُبر و ابر.  
 مجاز : ابر (آسمان).  
 واج آرایبی : صامت «ر».  
 اغراق : ادّعی بالا رفتن گرد و خاک به آسمان.  
 معنی : رُهام آن چنان شتابان با کلاه خود و لباس جنگی، روانه میدان نبرد شد که گرد و غبار جنبش او به آسمان رسید.

۱۰ برآویخت رُهام با اشکیوس برآمد ز هر دو سپه، بوق و کوس  
 برآویخت : گلاویز شد. // بوق : شیپور.  
 مراعات نظیر : کوس و بوق و سپه. // مجاز : بوق و کوس (صدای بوق و کوس).  
 معنی : رُهام با اشکیوس درآویخت و بانگ شیپور و طبل از سپاه هر دو طرف بلند شد.

۱۱ به گُرز گران، دست بُرد اشکبوس زمین آهنین شد، سپهر آبنوس

گران : سنگین، بزرگ. // آبنوس : درختی است که چوب آن سخت، سیاه، سنگین و گران بهاست. ■ تشبیه : زمین آهنین، سپهر آبنوس ( تشبیه زمین به آهن و سپهر به آبنوس. البته مراد از آبنوس در اینجا فقط رنگ تیره و سیاه آن است).

■ اغراق : مصراع دوم.

■ مجاز : زمین و سپهر به مجاز یعنی همه جا.

معنی : همین که اشکبوس گرز سنگین خود را به دست گرفت؛ زمین برای تحمّل ضربات گرز مثل آهن، سخت و آسمان تیره و تار شد. (می شود این گونه هم گفت که : همین که اشکبوس گرز عظیم خود را در دست گرفت، زمین و آسمان یکسره همچون گرز شد. یعنی زمین هم جنس آهن و آسمان هم رنگ آن شد).

۱۲ برآهیخت رُهام، گُرز گران غمی شد ز پیکار، دست سران

■ برآهیخت : بالا آورد، برکشید. //

■ غمی : خسته، فرسوده و ناتوان. //

■ سران : فرماندهان، سرداران.

معنی : رُهام گُرز سنگین خود را برآورد و آن چنان نبرد کردند که دست هر دو پهلوان از نبرد با گُرزهای سنگین، خسته و سست شد.

۱۳ چو رُهام گشت از کُشانی ستوه بیچید زو روی و شد سوی کوه

سِتوه : درمانده و مَلول، خسته، ستوه گشت : به تنگ آمد.

■ کنایه : روی بیچیدن : فرار کردن، پشت کردن و رفتن. //

■ جناس ناهمسان (ناقص) : روی و سوی.

معنی : وقتی که رُهام از نبرد با اشکبوس به تنگ آمد و نتوانست بر او چیره شود، فرار کرد و به سوی کوه روانه شد.

۱۴ ز قلب سپاه اندر آشفست طوس بزد اسب کاید بر اشکبوس

قلب : مرکز، میانه، جایگاه فرماندهی سپاه. البته یادآور می شویم که در آداب جنگ آوری قدیم، بخش های

مختلف سپاه یا لشکر، نام‌های ویژه‌ای داشتند : یمین، یسار، قلب، ساقه، طلایه.

کنایه : بزد اسب : اسب را به حرکت درآورد.

معنی : طوس (سردار ایرانی) که در مرکز سپاه ایران بود، از فرار رهام خشمگین شد و اسب خود را به حرکت درآورد تا نزد اشکبوس برود.

۱۵ تهمتن برآشفّت و با طوس گفت که رُهام را جام باده است جُفت

■ تهمتن : قوی پیکر، پهلوان ( لقب رستم بوده است). //

■ جفت : همراه، همنشین. //

■ «را» نشانه فکّ اضافه. رُهام را... جفت : جفتِ رهام (مضاف مضاف‌الیه).

■ کنایه : جفتِ جام باده بودن : کنایه از اهل عیش و نوش و خوش‌گذرانی بودن؛ همچنین کنایه از ریشخند است به این معنا که رُهام اهل رزم نیست، اهل بزم است.

■ جناس ناهمسان (ناقص) : گفت و جفت.

معنی : رستم خشمگین شد و به طوس گفت رُهام، اهل بزم است و مرد رزم نیست.

۱۶ تو قلبِ سپه را به آیین بدار من اکنون پیاده، کنم کارزار

■ واج آرایبی : صامت «ک» و مصوّت «ا».

■ معنی : رستم به طوس گفت : تو نظم و انضباط مرکز سپاه را حفظ کن (از قلب سپاه مراقبت کن)؛ من اکنون پیاده به جنگ با اشکبوس می‌روم.

۱۷ کمانِ به زه را به بازو فکّند به بند کمر بر، بزد تیر چند

■ زه : چلّه کمان،

■ به بند کمر بر : بر کمر؛ «به و بر» دو حرف اضافه برای یک متمم، ویژگی زبان فردوسی و به ویژه سبک خراسانی است.

■ کمانِ به زه : معمولاً پس از تیراندازی، زه کمان را باز می‌کردند تا کمان، قابلیت ارتجاعی خود را از دست ندهد و هنگامی که به تیراندازی نیاز داشتند، زه را در کمان می‌نهادند.

■ مراعات نظیر : کمان، زه، تیر. //

■ واج آرای: صامت «ب».

معنی: رستم کمان به زه شده و آماده را بر بازو افکند و چند تیر بر کمر بند خود قرار داد.

۱۸ خروشنید: کامی مردِ رزم آزمای هم‌آوردت آمد، مشو باز جای

■ هم‌آورد: حریف، هم نبرد. //

■ باز: به طرف، به سوی. //

■ مشو باز جای: بایست، فرار نکن، سوی جایگاه خودت بازنگرد.

■ مرجع ضمیر «ت»: اشکبوس، منظور از «مرد رزم آزمای» اشکبوس. //

■ رزم آزمای: صفت فاعلی مرکب است که پایانش افتاده است، رزم آزماینده، جنگجو.

معنی: رستم فریاد زد و گفت: ای مرد جنگجو، هم رزم تو به میدان آمد، فرار مکن.

\* توجه: از ویژگی‌های حماسی، فراوانی گفت‌وگو و پرسش و پاسخ میان جنگاوران و رجزخوانی است که معمولاً با هدف خوار داشت و ایجاد ضعف و شکاف در روحیه رزم‌آوران و سپاه دشمن است. این ویژگی در بیت‌های ۱۲ تا ۳۳ دیده می‌شود.

۱۹ کُشانی بخندید و خیره بماند عَنان را گِران کرد و او را بخواند

■ خیره: شگفت زده، متعجب. //

■ عَنان: افسار، دهنه اسب. //

■ مرجع ضمیر «او»: رستم. //

■ کنایه: عَنان گران کردن: کنایه از توقف کردن و ایستادن، متوقف کردن اسب.

قلمرو فکری: معنی: اشکبوس کُشانی خندید و از کار رستم شگفت زده شد. افسار اسب را کشید و ایستاد و رستم را صدا زد.

۲۰ بدو گفت خندان: که نام تو چیست؟ تن بی سرت را که خواهد گریست؟

مرجع ضمیر «او و تو» رستم است. گوینده بیت اشکبوس و مخاطب آن رستم است.

در مصراع دوم مفهوم «طنز و ریشخند» دیده می‌شود و کنایه از این است که به زودی تو را خواهم کشت. معنی: اشکبوس با حالت تمسخر، به رستم گفت که نام تو چیست؟ برای تن بی سر تو چه کسی گریه

خواهد کرد؟

۲۱ تهمتن چنین داد پاسخ که نام چه پُرسی کزین پس نبینی تو کام

■ کام : مجازاً مراد، آرزو، قصد، نیت.

■ مرجع ضمیر «تو» اشکبوس است.

■ جناس ناهمسان (ناقص) : نام و کام.

معنی : رستم چنین پاسخ داد که نام مرا چرا می‌پرسی؟ زیرا تو ناکام خواهی مرد؛ پس از این، به آرزویت نمی‌رسی.

آرزوی اشکبوس : کشتن رستم و پیروزی بر او بود.

۲۲ مرا مادرم نام، مرگ تو کرد زمانه مرا پُتکِ ترگِ تو کرد

■ ترگ : کلاه خود. //

■ پُتک : ابزاری مانند چکش بزرگ فولادین،

■ مرجع ضمیر «م» رستم و مرجع ضمیر «تو» اشکبوس است.

■ نوع حرف «را» در مصراع اول : فکّ اضافه، مرا مادرم نام مرگ تو کرد : مادرم نام مرا مرگ تو کرد.

■ جناس ناهمسان (ناقص) : مرگ و ترگ. //

■ تشبیه : رستم به پتک تشبیه شده است.

■ تشخیص : در مصراع دوم (زمانه یا تقدیر).

■ مجاز : ترگ (سر)

■ واج آرایي : صامت «م، ر»

■ در بیت طنز دیده می‌شود.

معنی : مادرم مرا مرگ تو نامید (اسم من، مرگ تو است) و روزگار مرا مثل پتکی قرار داده تا بر سر تو فرود آیم.

(تقدیر تو این است که به دست من، کشته شوی).

۲۳ کشانی بدو گفت : بی بارگی به کشتن دهی سر، به یکبارگی

باره : اسب. // بی بارگی : بدون اسب بودن، پیاده و بی اسب.

■ مجاز : سر (وجود).

معنی : اشکبوس به رستم گفت : بدون اسب، خودت را به یک باره به کشتن خواهی داد.

۲۴ تهمتن چنین داد پاسخ بدوی : که ای بیهوده مرد پرخاش جوی

۲۵ پیاده، ندیدی که جنگ آورد سرِ سرکشان، زیر سنگ آورد؟

پرخاش جو : جنگجو، صفت مرکب است.

کنایه : سر به زیر سنگ آوردن : کشتن و نابودی.

■ جناس ناهمسان (ناقص) : جنگ و سنگ.

■ واج آرایي : صامت «س».

■ بیت استفهام انکاری دارد.

معنی : رستم این گونه به اشکبوس پاسخ داد که ای بی خاصیت جنگجوی؛

تو تا کنون ندیده‌ای که کسی پیاده جنگ کند و افراد نافرمان را نابود کند؟

\* منظور از مصراع دوم بیت نخست «اشکبوس» است. این دو بیت، موقوف المعانی هستند.

۲۶ به شهر تو، شیر و نهنگ و پلنگ سوار اندر آیند، هر سه به جنگ

■ مراعات نظیر : شیر، نهنگ و پلنگ.

■ واج آرایي : حرف «ن».

■ گونه‌ای تشبیه پنهان در بیت، به کار رفته است. یعنی رستم، خود را به شیر و نهنگ و پلنگ مانند کرده

و می‌گوید دلیل پیاده آمدن من هم همین است.

معنی : آیا در سرزمین شما شیر و پلنگ و نهنگ سواره به جنگ می‌روند؟

رستم به طور پوشیده و پنهان خود را به شیر و نهنگ و پلنگ تشبیه کرده است.

۲۷ هم اکنون تو را ای، نبرده سوار پیاده بیاموزمت کارزار

■ نبرده : کارآموده، ماهر.

■ «ت» در «بیاموزمت» نقش مفعولی دارد، یعنی به تو می‌آموزم.

■ تضاد : سوار و پیاده

■ طنز و ریشخند در لحن بیت آشکار است. «نبرده سوار» در اینجا برابر بیان امروزی «پهلوان پنبه» است.

معنی : ای سوار کارآموده و جنگجو، من اکنون پیاده جنگیدن را به تو یاد می‌دهم.

۲۸ پیاده مرا زان فرستاده، طوس که تا اسب بستانم از اشکبوس

■ و اج آراییی : صامت «س».

■ مصراع دوم بیانگر طنز، خوار داشت و تحقیر است.

معنی : طوس به این دلیل مرا پیاده فرستاده است که اسب اشکبوس را از او بگیرم.

۲۹ کُشانی پیاده شود، همچو من ز دو روی، خندان شوند انجمن

■ انجمن : جمعیت، مجاز از سپاهیان.

■ تشبیه : در مصراع اوّل.

■ و اج آراییی : صامت «ن».

معنی : کُشانی مثل من پیاده می‌شود و از دو سمت، سپاهیان بر او خواهند خندید.

۳۰ پیاده، به از چون تو پانصد سوار بدین روز و این گردش کارزار

■ تشبیه : در مصراع اوّل.

■ تضاد : پیاده و سوار.

■ در این بیت طنز دیده می‌شود.

■ اغراق : رستم ادّعا می‌کند که پانصد سوار جنگجو، ارزش یک نفر پیاده را ندارد. معادل «یکی مرد

جنگی به از صد سوار».

معنی : در این روز و چنین صحنه نبردی، یک جنگجوی پیاده، بهتر از پانصد سوار مثل تو است.

منظور از پیاده، رستم است.

۳۱ کُشانی بدو گفت : با تو سلیح نبینم همی جز فُسوس و مزیح

■ مزیح : شوخی، مُمال (کوتاه شده) مزاح.

■ فُسوس : مسخره کردن، ریشخند.

■ سلیح : افزار جنگ، مُمال سلاح.

معنی : کُشانی به رستم گفت : با تو سلاحی به جز مسخره کردن و شوخی نمی‌بینم.

۳۲ بدو گفت رستم که تیر و کمان      ببین تا هم اکنون، سرآری زمان

■ کنایه : زمان سر آوردن (به پایان رسیدن عمر).

شبکه معنایی : تیر و کمان. // جناس ناقص : کمان و زمان.

معنی : رستم به اشکبوس گفت : تیر و کمان مرا ببین تا هم اکنون با همین، تو را نابود کنم و عمرت به پایان برسد.

۳۳ چو نازش به اسب گرانمایه دید      کمان را به زه کرد و اندر کشید

گرانمایه : قیمتی، ارزشمند؛ ساختمان واژه مرکب است.

معنی : وقتی رستم دید که اشکبوس به اسب ارزشمندش می‌نازد، کمان را آماده کرد و کشید.

۳۴ یکی تیر زد برِ اسبِ اوی      که اسبِ اندر آمد ز بالا به روی

■ جناس همسان (تام) : بین « بر » (حرف اضافه) و « بر » به معنای پهلوی، سینه.

معنی : رستم تیری بر پهلوی اسب اشکبوس زد، به طوری که اسب با صورت به زمین خورد و سرنگون شد.

۳۵ بخندید رستم، به آواز گفت :      که بنشین به پیش گرانمایه جُفت

■ جناس ناهمسان (ناقص) : گفت و جفت.

■ در بیت «طنز» به کار رفته است.

معنی : رستم به حالت ریشخند و با صدای بلند به اشکبوس گفت اکنون پیش همدم گران قدر خودت بنشین. منظور از «جفتِ گرانمایه» اسب اشکبوس است.

۳۶ سِزد گربرداری، سرش در کنار      زمانی برآسای از کارزار

■ کنار : آغوش.

■ برآسایی : آرام‌گیری، استراحت کنی.

بیت «طنز» دارد.

معنی : شایسته است که سر اسب را در آغوش‌گیری و لحظاتی از جنگ آسوده شوی و استراحت کنی.



۳۷ کمان را به زه کرد زود اشکبوس تنی، لرز لرزان و رُخ، سَندروس

- سَندروس : صمغی زرد رنگ (در اینجا زرد بودن رنگ مورد نظر است).
  - تشبیه : «رُخ» به «سندروس» تشبیه شده است.
  - واج آرایي : صامت «ز، ر».
  - کنایه : سندروس شدن رخ : کنایه از ترسیدن، به وحشت افتادن.
- معنی : اشکبوس فوراً، کمان خود را آماده تیراندازی کرد، در حالی که تنش از شدت ترس می‌لرزید و چهره‌اش زرد شده بود.

۳۸ به رستم بر، آنگه بیارید تیر تهمن بدو گفت : بر خیره خیر

۳۹ همی رنجه داری تن خویش را دو بازوی و جان بد اندیش را

- خیره خیر : بیهوده
  - استعارهٔ مکنیه : بیارید تیر (تیر به باران تشبیه شده و چون کلمه باران نیامده، اما یکی از ویژگی‌های آن آمده، این تشبیه به یک استعاره مکنیه تبدیل شده است).
  - اغراق : باریدن تیر.
  - به رستم بر : دو حرف اضافه برای یک متمم (ویژگی سبک خراسانی)
- معنی : اشکبوس آنگاه، تیرهای فراوانی به طرف رستم، پرتاب کرد. رستم به او گفت : بیهوده، جسم و بازوان و جان پلید خود را خسته می‌کنی.
- \* با بیت بعد موقوف المعانی است.

۴۰ تهمن به بندِ کمر، بُرد چنگ گُزین کرده یک چوبه تیر خَدنگ

- چوبه : واحد شمارش «تیر».
  - خَدنگ : چوبی سخت و محکم که از آن تیر و نیزه سازند.
- معنی : رستم به کمر بند خود دست برد و یک چوبه تیر از جنس چوب خَدنگ انتخاب کرد.
- ۴۱ یکی تیر الماس پیکان، چو آب نهاده بر او، چار پَر عقاب
- الماس پیکان : دارنده پیکان پولادین، پیکان بُزان و تیز.

■ تشبیه : مصراع اوّل.

تیری بزنده و مانند آب، درخشان، که بر آن چهار پر عقاب بسته بود.  
توجه : معمولاً برای آنکه تیر، پس از رها شدن، راست و به سرعت برود و منحرف نشود، به انتهای آن  
پر عقاب می‌بستند.

۴۲ کمان را بمالید رستم، به چنگ به شست اندر آورده، تیر خدنگ

■ شست : انگشترمانندی از جنس استخوان که در انگشت شست می‌کردند و در وقت کمان داری، زه  
کمان را با آن می‌گرفتند.

■ چنگ : دست (مجاز).

معنی : رستم کمان را در دست گرفت و با شست، تیر خدنگ را آماده پرتاب کرد.

۴۳ بزد بر بر و سینه اشکبوس سپهر آن زمان، دست او داد بوس

جناس همسان (تام) : بر (حرف اضافه) و بر (پهلوی).

■ واج آرایي : صامت‌های «ب، س».

■ تشخیص : در مصراع دوم (بوسه زدن آسمان بر دست رستم).

■ کنایه : دست کسی را بوسیدن (تشکر و قدردانی).

■ اغراق : در مصراع دوم.

معنی : رستم به پهلوی و سینه اشکبوس تیر زد و آن لحظه آسمان دست او را بوسید.

۴۴ کُشانی، هم اندر زمان جان بداد چنان شد، که گفتی ز مادر نژاد

■ کنایه : جان دادن (مردن).

■ اغراق : در جان دادن اشکبوس به طوری که هرگز زاده نشد.

■ واج آرایي : صامت «ن».

معنی : اشکبوس در دم (فوراً) جان داد، گویی که هرگز از مادر زاده نشده است.

\* تذکر :

این درس را نمونه وار، بیت به بیت در سه قلمرو، بررسی کرده‌ایم. نیکوتر و علمی‌تر آن است که تمام متن  
را یک جا بخوانیم و سپس آن را در سه قلمرو از سه دیدگاه، کالبدشکافی کنیم. به ویژه، رعایت این نگاه

در قلمرو فکری، ضرورت بیشتری دارد؛ چون سامانه فکری هر اثر، فضای عمومی آن را سامان می‌دهد. به بیان دیگر، فکر جای گرفته در یک اثر، در همه سرزمین آن، جاری است. درست است که هر بیت، رگه‌ای از فکر اصلی شاعر یا نویسنده را با خود دارد؛ اما روح کلی چیره بر حال و هوای متن را باید با نگاه کلی به پیکره متن، دریافت و بازگو کرد.

## درنگی در کارگاه درس پژوهی

۱ گرز : عمود آهنین، کوبال.

شبکه معنایی : تیغ و گرز و کمند.

کیوان : نام دیگر سیاره زحل.

شبکه معنایی : بهرام و کیوان و آسمان و زمین.

۲ الف : را ← فک اضافه : نام من

ب) را ← حرف اضافه : برای

ج) را ← نشانه مفعول

۳ به بند کمر بر، به رستم بر. ( آوردن دو نشانه متمم «حرف اضافه» برای یک اسم).

۴ واژه‌های کوتاه شده (مُمال) درس : سلیح و مزیح.

۵ بیت‌های اول و دوم و چهارم. نمونه‌های اغراق :

همی گرد رزم اندر آمد به ابر      بشد تیز رهام با خود و گبر

بدین روز و این گردش کارزار      پیاده به از چون تو پانصد سوار

سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟      به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ

که بنشین به پیش گران مایه جُفت      بخندید رستم، به آواز گفت :

۶ برای نمونه می‌توان چهار بیت آغازین متن را به عنوان شاهد مثال ارائه کرد.

۸ زیرا رهام در جنگ با اشکبوس درمانده شده و به سوی کوه فرار کرده بود. این پهلوان (!) اهل بزم بود تا رزم.

نمونه‌های اغراق، خارج از کتاب درسی :

اگر چه نقش دیوارم به ظاهر از گران خوابی      اگر رنگ از رخ گل می‌پرد، بیدار می‌گردم (صائب)

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران      کز سنگ ناله خیزد، روز وداع باران (سعدی)

هر شب‌نمی در این ره، صد بحر آتشین است      دردا که این معّا شرح و بیان ندارد (حافظ)  
 بیابانی آمدش ناگاه پیش ز تابیدن مهر پهناش بیش (اسدی)  
 آن فرومایه هزار من سنگ بر می‌دارد و طاقت یک حرف نمی‌آرد. (سعدی)

۷ عنان را گران کردن : ایستاندن اسب، نگه داشتن، متوقف کردن اسب.  
 سر هم نبرد به گرد آوردن : شکست دادن و نابود کردن حریف جنگی، مغلوب کردن.

### کنج حکمت (عاقبت مردم آزاری)

این حکایت از باب نخست کتاب گلستان برگزیده شده است و بر پرهیز از آزار رسانی و ستم تأکید دارد.  
 جمله‌های قابل تأمل حکایت عبارت‌اند از :  
 مجال انتقام نبود : فرصت انتقام گرفتن نداشت/ملک = پادشاه/ از جاهت اندیشه می‌کردم = از مقامی که  
 تو داشتی می‌ترسیدم/ چون نداری ناخن... = هنگامی که قدرت نداری و نمی‌توانی با زورمندان در آویزی،  
 بهتر است که با آنها کمتر درگیر شوی/ هر که با پولاد بازو... = هر کسی که با زورمندی درافتاد، خودش را  
 به زحمت انداخته است./ باش تا دستش بیندد... = صبر کن تا روزگار و سرنوشت او را گرفتار کند، آن  
 زمان برای شادکامی دوستان نابودش ساز.

## درس دوازدهم

### نوشته های ذهنی (۲) سنجش و مقایسه

نویسندگی خلاق می تواند به التیام لطمه های گذشته کمک کند و احساسات افراد را به حالت عادی برگرداند، همچنین می تواند فشار روحی را کاهش، درد را تسکین و روحیه را تغییر دهد.

محتوا : بهره گیری از روش مقایسه به منظور خلق نوشته های ذهنی

مثل نویسی

فضاسازی

تولید مضمونی نو تخیل

کارگاه نگارش

انتخاب موضوع و خلق نوشته

با بهره گیری از روش سنجش  
و مقایسه

ارزیابی نوشته ها بر اساس سنجش های  
درس

متن و تصویر

این درس به برقراری پیوند بین  
پدیده ها، کشف روابط بین آنها،  
درک شباهت ها و تفاوت های  
آنها و درک روابط معنایی  
موضوعات بر اساس قیاس  
اشاره دارد.

در نوشتن عینی دو پدیده را  
که در یک طبقه قرار دارند،  
مقایسه می کنیم، ولی برای ذهنی  
نوشتن می توان موضوعاتی را  
با یکدیگر مقایسه کرد که هیچ  
سنخیتی با یکدیگر ندارند.

## هدف های آموزشی

۱. آشنایی با روش سنجش و مقایسه در نوشتن متن های ذهنی.
۲. تقویت توانایی برقراری پیوند بین موضوع نوشته با موضوعات دیگر و کشف روابط بین آنها به منظور نوشتن متن های ذهنی.
۳. تقویت درک شباهت ها و تفاوت های میان موضوع نوشته با موضوعات دیگر.
۴. جذابیت بخشیدن به موضوع نوشته از طریق کشف روابط بین موضوعات بی ارتباط با یکدیگر.
۵. درک اهمیت انسجام در نوشته های ذهنی.
۶. آشنایی با نقش نشانه ربط عاطفی.

## روش تدریس پیشنهادی

### مهارت کشف روابط میان عناصر

شگرد کشف روابط میان عناصر، یکی از شیوه های ظاهر ساختن توانایی آفرینندگی و آشکارسازی خلاقیت افراد است که توسط چارلز - اس - وایتینگ ابداع شده است. در این روش باید بین دو گروه از پدیده ها که به ظاهر پیوندی با یکدیگر ندارند، رابطه ای ایجاد کرد.

در این شگرد، اعضای گروه برای یافتن رابطه بین دو زمینه ای که با یکدیگر مانوس و مرتبط نیستند، دست به تلاش فکری زده و در این راه به ایده ها و نظرات جدیدی دست می یابند.

در آغاز هدف از ایجاد ارتباط، برای شرکت کنندگان بیان می شود. به طور کلی می توان گفت فلسفه ایجاد این شگرد مبتنی بر تئوری ضبط اطلاعات زمینه ای درحافظه است. به این معنی که ساختار ذهن طوری است که اطلاعات به همراه زمینه یا اطلاعات محیط اطرافش در حافظه وارد و ضبط می گردد. به عنوان نمونه اگر شما اولین بار با فردی درحال شادی آشنا شده باشید، هر زمان به یاد او می افتید حالت شادی به شما دست خواهد داد. همچنین اگر تلاش کنید لیست غذا را به خاطر بیاورید، به همراه آن ممکن است چیزهایی مثل رستوران، آشپز، نوشیدنی، بشقاب یا اقلام شبیه آن را به خاطر آورید. اما هیچگاه تراکتور یا اتو به یادتان نمی آید (مگر آنکه خاطره ای از لیست غذا و تراکتور یا اتو داشته باشید) لذا این شگرد کمک می کند تا اطلاعات از زمینه های آن جدا شده و با یکدیگر ارتباط جدیدی را برقرار سازند و چه بسا در این رهگذر بتوان به ایده های تازه ای دست پیدا کرد. در این شگرد دو یا چند موضوع کاملاً بی پیوند با یکدیگر را انتخاب می کنیم و سپس سعی می کنیم بین آنها نوعی ارتباط بیابیم.

برای انتخاب یک مفهوم یا کلمه تصادفی چند راه وجود دارد :

۱ یک صفحه از فرهنگ لغت را باز می‌کنیم و از درون آن کلمه‌ای را انتخاب می‌نماییم.

۲ از دوست خود و یا افراد خانواده درخواست می‌کنیم یک کلمه به ما معرفی کنند.

۳ از اشیای اطراف خود الهام می‌گیریم.

مثال : در این مثال روش کار را مرور می‌کنیم :

فرهنگ لغت را باز می‌کنیم. کلمه صندلی را می‌بینیم. بنابراین اولین کلمه صندلی است.

این کار را تکرار می‌کنیم. این بار، کلمه زمین را می‌بینیم.

حال سعی می‌کنیم بین زمین و صندلی ارتباط برقرار کنیم و مفاهیم جدید بسازیم. لازم نیست ایده‌های

خود را محدود به این دو واژه کنیم. نقش این دو فقط الهام بخشیدن است حتی مهم نیست که ایده‌های ما

عینی و عملی باشد و یا ذهنی. بهره‌گیری از این تکنیک با هدف آزاد کردن ذهن است.

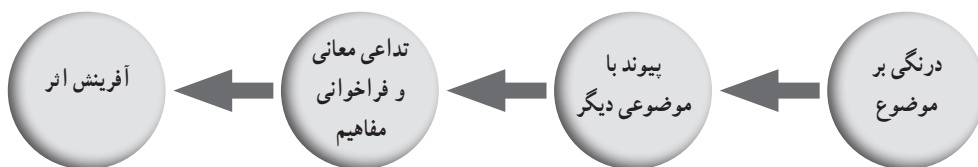
در درس ششم به این نکته اشاره شده است که برای نوشتن متن‌های ذهنی به روش سنچس و مقایسه از

مرز حواس فراتر می‌رویم و آزادانه در فضای ذهن حرکت می‌کنیم، بنابراین می‌توانیم دو چیز را که به ظاهر

هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند، با هم مقایسه کنیم.

مانند مقایسه کتاب با انسان، درخت و یا آسمان و نمونه‌های دیگری که در کتاب به آنها اشاره شده است.

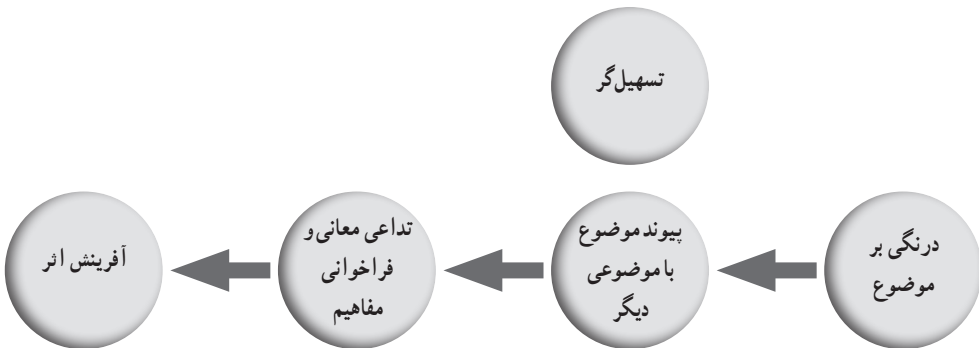
#### نمایه خلق نوشته بر پایه کشف روابط



هنگامی که برای نوشتن متن‌های ذهنی از پیوند زدن موضوع با موضوع‌های دیگر بهره می‌بریم، موضوع

دوم عمل درک و ارتباطیابی را آسان می‌کند و در پی آن بار معنایی پنهان در موضوع ( انرژی پنهان

موضوع) آزاد می‌شود و شبکه‌ای از مفاهیم شکل می‌گیرد.



### درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

در این تمرین از شیوه مقایسه و سنجش پدیده‌ها با یکدیگر برای پرورش ذهن و زبان دانش‌آموزان بهره گرفته‌ایم. شیوه سنجیدن و مقایسه آنها موجب می‌شود تا دانش‌آموزان از تفکر تک بعدی به سمت تفکر چند بعدی حرکت کنند و از قضاوت یک سو به بهره‌یزند و در داوری‌هایشان به جوانب مختلف یک موضوع توجه کنند. برای تدریس این درس می‌توان از روش‌های بارش مغزی و فهرست خصوصیات سود جست.



## درس سیزدهم

### عنوان: خیر و شر

**محتوا :** ارائه داستانی نمادین در قالب نثر معاصر و نظم کهن، نیک کرداری و بدکرداری، چیرگی درستی بر نادرستی

#### هدف های آموزشی

- ۱ تقویت و رشد باورهای مذهبی و فرهنگی به مدد آموزه های متن درس (ایمان)
- ۲ تقویت توانایی خوانش متن درس با لحن و آهنگ مناسب (عمل)
- ۳ تقویت نگرش مثبت نسبت به کاربرست آموزه های محتوایی درس، در زندگی روزمره (اخلاق)
- ۴ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته های کلیدی شعر (تفکر)
- ۵ آشنایی با نمونه ای از ادبیات داستانی – تمثیلی مثنوی هفت پیکر و داستان های دل انگیز (علم)
- ۶ کاربرست آموزه های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل).

#### روش تدریس پیشنهادی

- روش کارایی گروه
- روش ایفای نقش
- روش تدریس روشن سازی طرز تلقی و ....

#### رسانه های آموزشی

کتاب درسی، کتاب داستان های دل انگیز ادب فارسی، نوار صوتی، عکس، بهره گیری از پایگاه های اطلاع رسانی مناسب و ....

## جستاری در متن

«ز هرا خانلری» (کیا) در انشای مجموعه «داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی» کوشیده است که در عین مراعات سادگی و روانی، تا آنجا که میسر بوده، شیوهٔ تعبیر متن اصلی را نگهدارد و خصوصیات بیان شاعر و نویسنده را نشان دهد. تشبیهات و استعارات و تعبیراتی که در طی هر داستان آمده غالباً مأخوذ و منقول از متن اصلی است که مورد تلخیص قرار گرفته است. کتاب داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی، شامل داستان بکتاش و رابعه از الهی‌نامه و شیخ صنعان از منطق‌الطیر عطار، ۶ داستان از شاهنامه، خسرو و شیرین، دو داستان از هفت گنبد نظامی، همای و همایون خواجوی کرمانی، داستان بختیار بختیارنامه، یوسف و زلیخای جامی، نل و دمن فیض دکنی و داستان عامیانهٔ نه منظر خلاصه داستان‌های کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

## درنگی در متن

- تشبیه : بیابان چون تنوری بود.
- اغراق : آهن از تابش خورشید نرم می‌شد.
- کنایه : دم زدن (سخن گفتن).
- \* حالی آن لعلِ آبدار گشاد      پیش آن ریگ آبدار نهاد
- «آبدار» در مصراع نخست : درخشان. در مصراع دوم : آبدار : دارندهٔ آب. از این رو، جناس همسان (تام) : در دو واژهٔ «آبدار» می‌توان یافت.
- «ریگ آبدار» استعاره از شرّ است که آب هم داشت.

- \* گفت مُردم ز تشنگی، دریاب      آتشم را بکُش به لختی آب
- کنایه : مردم ز تشنگی : (از چیزی مردن) کنایه از بی‌طاعت شدن، از دست دادن تاب و توان.
- استعاره : آتش از تشنگی.
- تضاد : آب و آتش.

- \* شربتی آب از آن زلالِ چو نوش      یا به همتِ بیخس یا بفروش
- تشبیه : آب زلال به نوش و شهد، مانند شد.
- مراعات نظیر : شربت و نوش و آب و زلال.

\* گفت برخیز تیغ و دِشنه بیار  
 شربتی آب سوی تشنه بیار  
 جناس ناهمسان (ناقص) : تشنه و دشنه.  
 مراعات نظیر : تیغ و دشنه، آب و شربت و تشنه.  
 ....

## آگاهی‌های فرامتنی

هفت پیکر از منظومه‌های دلکش ادبیات پارسی است. نظامی، این شاعر خوش قریحه گنجه در سرودن افسانه‌های این منظومه طبع لطیف و ذوق سرشار و خلاق خویش را با جهان‌بینی آرمانی‌اش تجسم بخشیده است. او با توصیف‌های نغز و زیبا و پدیدآوردن مناظری شگرف در مقابل دیدگان خواننده، تبحرش را در آفرینش صحنه‌های بدیع می‌نماید.

روز پنج‌شنبه، که منسوب به سیاره مشتری است، بهرام در گنبد ششم می‌نشیند و شاهزاده بانوی چین، یغماناز، افسانه‌ای را برای او نقل می‌کند. داستان خیر و شر، ششمین داستان هفت پیکر است. این داستان نمادین و تمثیلی است با بیانی شیوا و دلکش، تعالیم اخلاقی و آموزه‌های بشری را به خواننده القا می‌کند.

به بیان استاد عبدالحسین زرین‌کوب : «افسانه‌ای که پنج‌شنبه، دختر پادشاه در گنبد صندلی فام حکایت می‌کند، چنان‌که از حکمت و ظرافت اهل چین در سنت‌های ادبی آن ایام انتظار می‌رود، هم اخلاقی و هم رمزی است. در مقایسه آن با یک قصه کوتاه اروپایی که تحت عنوان «خیر و شر» در مجموعه امثال «دون خوان مانویل» آمده است، نه فقط رنگ پر نور شرقی آن بلکه مفهوم رمزی ژرف‌تری که در جزئیات آن هست، قدرت تخیل شرقی را به نحو بارزی واجد برتری نشان می‌دهد».

## درنگی در کارگاه درس پژوهی

۱ پآکی / خُبث / بدبخت : مُقبل / غنی : مُفلس.

۲ بنیانگذار - خدمتگزار - کارگزاران.

۳ الف) ناگهان : قید. // جوانی : مفعول. // خاک : متمم.

ب) دید : ماضی ساده. // افتاده است : ماضی نقلی. // می‌نالد : مضارع اخباری. // می‌خواند : مضارع اخباری.

۴ مثنوی، چون هر بیت، قافیه‌ای جداگانه دارد.

۵ تو مرا کشتی و خدای نکشت      مقابل آن کز خدای گیرد پشت  
دولتم چون خداپناهی داد      اینکم تاج و تخت شاهی داد

۶ از ماست که برماست : گفت : زنهار اگرچه بد کردم در بد من مبین که خود کردم.

از کوزه همان برون تراود که در اوست : گفت : اگر خیر هست خیراندیش تو شری جز شرت نیاید پیش.

۷ از هر دو داستان، مفهوم آیه شریفه «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلَّ مِنْ تَشَاءٍ» قابل دریافت است؛ همچنین تقابل خیر و شر، نیکی و بدی و چیرگی خوبی‌ها و زیبایی‌ها بر بدی‌ها و زشتی‌ها از مضامین اصلی آنهاست.

حضرت یوسف «ع» و «خیر»، نمادی از انسان‌های نیک‌سیرت هستند و «برادران یوسف» و «شر» نمادی از انسان‌های بدذات و زیاده‌خواه.

کور شدن «خیر» می‌تواند با «در چاه افتادن» حضرت یوسف (ع) و نیز نجات یافتن از چاه با درمان شدن خیر توسط چوپان و دخترش قیاس شود.

در هر دو داستان، اقبال و بزرگی، عاقبت نیک‌اندیشی و خیرخواهی به مشیت الهی است.

## کنج حکمت (ای رفیق)

کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی (۸۴۰ ه‍.ق در سبزوار - ۹۱۰ ه‍.ق در هرات) معروف به مولانا حسین واعظ کاشفی یا واعظ کاشفی، نویسندهٔ پرکار، عالم جامع‌العلوم، منجم، مفسر قرآن، و واعظ تأثیرگذار در عهد تیموریان بود. عمده شهرت او به واسطهٔ نگارش «مقتل روضة الشهداء» است که در دوران صفویه برای اجرای تعزیه و روضه‌خوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. کاشفی تخلص او بود و از آنجا که به وعظ و نصیحت مردم می‌پرداخت به واعظ مشهور شد. امروزه آثار زیادی از کاشفی بر جای مانده که گواهی بر گستردگی دانش و اطلاعات اوست. هفت اثر مشهور او به زعم خواندمیر عبارت‌اند از: جواهرالتفسیر، مواهب‌علیه، روضة الشهداء، انوار سهیلی، مخزن الانشا، اخلاق محسنی، و سبعة کشفیه. بسیاری از آثار کاشفی هنوز تصحیح و منتشر نشده‌اند و از برخی تنها نام و نشانی در مآخذ باقی مانده‌است. اخلاق محسنی، یکی از آثار برجسته ملاحسین واعظ کاشفی، در حوزه حکمت عملی است که به نام سلطان حسین میرزا بايقرا و پسرش محسن میرزا در چهل باب، با عبارت‌های فارسی روان به نگارش در آمده است.

توضیحات متن : بر سبیل تطف : با نرمی و مهربانی/ آن شخص مسلم نداشت : آن شخص باور نکرد./ آغاز عربده و سفاقت نهاد : بانگ و فریاد و بی‌خردی آغاز کرد./ چرا زبون این ناکس شده‌ای و هر چند

او قهر می‌کند، تو لطف می‌فرمایی : چرا در برابر این مرد نالایق و پست که درستی و ستم می‌کند، ناتوان گشته‌ای و ملایمت نشان می‌دهی؟ (استفهام انکاری تأکیدی) / ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، چهارمین مصراع از رباعی شیخ بهایی است :

و آنکس که نکو گفت مرا، خود نیکوست	آن کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست
از کوزه همان برون تراود که در اوست	حال متکلم از کلامش پیدا است

# درس چهاردهم

## نوشته‌های ذهنی (۳)

### ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم

محتوا: بهره‌گیری از روش خوشه‌سازی در خلق نوشته

مثل‌نویسی  
افزایش توان نویسنده  
توانمندسازی ذهن و زبان

کارگاه‌نگارش  
انتخاب موضوع و خلق نوشته‌ای  
با بهره‌گیری از ناسازی معنایی

متن و تصویر  
برای بهره‌گیری از روش  
خوشه‌سازی ابتدا موضوع  
در مرکز و هسته نمودار جای  
می‌گیرد و ضمن تفکر و تأمل  
درباره موضوع مفهومی  
ناساز با آن در کنار موضوع  
ثبت می‌گردد. به شیوه بارش  
مفاهیم، شاخه‌های اصلی  
هسته‌ها کامل می‌شود و  
مفاهیم به دست آمده دست‌مایه  
خلق نوشته‌ای با بهره‌گیری از  
ناسازی معنایی است.

## هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با روش خوشه‌سازی.
- ۲ تقویت توانایی ایجاد شبکه روابط بین مفاهیم.
- ۳ توانایی خلق نوشتن با استفاده از روش ناسازی معنایی.
- ۴ درک اهمیت رعایت انسجام در نوشته.
- ۵ آشنایی با نمونه‌های برجسته‌ای از نوشته‌هایی که به شیوه ناسازی معنایی خلق شده‌اند.
- ۶ ایجاد نگرش مثبت در بهره‌گیری از ناسازی معنایی در نوشتن.
- ۷ آشنایی با نقش ابزار زبانی نشانه ربط تقابلی.

## روش تدریس پیشنهادی

روش خوشه‌سازی : ذهن ما مثل یک انباری شلوغ و سازمان نیافته است. خوشه‌سازی در واقع قالبی است برای استفاده از تفکر تصویری. آیا می‌توان تمام عمر منتظر ماند که الهام به درون ذهن راه یابد؟ شاید از خودمان پرسیم باید از کجا شروع کنیم؟ از چه بنویسیم؟ چگونه بنویسیم؟ با استفاده از خوشه‌سازی می‌توانیم آنچه در ذهنمان است را به روی کاغذ بیاوریم. این روش به ما کمک می‌کند دری به انبار خاطرات، تجربیات، اطلاعات و احساسات سازمان نیافته ذهن باز کنیم. خوشه‌سازی برای نوشتن انواع متن‌های گوناگون (انشا، شعر، داستان کوتاه، گزارش کار، ترانه و حتی رمان) کاربرد دارد.

مهم‌ترین نکته در استفاده از این روش، عدم پیش‌داوری است. باید اجازه دهیم خوشه‌سازی قدرت‌های خود را به ما بنمایاند.

گام اول : برای نوشتن به روش خوشه‌سازی گام اول انتخاب هسته است. یک کلمه یا عبارت را به عنوان مرکز ثقل و هسته خوشه در نظر می‌گیریم.

گام دوم : بدون مکث و خودسانسوری، تمام عباراتی را که این هسته به یاد ما می‌آورد، از انباری ذهن خود بیرون می‌کشیم. منبع ما خاطرات، احساسات و تجربیات گذشته ما هستند.

برای این کار، دور کلمه‌ها دایره می‌کشیم و دایره‌ها را با فلش‌هایی به هم وصل می‌کنیم. علت استفاده از دایره این است که دایره، مفهومی طبیعی و پویاست. در نقاشی‌های کودکان نیز مفاهیم به کمک دایره نشان داده می‌شوند. مربع و مستطیل ساخته‌های دست بشری هستند. فلش نیز به دلیل ساختار خاصی که دارد، باعث جاری شدن تفکرات و ایده‌ها می‌شود. دایره‌های خالی که با فلش به هم مرتبط می‌شوند ذهن را تحریک می‌کنند.

**گام سوم :** در این مرحله هر یک از واژگان که سرشاخه هستند، خود به عنوان هسته قرار می‌گیرند. در حقیقت خوشه‌سازی، تندنویسی تفکر تصویری است. ۲ تا ۵ دقیقه برای این مرحله کافی است. به محض سرریز ذهنی احساسات حاصل از خوشه‌سازی، ما آماده نوشتن هستیم.

**گام چهارم :** نوشتن خلاق در پایان به منظور ویرایش نوشته نهایی، آن را با صدای بلند می‌خوانیم.

### چند نکته

خوشه‌سازی نوعی تندنویسی تفکر تصویری همراه با انتخاب است؛ به هیچ وجه لزومی ندارد تمام خوشه‌ها در متن نهایی استفاده شوند. خوشه‌سازی در واقع مثل ماهی گرفتن است؛ لازم نیست زیاد انتظار بکشیم، چون ماهی همیشه می‌آید. ما باید آماده گرفتنش باشیم. فکر نیز همین خاصیت را دارد. خوشه‌سازی با ایجاد هسته مانند آهنربا یکسری عبارات و کلمات را از نیمکره راست مغز به خود جذب می‌کند.

کلمات و عباراتی که در خوشه‌سازی تجلی می‌یابند، گاهی موجب شگفت‌زدگی ما می‌شوند. علت این شگفت‌زدگی این است که تفکر مفهومی، ما را مجاب می‌کند که برای هر چیزی علتی منطقی بیابیم. پس متعجب می‌شویم، زیرا این کلمات و مفاهیم در حوزه دانسته‌های آگاهانه ما قرار ندارند. به خاطر داشته باشیم :

در هنگام خوشه‌سازی نباید سعی کنیم، تمرکز داشته باشیم؛ این اغتشاش ظاهری کلمات و عبارات به طور طبیعی الگو خواهد پذیرفت. بیشتر سعی کنیم در جریان خوشه‌سازی غرق شویم. در این وضعیت ما نقش کودکی را داریم که از هر اتفاق جدیدی شگفت‌زده می‌شود. انگار ما نیز کودکی شده‌ایم و بازی با ایده‌ها را تجربه می‌کنیم. در طول خوشه‌سازی به دو تجربه و نتیجه بسیار مهم دست پیدا می‌کنیم :

### امکان انتخاب

**مرکز ثقل :** این دو، از پتانسیل‌های نوشتن طبیعی هستند که با این روش‌ها بالقوه و آزاد می‌شوند. در حقیقت پذیرش خوشه‌سازی به عنوان یک تکنیک مؤثر در نوشتن خلاق، پذیرش قدرت خلاق طبیعی



کودکان (کودک درون) است. در حین این تجربه به این باور می‌رسیم که کم‌محتواترین کلمات هم تداعی‌های بسیاری دارند.

در حقیقت خوشه‌سازی، تندنویسی تفکر تصویری است.

## درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی اول :

دانش‌آموزان در این تمرین با توجه به آموزه‌های درس و سنجه‌های ارزشیابی به خلق متنی نو اقدام می‌کنند.

## بازی «آوا و سکوت»

روزی که درختان سکوت کردند

پرنده‌گان کوچک بازیگوش از لابه‌لای شاخه‌هایشان به پرواز درآمدند

درختان سکوت کردند

اما؛

پرنده‌گان،

همان پرنده‌گان بازیگوش را می‌گویم

موسیقی ذهن درختان را به گوش همه رساندند

سکوت درختان پر از آواهای شنیدنی بود

سکوتی پریها و سرشار از آواز و سرود

و در آن آواهایی شنیدنی و نواهایی پر رمز و راز موج می‌زد

یک متناقض‌نمای تمام عیار!

سکوت درختان، همه باغ را به بازی گرفته بود

بازی «آوا و سکوت»

## درس پانزدهم

### نشانی از خدا

**محتوا :** شناخت جهان آفرین و جهان از نگاه نویسندگان جهانی، مفهوم بی‌نهایت، شکوه اندیشه، احساس و عقل

#### هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با نمونه‌هایی از افکار و اندیشه جهانی از طریق مطالعه آثار ادبی (علم)
- ۲ تقویت مهارت خواندن متون مشهور ادبی با لحن مناسب (عمل)
- ۳ توانایی تطبیق مفاهیم و ارزش‌های متون ادبیات جهان با ادبیات ایران (تفکر)
- ۴ تقویت نگرش مثبت نسبت به مطالعه آثار برجسته ادبیات جهان و تأمل در مفاهیم آنها (باور)
- ۵ رعایت اخلاق پژوهشی در حوزه زندگی فردی، منطقه‌ای و جهانی (اخلاق)
- ۶ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۷ تقویت مهارت دریافت پیام و تحلیل متن و نکته‌های کلیدی شعر (تفکر).

#### روش تدریس پیشنهادی

- روش پرسش و پاسخ
- روش بحث گروهی
- روش کارآیی گروه
- روش تدریس اعضای گروه و ...

#### رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، کتاب مائده‌های زمینی، نوار صوتی، عکس، نمایش فیلم با محتوای بی‌کرانگی آفرینش، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

## آگاهی‌های فرامتنی

«آندره ژید» در سال ۱۸۶۹ میلادی در پاریس به دنیا آمد. خانواده او سخت پای‌بند به سنت‌های مذهب پروتستان بود و این موضوع تأثیر زیادی بر شکل‌گیری شخصیتش گذاشت. بروز بیماری در کودکی مانع از تحصیلات منظم او شد، اما علم‌دوستی و فضای فرهنگی خانواده توانست این خلأ را جبران کند. ژید کتاب‌های «سفر به کنگو» و «بازگشت از جاد» را بر ضد استعمار نوشت. او عضو حزب کمونیست شد، اما با برآورده نشدن انتظارات و تمایلات عدالت خواهانه‌اش با نوشتن کتاب بازگشت از شوروی از این حزب کناره گرفت. وی سرانجام در سال ۱۹۵۱ بر اثر بیماری ذات الریه درگذشت. او در سال ۱۹۴۷ جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد.

## کارگاه درس پژوهی

۱ ناتانائیل، هویدا، منحصر، عظمت، مائده.

۲ فعالیت دانش‌آموزی.

۳ فعالیت دانش‌آموزی.

۵ به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم ازوست هرگز هیچ زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده‌ام که بی‌درنگ نخواسته باشم تمامی مهرم را تبارش کنم. ای زیبای عاشقانه زمین، شکوفایی گسترده تو دل‌انگیز است.

بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو

کجا دیدی که بی‌آتش، کسی را بوی عود آمد  
اعمال ما وابسته به ماست؛ راست است که ما را می‌سوزاند، اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می‌آورد  
و اگر جان ما ارزش داشته باشد برای این است که سخت‌تر از جان‌های دیگر سوخته است.

۶ خدا در همه جا هست، در هر جا که به تصور درآید و نیافتنی است.

هر آفریده‌ای نشانه خداوند است، اما هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده او نیست.

۷ در هر دو عبارت، بر تغییر نگرش تأکید شده است؛ این که آدمی باید از نگاه سطحی پرهیز کند تا بتواند زیبایی‌ها و بزرگی‌ها را در پدیده‌های هستی و مفاهیم کشف کند.

## گنج حکمت (درشتی و نرمی)

در این حکایت سعدی بر این نکته تأکید دارد که مهربانی و خشونت در جای مناسب خود اثر بخش است. گاهی لازم است به نرمی رفتار و گاهی نیز تندی را پیشه کرد مانند کسی که رگ می‌زند: هم رگ را می‌برد و هم بر آن مرهم می‌نهد و نتیجه عملش بهبودی شخص بیمار است.

## درس شانزدهم

### نوشته‌های داستان گونه

محتوا : شناخت عناصر اصلی داستان و خلق نوشته‌های داستان گونه

#### مثل نویسی

بازآفرینی یک مثل از میان  
مثل‌های ارائه شده و گسترش  
آن.

#### کارگاه نگارش

خلق نوشته‌ای داستانی براساس  
عناصر داستانی.  
ارزیابی نوشته براساس سنجه‌ها

#### متن و تصویر

در این درس به چند عنصر اصلی  
داستان اشاره شده :  
شخصیت پردازی  
ماجرای داستان فضا  
روایت (شیوه بیان، زاویه دید)  
ذکر نمونه‌های داستانی

### هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با داستانی نوشتن به عنوان یکی از گونه‌های نوشته ذهنی.
- ۲ آشنایی با شخصیت پردازی در نوشته‌های داستان گونه.
- ۳ آشنایی با طرح ماجرا و خلق حادثه.
- ۴ آشنایی با اهمیت فضا سازی در نوشته.
- ۵ تقویت توانمندی معرفی شخصیت‌های داستان با بهره‌گیری از گفت‌وگو.
- ۶ توانایی درک فضا سازی داستان.
- ۷ توانایی خلق شخصیت‌هایی متناسب با فضای داستان.

۸ شناخت و درک اهمیت شیوه بیان به عنوان یکی از ارکان روایت.

۹ آشنایی با نمونه‌های ارزنده‌ای از داستان کوتاه.

۱۰ آشنایی با نقش ابزار زبانی نشانه ربط سببی.

## روش تدریس پیشنهادی

روش تدریس همیاری گروهی

گام نخست: انتخاب داستان ابتدا داستانی کوتاه را که متناسب با رده سنی دانش‌آموزان پایه دهم است، انتخاب می‌کنیم.

## سنگ و سنگ تراش

«روزی، سنگ تراشی که از کار خود ناراضی بود و احساس حقارت می‌کرد، از نزدیکی خانه بازرگانی رد می‌شد. در باز بود و او خانه مجلل، باغ و نوکران بازرگان را دید و به حال خود غبطه خورد با خود گفت: ....»

این بازرگان چقدر قدرتمند است! و آرزو کرد که او هم مانند بازرگان باشد. در یک لحظه، به فرمان خدا او تبدیل به بازرگانی با جاه و جلال شد! تا مدت‌ها فکر می‌کرد که از همه قدرتمندتر است. تا اینکه یک روز حاکم شهر از آنجا عبور کرد، او دید که همه مردم به حاکم احترام می‌گذارند حتی بازرگانان.

مرد با خودش فکر کرد: کاش من هم یک حاکم بودم، آن وقت از همه قوی‌تر می‌شدم! در همان لحظه، او تبدیل به حاکم مقتدر شهر شد. در حالی که روی تخت روانی نشسته بود، مردم همه به او تعظیم می‌کردند. احساس کرد که نور خورشید او را می‌آزارد و با خودش فکر کرد که خورشید چقدر قدرتمند است.

او آرزو کرد که خورشید باشد و تبدیل به خورشید شد و با تمام نیرو سعی کرد که به زمین بتابد و آن را گرم کند. پس از مدتی ابری بزرگ و سیاه آمد و جلوی تابش او را گرفت. پس با خود اندیشید که نیروی ابر از خورشید بیشتر است و آرزو کرد که تبدیل به ابری بزرگ شود و آن چنان شد.

کمی نگذشته بود که بادی آمد و او را به این طرف و آن طرف هل داد. این بار آرزو کرد که باد شود و تبدیل به باد شد. ولی وقتی به نزدیکی صخره سنگی رسید، دیگر قدرت تکان دادن صخره را نداشت. با خود گفت که قوی‌ترین چیز در دنیا، صخره سنگی است و تبدیل به سنگی بزرگ و عظیم شد. همان‌طور که با غرور ایستاده بود، ناگهان صدایی شنید و احساس کرد که دارد خُرد می‌شود. نگاهی به پایین انداخت و سنگ تراشی را دید که با چکش و قلم به جان او افتاده است!

### گام دوم : توزیع داستان

پس از گروه‌بندی یک نسخه از داستان را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم.

### گام سوم : تعیین وظایف

وظایف افراد در گروه را مشخص می‌کنیم.

نفر اول : تعیین شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان و ثبت آن.

نفر دوم : نوشتن ماجرای داستان در چند سطر پس از شنیدن کل داستان.

نفر سوم : مشخص کردن فضای داستان. ( فضای دوستانه، غم‌انگیز، شاد، بدخواهانه و ... )

نفر چهارم : تعیین زاویه دید داستان و همچنین بررسی شیوه بیان آن. ( از نظر خبری و یا حادثه‌ای بودن و ... )

### گام چهارم : انجام کار به صورت انفرادی داستان توسط اعضا در گروه خوانده می‌شود و هر یک از

اعضای گروه به تحلیل وظایف بخش مربوط به خود می‌پردازند.

### گام پنجم : بررسی داستان به شیوه گروهی در این مرحله هر یک از فراگیران با اعضای گروه،

پیرامون عناصری که مورد بررسی قرار داده‌اند، به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

### گام ششم : بررسی داستان در کلاس سخنگویان هر گروه نتایج به دست آمده را در کلاس مطرح و در

صورت نیاز اصلاحات احتمالی توسط معلم صورت می‌پذیرد. در صورتی که ابهامی در مورد هر یک از مراحل وجود داشته باشد توسط معلم برطرف می‌گردد.

### گام هفتم : توزیع کاربرگ‌ها در این مرحله به هر یک از گروه‌ها کاربرگ زیر ارائه می‌گردد. به آنها

می‌گوییم قرار است داستانی بنویسید، قبل از شروع با همفکری، نمایه زیر را کامل کنید. سپس براساس آن نوشته‌ای داستان گونه خلق کنید.





## درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

در این تمرین فراگیران با توجه به آموزه‌های درس شانزدهم متن‌های خود را می‌خوانند و دانش‌آموزان بر پایه سنجه‌های ارائه شده، نوشته دوستانشان را ارزشیابی می‌کنند.

## آگاهی‌های فرامتنی

برای اینکه بتوانیم داستان بنویسیم، لازم است راه و روش آن را بلد باشیم. پس اگر تا حالا سعی کردیم یک داستان خوب بنویسیم ولی نتوانستیم، برای این است که بدون توجه به اصول، شروع به نوشتن کرده‌ایم.

### الف) طرح داستان

داستان برای شکل گرفتن و کامل شدن نیاز به زمان دارد و داستان‌نویس در نوشتن آن نباید عجله کند. زیرا سوزهای که به ذهن شما می‌آید باید مدتی در ذهنتان باقی بماند تا هم در زمینه‌های مختلف مطالعه کنید و هم در مورد عناصر تشکیل دهنده آن فکر کنید. هر داستانی بعد از مدتی، خودش مانند میوه‌ای رسیده، از شاخه ذهنتان جدا می‌شود و روی صفحه سفید دفترتان می‌افتد. برای این کار داستان باید مراحل زیر را بگذراند: ۱- موضوع‌یابی ۲- پیام داستان ۳- طراحی داستان ۴- رشد و پرداخت داستان

۱ داستان‌نویس قبل از هر چیز باید بداند که قصد دارد درباره چه موضوعی داستان بنویسد.

۲ از هر موضوعی باید در حد خودش انتظار رشد داشت. مثلاً اگر بخواهید رمانی طولانی بنویسید، باید موضوعی را انتخاب کنید که بتوان روی آن بیشتر کار کرد و همچنین نباید با موضوع‌های بلند، داستان‌های کوتاه بنویسید که باعث ورود حوادث پشت سرهم یا ورود شخصیت‌های گوناگون می‌شوند که درست معرفی نمی‌شوند و در ذهن خواننده باقی نمی‌مانند و باعث سردرگمی او می‌شوند.

۳ پیام داستان نباید مستقیم بیان شود. بلکه باید مانند یک قند که در آب حل شده است، طوری در داستان به خواننده ارائه شود که دیده نشود ولی خواننده در طول داستان آن را احساس کند. برای این کار باید در انتخاب شخصیت‌ها، حوادث، گفتگوها و ... دقت بسیار زیادی به خرج داد. زیرا هریک از این عناصری که در خدمت پیام هستند، می‌توانند پیام را با قدرت بسیار زیاد به نمایش بگذارند.

۴ یک نویسنده برای نوشتن داستانش باید نقشه داشته باشد. نقشه نویسنده برای نوشتن داستان را، «طرح داستان» می‌گویند. پس از آماده و تکمیل کردن طرح داستان است که نویسنده می‌تواند به سراغ نوشتن خود داستان برود.

۵ طرح داستان باید روشن و کامل باشد؛ یعنی معلوم باشد که داستان از چه نقطه‌ای شروع شده، چه مسیری را طی کرده و چگونه به پایان رسیده است. کمترین توقّعی که خواننده پس از خواندن داستان دارد، این است که بتواند طرح آن را تعریف بکند. یعنی بگوید که داستان درباره‌ی چه کس و یا چه چیزی بوده، چگونه شروع شده، چگونه ادامه پیدا کرده و چگونه به پایان یافته است.

۶ باید برای هر عمل و حادثه‌ای که در داستان اتفاق می‌افتد، دلیل روشن و محکمی ارائه داد و علّت بروز آن عمل و حادثه نیز در داستان باید به نحوی روشن باشد.

۷ در هر طرح باید شخصیت اصلی، حادثه اصلی، زمان و مکانی که حادثه در آن روی داده است، کاملاً روشن و مشخص باشند.

۸ طرح داستان باید در خدمت پیام داستان باشد. گاهی اوقات در حین نوشتن و تکمیل کردن طرح داستان، حوادث پرهیجان و یا شخصیت‌های جالبی به ذهن نویسنده می‌رسد که نه تنها نقشی در انتقال پیام ندارد، بلکه باعث کم رنگ شدن آن نیز می‌شود.

### (ب) شخصیت‌پردازی

۱ پرداخت مستقیم خصوصیات شخصیت‌ها معمولاً در داستان‌هایی صورت می‌گیرد که شخصیت‌های بسیار زیادی دارند و نویسنده در طول داستان، مجال پرداخت غیرمستقیم مشخصات آنها را پیدا نمی‌کند و به همین خاطر خصوصیات شخصیت‌ها را در یک یا دو جمله از زبان خود و یا یکی از شخصیت‌های داستان بیان می‌کند. در داستان‌هایی که یک یا دو شخصیت اصلی دارند، این کار از قوت داستان می‌کاهد و نویسنده باید به طور غیر مستقیم – یعنی از طریق گفتار و کردار آن شخصیت‌ها – به آنها پردازد.

۲ در داستان‌هایی که تعداد شخصیت‌ها زیاد است باید خصوصیات شخصیت‌هایی را بیان کرد که در داستان نقش اصلی را دارند. در غیر این صورت، باعث پراکندگی ذهن خواننده می‌شود.

۳ نباید همه لحظاتی را که بر شخصیت‌های داستان می‌گذرد، با ذکر جزئیات در داستان بیاوریم، بلکه تنها لحظاتی را باید در داستان آورد که در آن زمان، حوادث خاص – که در طرح داستان نقشی داشته باشند – اتفاق می‌افتد. از روی لحظات دیگر می‌توان بسیار راحت و تنها با اشاره گذشت.

۴ داستان‌هایی که از زبان اول شخص تعریف می‌شوند، داستان‌های عاطفی و دارای فضای صمیمانه هستند و داستان‌هایی که از زبان سوم شخص روایت می‌شوند، داستان‌های حادثه‌ای هستند و بهتر است که جای این دو را رعایت کنیم.

## انواع شخصیت در داستان:

**شخصیت اصلی:** شخصیت اصلی شخصیتی است که همهٔ حوادث و شخصیت‌ها به معرفی او می‌پردازند. اوست که حوادث مهم را پیش می‌برد و از همه مهم‌تر سرنوشت و پایان ماجراهای اوست که اهمیت پیدا می‌کند. به چنین شخصیتی، شخصیت اول یا اصلی می‌گویند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین شخصیت داستان، شخصیتی محوری است که همهٔ طرح و پرداخت داستان در جهت معرفی و مشخص کردن سرنوشت او به کار گرفته می‌شوند و محوریت حوادث بر رفتار، اعمال، اندیشه و احساسات او قرار می‌گیرند. شخصیت اصلی کشمکش خود را با زنجیره‌ای از حوادث پیش می‌برد و ساختار روایی داستان را ایجاد می‌کند. شخصیت اصلی، مهم‌ترین درون مایه، پیام و یا حس داستانی را منتقل می‌کند و یا دست کم در انتقال آن نقش اساسی دارد.

نمونه‌هایی از شخصیت اصلی در داستان:

در رمان «چشم‌هایش»، از «بزرگ علوی»، «استاد ماکان» شخصیت اصلی و محوری است. در رمان «سرخ و سیاه»، «ژولیان» شخصیت اصلی است. اوست که حوادث را پیش می‌برد و پایان و سرنوشت اوست که برای خواننده اهمیت پیدا می‌کند. «خالد» قهرمان رمان «همسایه‌ها» نوشتهٔ «احمد محمود» شخصیت اصلی است. «بابا سبحان» در «آوسنه باب سبحان» اثر «محمود دولت آبادی»، «آهوخانم» در «شوهر آهوخانم» از «علی محمد افغانی»، «مرسو» در «بیگانه» اثر «آلبر کامو»، و «امابوواری» در «مادام بوواری» اثر «گوستاو فلوربر» نمونه‌هایی از صدها نمونهٔ شخصیت اصلی هستند که می‌توان نام برد.

فردی که در مرکز داستان کوتاه، رمان، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه قرار می‌گیرد و نویسنده سعی می‌کند که توجه خواننده یا بیننده را به او جلب کند، شخصیت اصلی می‌گویند. «شخصیت اصلی»، گاهی مترادف «قهرمان اصلی» می‌آید، گرچه ضرورتی ندارد که شخصیت اصلی همیشه خصوصیت‌های قهرمانی داشته باشد. «شخصیت اصلی، خوب یا بد، همواره با نیرویی معارض به کشمکش برمی‌خیزد. از وقتی که «کشمکش میان شخصیت اصلی با معارضش» آغاز می‌شود، «پیرنگ داستان» شکل می‌گیرد. در داستان «دش آکل» نوشتهٔ «صادق هدایت»، «دش آکل»، شخصیت اصلی داستان و «کاکارستم» شخصیت مخالف اوست، که اینها در برابر هم قرار می‌گیرند.»

**شخصیت‌های پویا و ایستا:** یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های شخصیت، شخصیت‌های ایستا و شخصیت‌های پویا (متحول) هستند.

**شخصیت ایستا:** شخصیتی که در داستان تغییر نکند یا اندک تغییری پذیرد و در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است طوری که حوادث داستان بر او تأثیر نگذارد. به عنوان نمونه «خورشیدشاه»

قهرمان داستان «سمک عیار» با همه تحولاتی که پشت سر می‌گذارد باز در پایان داستان همان شخصیت آغاز قصه را دارد.

**شخصیت پویا :** شخصیتی که مدام در طول داستان، دچار تغییر و تحول شود و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان‌بینی او یا خصلت و خصوصیات شخصی او دگرگون شود. این دگرگونی در شخصیت ممکن است عمیق یا سطحی و پیش یا افتاده، پدیده یا محدود باشد. ممکن است در جهت سازندگی شخصیت‌ها یا تخریب و ویرانگری آنها عمل کند. یعنی در جهت متعالی کردن فرد یا در زمینه تباهی و نابودی او پیش برود. این تغییر اساسی و حائز اهمیت است و تغییر لحظه‌ای و زودگذر نیست که حالت یا عقیده شخص را دگرگون نماید.

شاهکارهای ادبی اغلب دارای شخصیت‌های پویا هستند. شخصیت‌های آنها در سیر حوادث تغییر و تحول می‌یابد. در واقع از قانون طبیعت و زندگی بشری پیروی می‌کنند و متحول می‌شوند. انسان چون موجودی پویا است. وقایع و اوضاع اجتماعی باعث تغییر در ابعاد شخصیتی او می‌گردد و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رمان نمایشگر این تغییر و دگرگونی است. البته در هر داستانی نمی‌توان انتظار تحول شخصیت‌ها را داشت. در داستان کوتاه مجالی برای این امر نیست به همین دلیل اغلب شخصیت‌های داستان کوتاه ممکن است شخصیت‌های ایستایی باشند که در طول داستان خصوصیتی ثابت داشته باشند یا اندک تغییری یابند.

در داستان‌های بازاری، جنایی و پلیسی تغییرات در شخصیت‌ها اغلب سرسری، کاذب و ناگهانی است و صرفاً برای رضایت خواننده و پایان خوشی است که داستان پیدا می‌کند. این چنین تغییرات کمتر باورکردنی و معقول به نظر می‌رسد. برای قانع کردن خواننده باید سه عامل مهم، یعنی امکانات شخصیت، اوضاع و احوال و مقتضیات زیستی محیط و زمان را در نظر گرفت. تغییر و تحول شخصیت باید سه اصل را داشته باشد.

- ✓ تغییرات و دگرگونی‌ها باید در حد امکانات آن شخصیتی باشد که این تغییرات را موجب می‌شود.
- ✓ تغییرات باید معقول اوضاع و احوالی باشد که شخصیت در آن واقع است.
- ✓ زمان کافی برای انجام این تغییرات وجود داشته باشد تا به تناسب درجه اهمیت آن تغییرات باورکردنی جلوه کند.

پس تغییر باید اساسی صورت گیرد و زمان در آن بسیار مهم است. چرا که تغییر ناگهانی در نظر خواننده باورکردنی و واقعی نیست.

**شخصیت قالبی:** شخصیت‌هایی هستند که به صورت نسخه بدل یا کلیشه‌ای شخصیت‌های دیگر باشند. شخصیت‌های قالبی از خود هیچ تشخیصی ندارد و بی‌هویت هستند. ظاهر آنها آشنا و صحبت‌های آنها قابل پیش‌بینی است. طرز عمل و نوع رفتارشان مشخص است چرا که دارای الگوی رفتاری هستند که ما با آن قبلاً آشنا شده‌ایم. این نوع شخصیت‌ها در اطراف ما بسیارند و در زندگی روزمره به چشم می‌خورند. «تمایزترین آنها شخصیت‌هایی هستند که به شخصیت قالبی و ساختگی خود، جنبه حرفه‌ای و کسب و کار داده‌اند مثل منشی‌ها. شخصیت‌های ساختگی مثل روشنفکر نما، مقدس مآب، مظلوم نما که از گفتار و طرز رفتار آنها به خصوصیت‌های قالبی شخصیت آنها پی می‌بریم.

نویسندگانی که بیش از حد به شخصیت‌های قالبی و شناخته شده روی می‌آورند، چندان به خود زحمت نمی‌دهند که به دنبال شخصیت‌های واقعی باشند و به همین دلیل نمی‌توانند شخصیت‌های زنده‌ای بیافرینند. یکی از دلایل این امر را می‌توان کمبود استعداد هنری در خلق شخصیت‌ها دانست به همین دلیل نویسنده نمی‌تواند شخصیتی را که دارای انسجام کافی باشد خلق نماید. در این گونه آثار همه شخصیت‌ها به هم شباهت دارند و به آسانی می‌توان آنها را به آثار دیگر منتقل کرد.

در آثار نویسندگان بزرگ از شخصیت‌های قالبی اثری دیده نمی‌شود. به عنوان نمونه در «جنگ و صلح» تولستوی بانصد و پنجاه شخصیت وجود دارد و هر کدام از آنها انسانی یگانه و منحصر به فرد است.

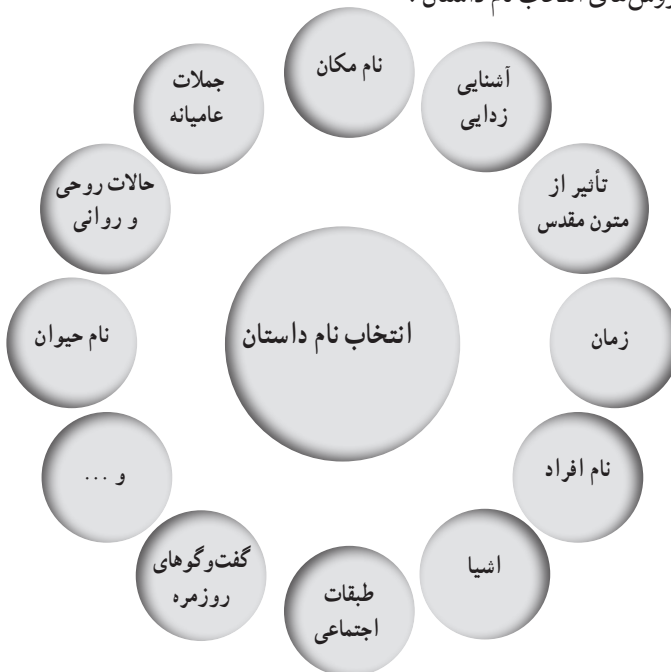
**شخصیت‌های قراردادی:** این گونه شخصیت‌ها افراد شناخته شده‌ای هستند که مرتباً در نمایشنامه‌ها و داستان‌ها ظاهر می‌شوند و خصوصیتی جا افتاده و سنتی دارند. این نوع شخصیت‌ها به شخصیت‌های قالبی بسیار نزدیک‌اند و گاه تشخیص این دو از هم دشوار است. «اولین بار این شخصیت‌ها در نمایش‌نامه‌های کلاسیک ظاهر شده‌اند.» و در تئاترهای یونان باستان و بعدها در دیگر انواع ادبی جایی برای خود باز کردند. «در قصه‌های قدیمی غول‌ها، پری‌ها، جادوگرها، آدم‌های خسیس، آدم‌های سخاوتمند شخصیت‌های قراردادی بودند که در توصیف خصوصیت‌های آن مبالغه می‌شد.» از دیگر شخصیت‌های قراردادی در گذشته پهلوانان، عیارها، وزیران دست راست و دست چپ و دلک‌ها را می‌توان نام برد. هر کدام از این شخصیت‌ها مظهر و نمادی از یک رفتار بودند. مثلاً پهلوانان طرفدار عدل و راستی و عیارها مظهر جوانمردی و طرفدار قشر محروم جامعه بودند. در داستان «حاجی آقا» هدایت الگویی از شخصیت‌های قراردادی گذاشته است و حاجی شخصیتی خسیس نشان داده شده است. از خصوصیات شخصیت‌های قراردادی، تازه نبودن خصایص آنهاست و به همین دلیل ما از دیرباز با آنها آشنا هستیم و می‌توانیم رفتار و گفتار آنها را حدس بزنیم.

**شخصیت‌های نوعی :** این نوع شخصیت نشان دهنده خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که این خصوصیت‌ها او را از دیگران متمایز می‌کند. برای خلق چنین شخصیتی «باید حقیقت را از چند نمونه زنده و واقعی گرفت.» و بعد با مهارت و هنرمندی درهم آمیخت تا بتوان به شخصیت نوعی مورد نظر دست یافت. شخصیت‌های نوعی، همچون شخصیت‌های قراردادی نیازمند و وام‌دار کیفی سنت‌های ادبی نیستند. ممکن است خصلت یا رفتار تازه‌گروهی یا طبقه خاصی را نشان دهند که در ادبیات سنتی مانند آنها نباشد. مثل خصوصیت‌های نوعی وکیل‌های حيله‌گر و مکار. اگر در طی زمان خصوصیت‌های نوعی دستخوش تغییر و دگرگونی شوند و مصداق خود را از دست بدهند، دیگر نمی‌توان این شخصیت‌ها را نوعی حساب کرد، بلکه در حیطه شخصیت‌های قراردادی از آنها یاد می‌شود.

### پ) نام داستان

اسم داستان باید جدید، جاذبه برانگیز و خوش آهنگ باشد. اسم داستان نباید طرح داستان را لو بدهد و همچنین باید در ارتباط منطقی با فضای داستان باشد. بهتر است اسم داستان‌تان را در آخر انتخاب کنید. زیرا در طول نوشتن داستان، ذهن شما داستان را تغییر می‌دهد و داستانی که در ابتدا قصد داشتید بنویسید همانی نیست که حالا نوشته‌اید. (داریوش عابدی، پلی به سوی داستان نویسی)

نمونه‌هایی از روش‌های انتخاب نام داستان :



## دیدگاه

دیدگاه به معنی زاویه دید را نباید با اعتقاد یا نظر فرد اشتباه گرفت. زاویه دید نقطه‌ای است که کار از آن نقطه مشاهده می‌شود.

انواع زاویه دید :

✓ اول شخص (من یا ما)

✓ دوم شخص (تو یا شما)

✓ سوم شخص (او یا آنها)

نمونه برای دوم شخص : سوار ماشینت می‌شوی و می‌بینی باقی مانده غذاها هنوز روی صندلی جلو باقی مانده است. همان موسیقی مخصوص برنامه ساعت نه پخش می‌شود.

نمونه برای سوم شخص : از میان جمعیت منتظر برای قطار به سختی خود را بیرون کشید. از پله‌های برقی بالا رفت. احساس سبکی می‌کرد. ناگهان به یاد آورد که کیف لپ‌تاپ‌اش را در قطار جا گذاشته است. نمونه برای اول شخص : با احتیاط شیشه را پایین کشیدم. پانصد تومانی کهنه را از لای شیشه بیرون انداختم. دخترک دستان یخزده خود را بالا برد. معمول‌ترین دیدگاه در ادبیات معاصر اول شخص و سوم شخص است.

## نیایش

این عنوان و صفحه نیایش، بر بنیاد همان اندیشه و باور در کتاب درسی، حضور دارد که صفحه و عنوان ستایش، نیز بر آن استوار است.

پیوستن آغاز و فرجام هر کار به نام و یاد خدای رحمان، بنیاد باورشناختی دارد و مبتنی بر آموزه‌های دینی ماست.

اکنون که به فرجام کرا رسیده‌ایم، چونان جلال‌الدین محمد، روی به درگاه حق می‌کنیم و فریاد برمی‌آوریم :

ای خدا، ای فضل تو حاجت روا	با تو یاد هیچ کس نبود روا
منگر اندر ما، مکن در ما نظر	اندر اکرام و سخای خود نگر
چون الف، چیزی ندارم ای کریم	جز دلی دل تنگ‌تر از چشم میم

این همه گفتیم، لیک اندر بسیج بی‌عنایات خدا هیچیم، هیچ  
بی‌عنایات حق و خاصان حق گر ملک باشد، سیاهش ورق

بیت اول: ای خدایی که فضل و احسان تو حاجت ما مستمندان را بر می‌آورد، با باد تو روا نیست که به  
یاد کسی دیگر باشیم.

بیت سوم: ای خدای بخشنده دلمان چون چشم حرف میم بسیار تنگ و کوچک است و مانند حرف  
الف هیچ نداریم.

بیت پنجم: اگر عنایات خداوندی نباشد هیچ‌گونه ارزشی نخواهیم داشت.



## فارسی

- من زنده‌ام (خاطرات دوران اسارت)، معصومه آباد، نشر بروج، تهران، چاپ چهل و سوم، ۱۳۹۳.
- اتاق آبی، سهراب سپهری، انتشارات سروش.
- داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی، نگارش زهرا کیا.
- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، به اهتمام محمد قزوینی، انتشارات کلاله خاور.
- سفرنامه ناصر خسرو، محمد دبیرسیاقی، زوار، تهران.
- فردوسی و شاهنامه، منوچهر مرتضوی، مؤسسه تحقیقات علمی و فرهنگی.
- فرهنگ فارسی، محمد معین، دوره ۶ جلدی، انتشارات امیرکبیر.
- قابوس نامه عنصرالمعالی کی کاووس بن وشمگیر، تصحیح غلامحسین یوسفی، مؤسسه انتشارات علمی فرهنگی.
- کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، تهران.
- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین، سید جعفر شهیدی.
- مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسن، انتشارات مولا.
- ادب مقاومت، غالی شکری، گردانیده محمد حسین روحانی، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ادبیات داستانی، جمال میرصادقی، مؤسسه فرهنگی ماهور، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور میهنی، به تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- انواع ادبی، سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- انواع شعر فارسی، منصور رستگار فسایی، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- بینوایان، ویکتور هوگو، ترجمه حسینقلی مستعان، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۵۷.
- تاریخ ادبیات جهان، باکتر بکتر، ترجمه عربعلی رضایی، نشر فروزان، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- تحفه الاخوان، عبدالرزاق گاشی، به تصحیح سیدمحمد دامادی، انتشارات علمی فرهنگی.
- جوامع الحکایات، سدیدالدین محمد عوفی، به تصحیح مظاهر مصفا، مؤسسه مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- جهان داستان، جمال میرصادقی، نشر نارون، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- حافظ پژوهان و حافظ پژوهی، ابوالقاسم رادفر، نشر گسترده، چاپ اول، ۱۳۶۸.

- حافظ شیرین سخن، محمد معین، انتشارات صدای معاصر، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- حافظ نامه، بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات علمی فرهنگی، انتشارات سروش، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- حماسه سرایی در ایران، ذبیح الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.
- حماسه ملی ایران، تئودر نولدکه، ترجمه بزرگ علوی، نشر جامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- داستان و ادبیات، جمال میرصادقی، انتشارات نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- داستان‌های صاحب‌دلان، محمد محمدی اشتهااردی، ناشر موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، قم، ۱۳۶۷.
- داستان و نقد داستان، احمد گلشیری، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- دربارهٔ رمان و داستان کوتاه، سامرست موام، ترجمه کاوه دهقان، انتشارات سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.
- دیوان سنایی، ابوالمجدود بن آدم سنایی غزنوی، به اهتمام مدرّس رضوی، انتشارات کتابخانه سنایی، بی تا.
- سبک شناسی شعر، سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، ی.ا. برتلس، چاپ دوم، مسکو، ۱۹۶۶.
- شرح مثنوی، بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات کتابفروشی زوّار، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- شرح مثنوی، کریم زمانی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- صور فارسی در شعر فارسی، محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- عناصر داستان، جمال میرصادقی، انتشارات سخن، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- فرهنگ کنایات، منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- فرهنگ معاصر، رضا اترابی نژاد، منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- فرهنگ نام‌های شاهنامه، منصور رستگار فسایی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- کشف الاسرار، ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، به اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۱.
- مکتب حافظ، منوچهر مرتضوی، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- موسیقی شعر، محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- واژه نامک، عبدالحسین نوشین، انتشارات دنیا، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
- واژه‌نامه هنر شاعری، میمنت میرصادقی، انتشارات کتاب مهناز، چاپ اول، ۱۳۷۳.

## نگارش :

- آموزش مهارت‌های نوشتاری (کتاب درسی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم)، گروه مؤلفان، ناشر اداره کل نظارت بر نشر و توزیع کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
- اتاق آبی، سهراب سپهری، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
- آن سوی مه، داریوش عابدی، نشر سوره مهر، ۱۳۸۸.
- اگر قره قاج نبود، محمد بهمن بیگی، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۸.
- امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۸.
- بوستان، سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی.
- بی‌بال پریدن، قیصر امین پور، انتشارات افق، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۷.
- تپله‌های شکسته زرد، راضیه تجار، مجله نیریزان، شماره ۲۲، اسفند ۱۳۹۳.
- حالا حکایت ماست، عمران صلاحی، نشر مروارید، ۱۳۹۳.
- داستان معاصر داستان نویسان معاصر، گردآوری و تدوین حسین حدّاد، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- دو کلمه حرف حساب، کیومرث صابری، گل آقا، چ اول، ۱۳۷۴.
- رنگ‌آمیزی در نگارش، علی پورامن، نشر اختر، تبریز، ۱۳۹۰.
- زبان فارسی (کتاب درسی دوم دبیرستان)، گروه مؤلفین، ناشر اداره کل نظارت بر نشر و توزیع کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸.
- ساختارشناسی تاریخی - تحلیلی شعر کودک و نوجوان، محمد دهریزی، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- سازه‌های نوشتن، سیاوش پیریایی، موسسه فرهنگی مصباح، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- سرگذشت شعر در ایران، علی اصغر سیدآبادی، نشر افق، ۱۳۹۱.
- صداهایی برای نوشتن آواهایی برای نوشتن، فریدون اکبری شلدره، انتشارات روزگار، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- صحیفه سجادیه، ترجمه جواد فاضل، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- طلسم سنگ (مجموعه نثرهای عاشورایی)، سید حسن حسینی، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۵.
- فانوس‌های روشن، به کوشش علی فرّخ مهر، مدرسه، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- فوت کوزه‌گری: مثل‌های فارسی و داستان‌های آن، مصطفی رحماندوست، متین پدramی، مرجان کشاورز آزاد و آذر رضایی، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.

- کتاب معلّم (راهنمای تدریس) آموزش مهارت‌های نوشتاری پایه‌های هفتم، هشتم و نهم، گروه مؤلفان، ناشر اداره کل نظارت بر نشر و توزیع کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- کلیله و دمنه، نصرالله منشی، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات امیرکبیر.
- گلستان، سعدی، به کوشش غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- مائده‌های زمینی و مائده‌های تازه، آندره ژید. ترجمه مهستی بحرینی، انتشارات نیلوفر، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۹۴.
- معارف اللطایف، محمد علی مجاهد (پروانه)، انتشارات سوره مهر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- نخل، هوشنگ مرادی کرمانی، انتشارات سحاب، تهران، ۱۳۶۹.
- نشان لیاقت عشق، (داستان‌های کوتاه از نویسندگان ناشناس)، برگردان بهنام زاده، انتشارات پژوهه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
- نگارستان، معین‌الدین جوینی، تصحیح و گزارش هادی عباس آباد عری، انتشارات اسرار علم، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- نیایش، علی شریعتی، انتشارات الهام، ۱۳۷۸.
- هبوط در کویر (جلد ۱۳ مجموعه آثار)، علی شریعتی.
- هزار حکایت فارسی، منوچهر علی پور، انتشارات تیرگان، ۱۳۹۴.
- هفده داستان کوتاه (از نویسندگان ناشناس)، ترجمه سارا طهرانیان، کتاب خورشید، ۱۳۹۳.
- یخی که عاشق خورشید شد، رضا موزونی، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

